



گروه آموزشی دانش نوین

 @irandaneshnovin

 @iran\_danesh\_novin

برای دانلود بقیه جزوات، با کلیک روی لینک های زیر به سایت یا کانال  
ما در تلگرام و سروش سر بزنید:

[www.idnovin.com](http://www.idnovin.com)

<https://telegram.me/irandaneshnovin>

[http://sapp.ir/iran\\_danesh\\_novin](http://sapp.ir/iran_danesh_novin)

# دین و زندگی

جلسه سیزدهم

« درس اول »

« هستی بخش »

يَا أَيُّهَا النَّاسُ  
أَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ

همه مخلوقات از جمله انسان  
« النَّاسُ » در وجود و هستی خود  
نیازمند « الْفُقَرَاءُ » خدا هستند.

وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ  
تنها وجود بی نیاز خداست.

إِنْ يَشَاءُ يُدْهِبْكُمْ  
وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ

چون وجود مخلوقات وابسته به  
خداست اوست که می تواند آن  
ها را ببرد یا نگه دارد.  
( قضای الهی )

وَمَا ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ بِعَزِيزٍ

چون وجود خداوند وابسته به  
چیزی نیست کسی نمی تواند  
وجود او را بگیرد و نابودش کند،  
او در ذات خود غنی و بی نیاز  
است.

## نیازمندی جهان به خدا در پیدایش

هر یک از ما با تمام وجود خدا را می یابیم و حضورش را درک می کنیم به همین جهت در سختی ها و مشکلات به او پناه می بریم و از او کمک می طلبیم . با وجود این، قرآن کریم ما را به معرفت عمیق تر در این باره دعوت می کند و راه های متفاوتی را به ما نشان می دهد. یکی از این راه ها نیازمندی جهان، در پیدایش خود، به خداست. استدلال آن به این شرح است:

**مقدمه ی اوّل :** هرگاه به خود نظر کنیم، درمی یابیم که پدیده ای هستیم که وجود و هستی ما از خود ما نیست. اشیای پیرامون ما نیز همین گونه اند؛ حیوانات، گیاهان، جمادات، زمین، ستاره ها و کهکشان ها پدیده هایی هستند که وجودشان از خودشان نیست، یعنی یک زمانی نبوده اند و سپس پدید آمده اند. به عبارت دیگر: انسان و موجودات جهان پدیده هایی هستند که در وجود به خودشان متکی نیستند.

**مقدمه ی دوم :** هر پدیده ای که وجودش از خودش نباشد، برای موجود شدن نیازمند به دیگری است؛ همان طور که هر چیزی که خودش شیرین نباشد، برای شیرین شدن، نیازمند به چیز دیگری است که خودش شیرین باشد.

**ذات نایافته از هستی بخش**

**کی تواند که شود هستی بخش**

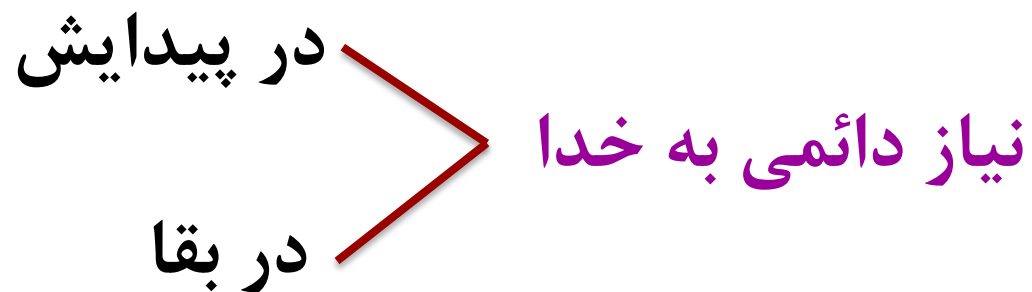
یک موجود، فقط در صورتی برای موجود بودن به دیگری نیازمند نیست که ذات و حقیقتش مساوی با موجود بودن باشد و نیستی در او راه نداشته باشد. در این صورت، چنین چیزی دیگر پدیده نیست و نیاز به پدیدآورنده ندارد و خودش همواره هست.



**نتیجه:** با توجه به این دو مقدمه، درمی یابیم که ما و مجموعه ی پدیده های جهان، در پدید آمدن و هستی یافتن به آفریننده ای نیازمندیم که سرچشمه ی هستی است و هستی از او جدا نمی شود. این وجود برتر و متعالی « خدا » ست.

## نیازمندی جهان به خدا در بقا

نیازمندی موجودات به خداوند، منحصر به مرحله‌ی پیدایش نمی‌شود؛ بلکه برای بقا و ادامه نیز به او نیازمندند.



هستی موجودات به خداوند وابسته است. رابطه ی وجود ما با وجود خداوند مانند رابطه ی پرتوهای نور با منبع آن است. همان طور که اگر خورشید نورافشانی نکند دیگر پرتو نوری نیست، اگر خداوند نیز هستی بخشی نکند، دیگر موجودی در جهان باقی نخواهد ماند.

از این رو در قرآن کریم، خداوند « غنی » خوانده شده است و انسان ها و سایر مخلوقات « فقیر » و نیازمند به او؛ و این نسبت هیچ گاه تغییر نمی کند.

هرچه انسان کمالاتی نظیر علم و قدرت کسب کند، باز هم نسبت به خداوند فقیر است. زیرا خود و همه ی آنچه به دست آورده، از خدا سرچشمه می گیرد. همچنین، انسان ها هر قدر که به معنای حقیقی کامل تر شوند، فقر و نیازمندی خود به خداوند را بهتر درک می کنند و بندگی و عبودیتشان در پیشگاه خداوند قوی تر و بیشتر می شود. به همین جهت پیامبران، امامان و اولیای الهی بیش از دیگران با پروردگار جهان راز و نیاز می کنند و از او کمک می خواهند و در مشکلات به او پناه می برند.

## خداوند، نور هستی **الله نور السماوات و الارض**

خداوند، در قرآن کریم، خودش را نور آسمان ها و زمین معرفی می کند. نور بودن خدا به چه معناست؟ نور، آن چیزی است که خودش پیدا و آشکار است و سبب پیدایی و آشکار شدن چیزهای دیگر می شود. همین نور معمولی را در نظر بگیریم. نور یک چراغ در اتاق، هم خودش روشن است و هم سبب روشن و آشکار شدن اشیای داخل اتاق می شود.

نور بودن خداوند بسیار برتر و بالاتر است. او نور هستی است. یعنی تمام موجودات، وجود خود را از او می گیرند و به سبب او پیدا و آشکار می شوند و وجودشان به وجود او وابسته است. به همین جهت هر چیزی در این جهان، بیانگر وجود خالق و آیه ای از آیات الهی محسوب می شود.

امیر مؤمنان علی (ع) می فرماید:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الْمُتَجَلِّي لِخَلْقِهِ بِخَلْقِهِ

سپاس خدای را که با آفرینش موجودات برای آفریدگان  
تجلی کرد.

و نیز می فرماید:

مَا رَأَيْتُ شَيْئًا إِلَّا وَرَأَيْتُ اللَّهَ قَبْلَهُ وَبَعْدَهُ وَ مَعَهُ

هیچ چیزی را ندیدم مگر این که خدا را قبل از آن، بعد از  
آن و با آن مشاهده کردم.

دلی کز معرفت نور و صفا دید

به هر چیزی که دید اوّل خدا دید

بابا طاهر نیز از مشهود بودن خداوند این گونه سخن می گوید:

به صحرا بنگرم صحرا تو بینم

به دریا بنگرم دریا تو بینم

به هر جا بنگرم کوه و در و دشت

نشان از قامت رعنا تو بینم

این که انسان در پشت پرده ی ظاهر و در وراء هر چیزی، خدا

را ببیند، معرفتی برتر و عمیق است که در قدم نخست مشکل

به نظر می آید، اما هدفی امکان پذیر و قابل دسترسی است، به

خصوص برای جوانان؛



زیرا بستر اصلی حرکت به سوی این هدف، پاکی و صفای قلب است که در اغلب جوانان و نوجوانان وجود دارد. کافی است قدم به پیش گذاریم و با عزم و تصمیم راه افتیم. به یقین خداوند نیز کمک خواهد کرد و لذت این معرفت را به ما خواهد چشاند.

چرا نمی توانیم به ذات خدا پی ببریم و بدانیم که او چیست و چگونه است؟

در پاسخ می گوئیم: موضوعاتی که ما می خواهیم درباره ی آنها تحقیق کنیم و به تفکر پردازیم، دو دسته اند:

برخی از آنها در دایره ی شناخت ما قرار می گیرند، مانند: گیاهان، حیوان ها، ستارگان، بهشت و جهنم که خصوصیات و چستی هر کدام را می توانیم از راه و روش ویژه ی هر کدام بشناسیم و بدانیم که آنها چگونه وجودی دارند. اینها همه موجودات محدودی هستند که ذهن ما می تواند بر آن ها احاطه پیدا کند و چگونگی شان را دریابد. در حقیقت ذهن ما گنجایش فهم چستی آنها را دارد. این ها همه امور محدود هستند.

برخی دیگر از آنها فراتر از توانایی دستگاه اندیشه‌ی ما هستند و ذهن ما نمی‌تواند بر آنها احاطه پیدا کند. زیرا لازمه‌ی شناخت هر چیزی احاطه و دسترسی به آنهاست. مثلاً ما هر عدد یا خطی را تصور کنیم، محدود است. خط و عدد نامحدود را نمی‌توانیم تصور کنیم. خدا نیز حقیقتی نامحدود دارد و چون نامحدود است، در ظرف ذهن ما نمی‌گنجد و ذهن به حقیقت خداوند احاطه پیدا نمی‌کند.

از این رو نمی توانیم بگوییم که چیست. هر چستی که برای او فرض کنیم، او را در حد تصورات ذهنی خود پایین آورده و محدود کرده ایم. از این جهت است که پیامبر اکرم فرموده است:

لَا تُفَكِّرُوا فِي ذَاتِ اللَّهِ

در ذات و چستی خداوند فکر نکنید.

تَفَكَّرُوا فِي آيَاتِ اللَّهِ

در نعمت های خداوند تفکر کنید.

البته دین اسلام ما را به تفکر در صفات الهی تشویق

کرده است، چرا که شناخت صفات و ویژگی های خداوند، از

راه شناخت مخلوقاتش تا حدودی امکان پذیر است.

## اندیشه و تحقیق:

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ تَقُومَ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ بِأَمْرِهِ ثُمَّ إِذَا دَعَاكُمْ دَعْوَةً مِّنَ الْأَرْضِ إِذَا أَنْتُمْ تَخْرُجُونَ

۱- حکیمانه بودن نظام خلقت جهان

۲- بر پایی آسمان و زمین از نشانه های الهی ذکر شده است.

۳) اراده ی الهی = قضای الهی « بِأَمْرِهِ »

۴) مرتبط با احادیث « الحمد لله المتجلي ... » و « ما رأيت شيئاً

... » و آیه ی « الله نور السماوات ... »

۱- اگر بگوییم: « رابطه ی ما و دیگر موجودات، مانند رابطه ی پرتوهای نور با منبع آن است. » از این تشبیه به ..... پی می بریم که به ترتیب ..... و ..... مفهوم می گردد.

(سراسری خارج از کشور ۹۱)

(۱) نیاز پدیده ها به پدیدآور در ایجاد و بقا - فقیر - غنی  
(۲) خالقیت خداوند بی نیاز و مخلوقیت پدیده ها - فقیر - غنی

(۳) وابستگی کامل مخلوقات به خالق توانا - غنی - فقیر  
(۴) نیازمندی ذاتی پدیده ها و بی نیازی ذاتی پدیدآور - غنی - فقیر  
گزینه « ۱ » صحیح است

۲- اگر بگوییم: « هر چیزی در این جهان، بیانگر وجود خالق و آیه ای از آیات الهی محسوب می شود. » پیام کدام آیه را ترسیم کرده ایم؟ (سراسری هنر ۹۱ با تغییر)

(۱) « وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ »

(۲) « وَ لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ »

(۳) « اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ »

(۴) « يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ »

گزینه «۳» صحیح است



۳- « نیاز ذاتی پدیده ها در موجود شدن و بقا » و « آسان بودن خلقت و تجدید آن بر خداوند » ، به ترتیب از دقت در آیه ی ..... و ..... مفهوم می گردد.

(سراسری خارج از کشور ۹۰)

(۱) « إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ وَ مَا ذَلِكَ عَلَي اللَّهِ بِعَزِيزٍ »

- « اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ »

(۲) « إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ وَ مَا ذَلِكَ عَلَي اللَّهِ بِعَزِيزٍ »

- « يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ »

« ۳ » يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ «

– «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ

«

« ۴ » يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ «

– « إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ وَ مَا ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ

بِعَزِيزٍ «

گزینه «۴» صحیح است

- ۴- معرفت عمیق و برتر، معرفتی است که ..... و بستر اصلی حرکت به سوی آن ..... است. (سراسری ریاضی ۹۰)
- ۱) انسان در پشت پرده ی ظاهر و در ورای هر چیزی، خدا را ببیند - پاکی و صفای قلب
- ۲) هیچ نقطه ی مبهم و ناشناخته ای برای انسان کاوشگر، باقی نگذارد - پاکی و صفای قلب
- ۳) هیچ نقطه ی مبهم و ناشناخته ای برای انسان کاوشگر، باقی نگذارد - عزم و تصمیم
- ۴) انسان در پشت پرده ی ظاهر و در ورای هر چیزی، خدا را ببیند - عزم و تصمیم
- گزینه «۱» صحیح است

۵- در صحنه ی پرغوغای حیات، بین افزایش کمالات انسان و افزایش عبودیت وی، رابطه ی ..... برقرار است که کمال حقیقی، زاینده ی ..... است و قطع رابطه بین نور و منبع نور ..... (سراسری هنر ۹۰)

(۱) عکس - فقر و نیازمندی - ناممکن است.

(۲) مستقیم - فقر و نیازمندی - ناممکن است.

(۳) عکس - غنا و بی نیازی - به فنای نور می انجامد.

(۴) مستقیم - غنا و بی نیازی - به فنای نور می انجامد.

گزینه «۲» صحیح است

۶- لذت معرفت برتر و عمیق، آن گاه به کام جان انسان  
چشانده می شود که ..... با ..... گره بخورد تا توفیق  
الهی نصیب گردد و موانع راه به لطف و حمایت او بی اثر  
شود. (سراسری خارج از کشور ۸۹ با کمی تغییر)

(۱) پاکی و صفای قلب - عزم و تصمیم

(۲) پاکی و صفای قلب - توحید در خالقیت

(۳) اخلاص در عمل و توحید عبادی - عزم و تصمیم

(۴) اخلاص در عمل و توحید عبادی - توحید در خالقیت

گزینه «۱» صحیح است

- ۷- معرفت برتر و عمیق، معرفتی است که ..... و بستر اصلی حرکت به سوی این هدف ..... است. (سراسری ریاضی ۸۹)
- ۱) تنها مؤثر در نظام آفرینش را خدا بدانیم - پاکی و صفای قلب
- ۲) در پشت پرده ی ظاهر و در ورای هر چیزی، خدا را ببیند - پاکی و صفای قلب
- ۳) در پشت پرده ی ظاهر و در ورای هر چیزی، خدا را ببیند - اخلاص عبودیت و بندگی برای خدا
- ۴) تنها مؤثر در نظام آفرینش را خدا بدانیم - اخلاص عبودیت و بندگی برای خدا
- گزینه «۲» صحیح است

۸- این بیان امیرمؤمنان علی (ع) که می فرماید: « ما رَأَيْتُ شَيْئًا وَرَأَيْتُ اللَّهَ قَبْلَهُ وَ بَعْدَهُ وَ مَعَهُ » با کدام عبارت تناسب معنایی ندارد؟ (سراسری خارج از کشور ۸۷)

(۱) « اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ »

(۲) « الْحَمْدُ لِلَّهِ الْمُتَجَلِّي لِخَلْقِهِ بِخَلْقِهِ »

(۳) « وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ تَقُومَ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ بِأَمْرِهِ »

(۴) « يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ »

گزینه «۴» صحیح است

« درس دوم »

« یگانه بی همتا »



قُلِ اللّٰهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ

۱- توحید در خالقیت

۲- خداوند تنها مبدأ و خالق جهان است.

قُلْ هُوَ اللّٰهُ أَحَدٌ

خداوند در ذات خود یکتاست.

وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ

خداوند شریک و همتایی ندارد.

لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ

خداوند مثل و مانندی ندارد.

وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ

مالکیت اصلی و حقیقی جهان از آن خداست.

..... ما لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا يُشْرِكُ فِي حُكْمِهِ أَحَدًا

فرمانروای جهان خداست و هیچ کس در فرمانروایی شریک او نیست.

أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَحْرُثُونَ أَ أَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ

۱- توحید در ربوبیت

۲- زارع واقعی خداوند است.

۳- تدبیر همه ی امور هستی به دست خداوند است.

مهم ترین اعتقاد دینی و پایه و اساس تمام دین، توحید  
است. بدون اعتقاد به آن، هیچ اعتقاد دینی دیگر،  
اعتبار ندارد.

نگرش توحیدی بر تمام آیات قرآن سایه افکنده و مانند  
روحی در پیکره ی معارف و احکام دین حضور دارد و به این  
پیکره، حیات بخشیده است.

## برخی از مراتب توحید

**توحید** : در کاربرد دینی، یعنی اعتقاد به این که خداوند یگانه است و شریک و همتایی ندارد. این یگانگی و بی همتایی مراتبی دارد که به تبیین و توضیح برخی از آنها می پردازیم.

**۱- توحید در خالقیت** : منظور از توحید در خالقیت این است که او تنها مبدأ و خالق جهان است. موجودات همه از او هستند و در کار آفرینش شریک و همتایی ندارد.

به عبارت دیگر، جهان از اصل های متعدد پدید  
نیامده است. قرآن کریم این حقیقت بزرگ را به انسان ها  
یادآوری می کند و از هرگرایشی به شرک انذار می دهد.  
این که تصور کنیم دو یا چند خدا وجود دارند و هر کدام  
خالق بخشی از جهان هستند یا با همکاری یکدیگر، این  
جهان را آفریده اند در واقع هر کدام از آنها را محدود و ناقص  
فرض نموده ایم، زیرا هر یک از خدایان باید کمالاتی را دارا  
باشد که دیگری آن کمالات را ندارد و گرنه عین همدیگر  
می شوند و دیگر چند خدا نیستند.

چنین خدایان ناقصی، نیازمند هستند و هر یک به خالق کامل و بی نیازی احتیاج دارد که نیاز او را برطرف نماید. اعتقاد به خدایان متعدد و چند مبدأ برای جهان، گاه در میان برخی جوامع وجود داشته و دارد. این افراد گاهی برای خیر و شر دو خدای جداگانه، و گاهی برای پدیده های گوناگون طبیعی (مانند باران، زمین، خورشید، باد و ...) چندین خدا در نظر می گرفتند و می پرستیدند.

۲- **توحید در ربوبیت** : خداوند ربّ العالمین است، یعنی صاحب اختیاری است که تدبیر همه ی امور هستی به دست اوست. خداوند که تنها خالق تمام جهان است، به طور طبیعی، تدبیر و پرورش همه ی مخلوقات را نیز در اختیار دارد. اوست که جهان را اداره می کند و به سوی آن مقصدی که برایش معین فرموده، هدایت می نماید و به پیش می برد.

اگر کسی در کنار ربوبیت الهی، برای خود یا سایر مخلوقات حسابی جداگانه باز کند و فکر کند غیرخدا می تواند مستقل از خداوند، امور را تدبیر کند گرفتار شرک شده است.



توحید در ربوبیت، بدان معنا نیست که موجودات به خصوص انسان قدرت تدبیر ندارند؛ باغبانی که زحمت می کشد و به پرورش درختان اقدام می کند، رشد این درختان نتیجه ی تدبیر اوست. بلکه، توحید در ربوبیت بدین معناست که این باغبان و تدبیرش، همه از آن خدا و تحت تدبیر اویند.

باغبان، وقتی خود را با دیگران، یعنی کسانی که در کشت دخالتی نداشته اند، مقایسه می کند، می بیند که این زراعت کار خودش است.

اما وقتی رابطه‌ی خود را با خدا بررسی می‌کند، می‌بیند که هم خودش و هم نیرو و توانش از آن خداست و هم درخت و گیاه براساس استعدادی که خداوند در آن قرار داده است رشد کرده و محصول داده است. در نتیجه، در می‌یابد که زارع حقیقی و پرورش دهنده‌ی اصلی درختان و گیاهان خداست، و باید شکرگزار او باشد.

## طرح یک سؤال

اگر کسی شفای بیمار را از رسول خدا (ص)، یا سایر اولیای دین درخواست کند و عقیده به توانا بودن آن بزرگواران در انجام این خواسته، و نیز دیگر نیازها، داشته باشد، آیا گرفتار شرک شده است؟

جواب آن است که همان گونه که درخواست از پزشک برای درمان بیمار با توحید منافاتی ندارد، درخواست از اولیای الهی برای شفای بیماران نیز منافاتی با توحید ندارد.

زیرا پزشک به واسطه ی اسباب مادی و آنان به واسطه ی اسباب غیرمادی این کار را انجام می دهند.

اصولاً عقیده به توانایی پیامبر اکرم (ص) و اولیای دین (صلوات الله علیهم) در برآوردن حاجات انسان (مانند شفا دادن) وقتی موجب شرک است که این توانایی را از خود آن ها بدانیم. اما اگر این توانایی را از خدا و به اذن خدا بدانیم، عین توحید است و از این جهت مانند اثر شفا بخشی داروست که خداوند به آن بخشیده است.

این توانایی به زمان حیات پیامبر اکرم (ص) اختصاص ندارد، زیرا روح مطهر ایشان پس از رحلت زنده است و می تواند به انسان ها یاری برساند. اکنون اگر ما از رسول خدا (ص) چیزی درخواست کنیم، درخواست از جسم ایشان نیست، بلکه از حقیقت روحانی و معنوی ایشان است.

۱- اگر بگوییم: «انسان و تدبیرش، همه از آن خدا است» و «خدا، مخلوقات را به سوی مقصدی که برای آن معین فرموده است، به پیش می برد» به ترتیب بر توحید در ..... و توحید در ..... تأکید کرده ایم که پیام آیه ی شریفه ی ..... بیانگر دومین مورد است. (سراسری هنر ۹۱)

(۱) ربوبیت - ربوبیت - « ما لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا يُشْرِكُ فِي حُكْمِهِ أَحَدًا »

(۲) ربوبیت - خالقیت - « قُلِ اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ »

۳) ربوبیت - ربوبیت - « أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَحْرُثُونَ \* أَأَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ

نَحْنُ الزَّارِعُونَ »

۴) خالقیت - ربوبیت - « أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَحْرُثُونَ \* أَأَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ

نَحْنُ الزَّارِعُونَ »

گزینه « ۳ » صحیح است

۲- « فعال مایشاء بودن » خاص ذات یگانه ی خداوند است  
که سدّ استوار موانع، به اراده ی او به کنار رود و توحید  
..... او به ظهور رسد و پیام آیه ی شریفه ی ..... به  
منصّه ی ظهور، تکیه زند. (سراسری انسانی ۹۱)

(۱) ربوبی - « يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ  
الْحَمِيدُ »

(۲) خالقیت - « يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ  
الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ »



(۳) ربوبی - « إِنْ يَشَاءُ يُدْهِبْكُمْ وَ يَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ وَ مَا ذَلِكِ

عَلَى اللَّهِ بِعَزِيزٍ »

(۴) خالقیت - « إِنْ يَشَاءُ يُدْهِبْكُمْ وَ يَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ وَ مَا ذَلِكِ

عَلَى اللَّهِ بِعَزِيزٍ »

گزینه «۳» صحیح است

۳- این که بگوییم: جهان از اصل های متعدد پدید نیامده است، بر توحید در ..... که آغاز دین داری را ..... او رقم می زند و به ترتیب بر آیات ..... و ..... تطبیق دارد، تکیه کرده ایم. (سراسری زبان ۹۰)

(۱) خالقیت - عبادت - « لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُوَلَدْ » - « فَاعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ »

(۲) ربوبیت - عبادت - « لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُوَلَدْ » - « فَاعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ »

۳) خالقیت - محبت - « وَهُوَ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ » - « وَالَّذِينَ آمَنُوا

أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ »

۴) ربوبیت - محبت - « وَهُوَ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ » - « وَالَّذِينَ آمَنُوا

أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ »

گزینه «۳» صحیح است

۴- پیام آیه ی شریفه ی « أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَحْرُثُونَ أَأَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ

نَحْنُ الزَّارِعُونَ » همان ..... تأثیرگذاری انسان در

فاعلیت ها ..... و اعلان توحید در ..... می باشد.

(سراسری هنر ۸۹)

(۱) قبول - به صورت مستقل - ولایت

(۲) رد - به صورت مستقل - ولایت

(۳) رد - نه به صورت مستقل - ربوبیت

(۴) قبول - نه به صورت مستقل - ربوبیت

گزینه «۴» صحیح است

۵- از دقت در کدام مورد، به ترتیب، فرمانروایی خدا بر

جهان و توحید در ربوبیت، مفهوم می‌گردد؟

(سراسری زبان ۸۹)

(۱) « وَ اِلٰی اللّٰهِ تُرْجَعُ الْاُمُورُ » - « وَمَا اُمِرُوْا اِلَّا لِيَعْبُدُوْا اِلٰهًا

وَاحِدًا لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ »

(۲) « وَلَا يُشْرِكُ فِيْ حُكْمِهٖۙ اَحَدًا » - « وَمَا اُمِرُوْا اِلَّا لِيَعْبُدُوْا اِلٰهًا

وَاحِدًا لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ »

(۳) « وَلَا يُشْرِكُ فِي حُكْمِهِ أَحَدًا » - « أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَحْرُثُونَ أَأَنْتُمْ

تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ »

(۴) « وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ » - « أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَحْرُثُونَ أَأَنْتُمْ

تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ »

گزینه «۳» صحیح است

۶- از دقت در کدام آیه، مفهوم توحید در ربوبیت به دست می آید؟ (سراسری تجربی ۸۸)

(۱) « قُلِ اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ »

(۲) « مَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا يُشْرِكُ فِي حُكْمِهِ أَحَدًا »

(۳) « وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ »

«

(۴) « أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَحْرُثُونَ \* أَأَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ »

گزینه «۴» صحیح است

۷- جمله ی « جهان از اصل های متعدد پدید نیامده است. »

بیانگر توحید در ..... و آیه ی شریفه ی ..... مؤید

آن است. (سراسری هنر ۸۸)

۱) خالقیت - « قُلِ اللّٰهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ »

۲) ربوبیت - « قُلِ اللّٰهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ »

۳) خالقیت - « وَاللّٰهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ »

۴) ربوبیت - « وَاللّٰهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ »

گزینه «۱» صحیح است





گروه آموزشی دانش نوین

 @irandaneshnovin

 @iran\_danesh\_novin

برای دانلود بقیه جزوات، با کلیک روی لینک های زیر به سایت یا کانال ما در تلگرام و سروش سر بزنید:

[www.idnovin.com](http://www.idnovin.com)

<https://telegram.me/irandaneshnovin>

[http://sapp.ir/iran\\_danesh\\_novin](http://sapp.ir/iran_danesh_novin)

# دین و زندگی

جلسه چهاردهم

« درس سوم »  
« حقیقت بندگی »

إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَ رَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ

۱- توحید در ربوبیت « رَبِّي وَ رَبُّكُمْ »

۲- توحید عبادی « فَاعْبُدُوهُ وَ صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ »

۳- توحید عبادی میوه و نتیجه (معلول) توحید در ربوبیت

است.

اتَّخَذُوا أَحْبَابَهُمْ وَرُهْبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَالْمَسِيحَ  
ابْنَ مَرْيَمَ وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلَهًا وَاحِدًا لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ  
سُبْحَانَهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ

۱- گرفتن اربابی غیر از خدا شرک عبادی است.

۲- تنزیه خداوند از شرک « سُبْحَانَهُ... »

۳- تمام ابعاد توحید « لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ »

۴- توحید عبادی « لِيَعْبُدُوا إِلَهًا وَاحِدًا »

وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا  
الطَّاغُوتَ

۱- توحید عبادی در بعد فردی و اجتماعی «اعْبُدُوا اللَّهَ»

۲- نهی از شرک عبادی در بعد اجتماعی «وَاجْتَنِبُوا

الطَّاغُوتَ»

۳- هدف بعثت انبیاء عبادت الهی و نفی طاغوت است.

وَمَنْ يُسَلِّمْ وَجْهَهُ إِلَى اللَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ  
بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى

۱- توحید عبادی در بُعد فردی « يُسَلِّم - مُحْسِنٌ »

۲- لازمه تمسک به دست آویز محکم الهی « الْعُرْوَةِ الْوُثْقَى »

انجام کارهای نیک است.

۳- هدفداری و حکمت الهی «إِلَى اللَّهِ»

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

توحید عبادی «الْحَمْدُ» توحید ربوبیت «رَبِّ الْعَالَمِينَ»

إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ

توحید عبادی



## توحید در عبادت

پس از شناخت خداوند به عنوان تنها خالق و آفریننده‌ی جهان و تنها سرچشمه‌ی خوبی‌ها و زیبایی‌ها و آگاهی به این که او تنها مالک، سرپرست، اداره‌کننده و تنها تکیه‌گاه و پشتیبان جهان است، در می‌یابیم که تنها وجود شایسته‌ی پرستش و اطاعت، یعنی تنها معبود واقعی انسان‌ها خداست.

اطاعت از هر شخص دیگری اگر براساس اطاعت از خداوند نباشد، نابجا و غلط است. بنابراین اطاعت از رسول گرامی او و اطاعت جانشینان آن حضرت لازمه‌ی توحید است. زیرا حکم و فرمان الهی از طریق رسول خدا (ص) و جانشینان بزرگوار آن حضرت به مردم می‌رسد و بدون تبعیت و اطاعت از آنان، اطاعت از خداوند ممکن نیست. پس توحید در عبادت آن است که فقط خدای یگانه را پرستش کنیم، تسلیم فرمان های او باشیم و کارهای خود را فقط به قصد اطاعت از او و برای کسب رضایت او انجام دهیم.

## ابعاد توحید عبادی:

### الف) بُعد فردی:

انسان موحد کسی است که فقط خدا را پرستد و از او اطاعت نماید. او می کوشد کشش ها و تمایلات درونی و تصمیم ها و فعالیت های خود را به گونه ای سامان دهد که در یک هماهنگی مناسب، سمت و سوی خدایی بگیرند و بر محور بندگی او باشند. چنین فردی در انتخاب همسر، انتخاب شغل، انتخاب دوست، در تحصیل، گردش، ورزش و مجموعه‌ی برنامه‌ریزی های خود، خدا و رضایت او را در نظر دارد.

او به میزانی که در این جهت پیش می رود، امیال و غرایز خود مانند میل جنسی، میل به قدرت و میل به ثروت را تنظیم و کنترل می نماید و گرایش های برتر، مانند حقیقت طلبی، عدالت خواهی، نوع دوستی و احسان و جوانمردی در رفتار او ظهور بیشتری می یابد. چنین انسانی دارای شخصیتی یگانه و یکپارچه در جهت عبودیت و پرستش خدا می شود. در مقابل، انسان مشرک به جای تبعیت از خداوند و کسب رضایت او، از هوای نفس خود یا دیگران اطاعت می کند و کارهایش را برای رسیدن به خواسته های نفسانی و یا خوشامد دیگران انجام می دهد.

از آن جا که انسان مشرک تحت سلطه‌ی تمایلات و خواسته‌های نفسانی خود و دیگران قرار دارد، فردی است چند شخصیتی با جهت‌گیری‌های متفرق و سمت و سوهای پراکنده و در خدمت معبودهای گوناگون که هر کدام او را به سویی می‌کشند و آرامشش را سلب می‌کنند.

## ب) بُعد اجتماعی:

بُعد دیگر توحید در عبادت، بُعد اجتماعی آن است که به معنای یگانه و یکپارچه شدن نظام اجتماعی در جهت خداوند و اطاعت همه جانبه از اوست. جامعه از افراد گوناگون و نهادها و سازمان های مختلف تشکیل شده است. اگر این افراد بکوشند که در روابط خود با یکدیگر، به جای خواست ها و تمایلات خود، فرمان الهی را حاکم کنند و از پذیرش فرمان طاغوت ها و ظالمان و ستمگران سرباز زنند و مناسبات سیاسی و اقتصادی و روابط فرهنگی را منطبق بر احکام الهی و در جهت رضای او تنظیم نمایند، بُعد اجتماعی توحید عبادی تحقق می یابد.

میان بُعد فردی و اجتماعی توحید تشابه و تناسب وجود دارد. همان طور که اگر کسی در مسیر توحید عملی گام بردارد، به شخصیتی متوازن، متعادل و زیبا می رسد، در جامعه ای نیز که در مسیر توحید حرکت می کند، نه تنها ستمگران بر مردم حاکم نمی شوند، بلکه روابط فرهنگی و مناسبات اقتصادی نیز به تعادل، توازن، هماهنگی و انسجام می رسد و به جامعه ای زیبا تبدیل می شود و عدالت اجتماعی در همه ی ابعاد آن واقعیت می یابد.

در مقابل، اگر هر یک از افراد جامعه، خواست ها و تمایلات دنیایی خود را دنبال کنند و فقط منافع خود را محور فعالیت های اجتماعی قرار دهند و اهل ایثار و تعاون و خیر رساندن به دیگران نباشند، تفرقه و تضاد جامعه را فرا می گیرد و امکان رشد و تعالی از بین می رود. همواره در چنین جامعه ای انسان های ستمگر و مستکبر، قدرت اجتماعی و سیاسی را به دست می آورند و انسان های دیگر را در خدمت امیال خود به کار می گیرند. در این گونه جوامع سخنی از حاکمیت خداوند و فرمان های او نیست، بلکه سخن از حاکمیت طاغوت و دستورهای اوست.



## دژ مستحکم خداوند

کلمه‌ی «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»، کلمه‌ی توحید مهم‌ترین شعار اسلام و جامع همه‌ی ابعاد و اقسام توحید و نفی هرگونه شرک است. توجه به این شعار و تفکر در آن بسیار ارزشمند و موجب فلاح و رستگاری است. از همین‌رو، پیشوایان ما توصیه کرده‌اند که این کلمه را در طول روز تکرار کنیم تا حقیقت آن در وجود ما نفوذ یابد و با جان ما عجین شود. در ندای اذان که دعوت مسلمانان به نماز است، این عبارت چندین بار تکرار می‌شود و برای آن پاداش‌های بزرگی ذکر کرده‌اند؛

پیامبر اکرم (ص) فرموده اند:

« بهای بهشت لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ است. »

هرچه انسان به درک بالاتر و ایمان قوی تری نسبت به این عبارت برسد، بیشتر از گناه در حضور خداوند و سرپیچی از راهنمایی های او دوری می کند. به همین جهت این کلمه دژی است که انسان را از گناه حفظ می کند و به مراتب بالاتری از زیبایی ها و کمال ها می رساند اولین سخن رسول خدا در دعوت مردم به اسلام این بود که:

قولوا

بگوئید

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ

خدایی جز خدای یگانه نیست

تُفْلِحُوا

تا رستگار شوید

همچنین ایشان درباره‌ی این کلمه فرمود:

«نه من و نه گویندگان قبل از من کلمه‌ای پر محتوا همانند

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» نگفته‌ایم.»

این عبارت کوتاه که در حدّ یک کلمه است، از دو بخش تشکیل یافته، یکی نفی معبود (لا اله)، مانند بت‌های ساختگی و طاغوت‌ها و دیگری (الا الله) اثبات خدا به‌عنوان تنها کسی که سزاوار پرستش و اطاعت است؛ از این رو پیامبر فرمود: این کلمه دژی است که انسان را از شرک در عقیده و عمل حفظ می‌کند. به همین جهت خداوند این کلمه را « دژ مستحکم خود » نامیده است:

كَلِمَةٌ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ

کلمه « معبودی جز الله نیست. »

حِصْنِي

دژ مستحکم من است.

فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي

پس هر کس داخل دژ من شود

أَمِنَ مِنْ عَذَابِي

از عذاب من در امان است.

## توحید و شرک در جهان امروز

توحید، محور و روح زندگی دینی و شرک، محور و روح زندگی ضد دینی است. اکنون که مراتب و ابعاد توحید و شرک را شناخته‌ایم، می‌خواهیم ببینیم که زندگی انسان عصر حاضر تا چه اندازه توحیدی است و کدام مرتبه از توحید مورد غفلت قرار گرفته است. اغلب مردم دنیا قبول دارند که خالق جهان، خدای یگانه است و همین خدا جهان را تدبیر و اداره می‌کند، با این حال، وقتی به زندگی انسان عصر جدید می‌نگریم، با مواردی روبه‌رو می‌شویم که با این پذیرش هم خوانی ندارد؛ از جمله این‌که:

۱- بسیاری از انسان‌ها چنان به امور دنیوی سرگرم شده‌اند که خدا را فراموش کرده و خداوند در قلب آنها جایگاهی ندارد. زرق و برق و زینت دنیا و لذات و شهوات چنان در دلشان فزونی یافته که جایی برای خلوت انس با خدا و درک معنویت نیایش با پروردگار باقی نگذارده است. گویی هوی و هوس و آنچه و آن کس که آنان را به هوس‌هایشان می‌رساند، بُت و معبودشان شده و آن‌ها را می‌پرستند،

به گونه‌ای که از ابزارهای جدید، مانند سینما، تلویزیون، ماهواره و اینترنت و سایر رسانه‌ها برای رسیدن به این لذات دنیایی بهره می‌برند و یکسره از خدا و آخرت غافل شده‌اند. معرفت به خداوند، زمانی میوه‌ی خود را می‌دهد که از مرحله‌ی شناخت ذهنی به مرحله‌ی ایمان قلبی برسد و در قلب تثبیت شود. یعنی انسان به چشم قلب ببیند که خداوند در کوچک‌ترین حوادث عالم نیز حضور دارد و چرخ خلقت با تدبیر خداوند می‌گردد و این بت‌ها مانع رسیدن انسان به ایمان است.



۲- با این که نمونه‌هایی از پرستش بت‌های سنگی و چوبی هم اکنون نیز در کشورهایمانند ژاپن و هند دیده می‌شود، اما دنیای امروز گرفتار شرک و بت پرستی پیچیده‌تر و خطرناک‌تری شده است. اگر بت پرستان عصر جاهلیت ۳۶۰ بت می‌پرستیدند، امروزه بسیاری از انسان‌ها هزاران بت برای خود تراشیده و می‌پرستند. راستی، بت‌های بزرگ روزگار ما چه هستند؟

قرآن کریم معیار ثابت شرک و بت پرستی را به ما ارائه نموده و تطبیق این معیارها بر زندگی فردی و اجتماعی را بر عهدهی خودمان قرار داده است. اطاعت از ارباب هایی جز خداوند، پذیرش سرپرستانی جز او، بندگی کسانی جز او و بالاخره خارج کردن دین خداوند از برنامه های زندگی و تقلید از کسانی که در جهت مخالف دین حرکت می کنند، شرک و بت پرستی است. ریشهی بت پرستی و شرک جدید آن است که برخی از انسان ها در عین قبول داشتن خداوند، دین و دستورات آن را در متن زندگی خود وارد نمی کنند و تمایلات دنیایی و نفسانی خود را اصل قرار می دهند.

۱- از دقت در کدام آیه « نتیجه ی توحید نظری » که نفی اطاعت از غیر خداوند است، به دست می آید؟

(سراسری خارج از کشور ۹۱)

(۱) يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ وَمَا ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ بِعَزِيزٍ

(۲) وَمَنْ يُسَلِّمْ وَجْهَهُ إِلَى اللَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى وَإِلَى اللَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ

(۳) إِنَّ اللَّهَ يُمَسِّكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَلَئِن زَالَتْا إِنَّ

أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ

(۴) ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بَالَّتِي

هِيَ أَحْسَنُ

گزینه «۲» صحیح است

۲- پیام دو آیه ی «اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لِيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ

الْقِيَامَةِ» و «فتوکل الی اللہ» به ترتیب بیانگر کدام موضوع

می باشد؟ (سراسری ریاضی ۹۱)

(۱) توحید در خالقیت، ربوبیت و عبادی - معاد جسمانی و

روحانی انسان - توحید عبادی

(۲) توحید در خالقیت، ربوبیت و عبادی - ضرورت معاد

براساس عدل الهی - توحید عبادی

۳) توحید عبادی - معاد روحانی و جسمانی انسان -

توحید در خالقیت، ربوبیت و عبادی

۴) توحید عبادی - ضرورت معاد براساس عدل الهی -

توحید در خالقیت، ربوبیت و عبادی

گزینه «۱» صحیح است

۳- پیام آیات شریفه ی «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» و «وَإِنَّ

اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ» به ترتیب بیانگر کدام بعد از

ابعاد توحید است؟ (سراسری ریاضی ۹۱)

(۱) ربوبی - عبادی - عبادی - ربوبی

(۲) عبادی - ربوبی - عبادی - ربوبی

(۳) ربوبی - ربوبی - عبادی - عبادی

(۴) عبادی - ربوبی - ربوبی - عبادی گزینه «۴» صحیح است

۴- پیام کدام آیه، حاوی دریافت نتیجه و بازتاب آشنایی با توحید در خالقیت و توحید ربوبی است؟

(سراسری ریاضی ۹۱ با کمی تغییر)

(۱) وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلَهًا وَاحِدًا لَّا إِلَهَ إِلَّا هُوَ

(۲) إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبِّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ

(۳) اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهَبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ

(۴) وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ

گزینه «۲» صحیح است



۵- از دقت در آیه‌ی شریفه‌ی «اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهْبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَالْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلَهًا وَاحِدًا لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ سُبْحَانَهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ» مفهوم ..... دریافت می‌گردد. (سراسری ریاضی ۹۱ با تغییر)

- (۱) آگاهی بخشی به موحدان در نمودن راه‌های آفت خیز ایمان سوز و رفتار آمدن به شرک در خالقیت
- (۲) بر حذر داشتن اطاعت کنندگان ارباب و رهبان از افتادن در گرداب شرک ربوبی

۳) تنزیه ذات باری تعالی از شرک عبادی اجتماعی گریبان گیر

اطاعت کنندگان ارباب و رهبان

۴) منزله دانستن ذات باری تعالی و هشدار دادن به پیروان

آخرین وحی الهی در جهت محفوظ ماندن از شرک

گزینه «۳» صحیح است

۶- آیات شریفه ی «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» و «إِنْ أَرَادَنِي

اللَّهُ بِضُرٍّ» به ترتیب بیانگر کدام بعد از ابعاد توحید است؟

(سراسری تجربی ۹۱ با کمی تغییر)

(۱) ربوبی - ربوبی - عبادی

(۲) عبادی - عبادی - ربوبی

(۳) عبادی - ربوبی - ربوبی

(۴) ربوبی - عبادی - عبادی

گزینه «۳» صحیح است

۷- پیام کدام آیه، حاوی مراتب ربوبی و عبادی توحید است؟

(سراسری تجربی ۹۱ با کمی تغییر)

(۱) إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَ رَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ

(۲) اتَّخَذُوا أَحْبَابَهُمْ وَرُهْبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ

(۳) وَ لَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ

(۴) وَمَنْ يُسَلِّمْ وَجْهَهُ إِلَى اللَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى

گزینه «۱» صحیح است

۸- از دقت در کدام آیه به ترتیب به «یگانگی خدا» و توحید در «خالقیت» و «عبادت» پی می‌بریم؟

(سراسری انسانی ۹۱ با تغییر)

(۱) خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ - قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ - اعْبُدْ رَبَّكَ

(۲) اللَّهُ الصَّمَدُ - اعْبُدْ رَبَّكَ - خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ

(۳) قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ - اعْبُدْ رَبَّكَ - خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ

(۴) قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ - خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ - اعْبُدْ رَبَّكَ

گزینه «۴» صحیح است

۹- اطاعت از رسول گرامی اسلام (ص) و اطاعت از جانشینان  
آن حضرت بیانگر توحید ..... است که ..... توحید .....  
می باشد و پیام های آیه ی شریفه ی ..... حاکی از آن است.  
(سراسری هنر ۹۱ با تغییر)

(۱) عبادی - نتیجه ی - ربوبی - **إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَ رَبُّكُمْ فَأَعْبُدُوهُ هَذَا  
صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ**

(۲) ربوبی - نتیجه ی - عبادی - **إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَ رَبُّكُمْ فَأَعْبُدُوهُ  
هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ**

(۳) ربوبی - مقدمه ی - عبادی - وَ لَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولاً

أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَ اجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ

(۴) عبادی - مقدمه ی - ربوبی - وَ لَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولاً

أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَ اجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ

گزینه «۱» صحیح است

۱۰- آیات شریفه‌ی «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» اطاعت از رسول گرامی خداوند و

اطاعت از جانشینان آن حضرت، لازمه‌ی ..... است، زیرا: .....

(سراسری زبان ۹۱ با تغییر)

(۱) توحید - شناخت خداوند و تنها مؤثر و مرید مستقل

دانستن او، مقدمه‌ی عمل در راستای فرمان او است.

(۲) نفی شرک - شناخت خداوند و تنها مؤثر و مرید مستقل

دانستن او، مقدمه‌ی عمل در راستای فرمان او است.



۳) نفی شرک – حکم و فرمان الهی از طریق آنان به ما می‌رسد و بدون اطاعت از آنان ، اطاعت از خداوند ممکن نیست.

۴) توحید – حکم و فرمان الهی از طریق آنان به ما می‌رسد و بدون اطاعت از آنان ، اطاعت از خداوند ممکن نیست.

گزینه «۴» صحیح است

« درس چهارم »

« در مسیر اخلاص »

قُلْ إِنَّمَا أَعْظُمُ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَثْنَى وَفُرَادَى ثُمَّ تَتَفَكَّرُوا

۱- موعظه وظيفه پیامبران است.

۲- مهم ترین موعظه پیامبران قیام برای خدا (اخلاص) است.

۳- توحید عبادی (حسن فاعلی)

إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ فَاعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ

۱- هدایت تشریحی «الْكِتَابَ»

۲- توحید عبادی «فَاعْبُدِ - مُخْلِصًا» = اخلاص در بندگی

أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ  
عَدُوٌّ مُّبِينٌ. وَأَنْ اعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ

۱- عهد خداوند یا انسان شامل:

(الف) «أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ»

(ب) «أَنْ اعْبُدُونِي»

۲- این آیه خطاب به انسان‌هایی است که گرایش فطری

انسان به خدا را نادیده گرفته و بندهی هوای نفس‌اند.

كَذَلِكَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ السُّوءَ وَالْفَحْشَاءَ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا  
الْمُخْلِصِينَ

۱- اولین ثمره درخت اخلاص عدم نفوذ شیطان است.

۲- اخلاص حضرت یوسف (ع)

وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ  
الْمُحْسِنِينَ

۱- انجام عمل صالح ( برنامه ریزی برای اخلاص )

۲- توفیق الهی «لَنَهْدِيَنَّهُمْ» = امداد خاص

۳- اخلاص «فِينَا»

۴- توحید عبادی

..... لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ

۱- تقویت روحیه حق‌پذیری (برنامه ریزی برای اخلاص).

۲- عدم تفکر علت دوزخی شدن است.

۳- اولین قدم برای ورود به بندگی و اخلاص حق‌پذیری

است.



## أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي

۱- راز و نیاز با خداوند و کمک خواستن از او (برنامه‌ریزی

برای اخلاص)

۲- هدف نماز یاد خداست.

۳- توحید عبادی

## اخلاص در بندگی

انسان، همواره بر سر دو راهی بندگی خداوند یا بندگی هوای نفس و شیطان قرار دارد و زندگی صحنه‌ی انتخاب یکی از این دو راه است. خداوند از ما می‌خواهد از عبادت شیطان دور شویم و به بندگی خدا در آییم. خداوند، گرایش به پرستش خود را در خلقت ما قرار داده و به وسیله‌ی پیامبران الهی و کتابهای آسمانی ما را به سوی آن راهنمایی نموده است. انسان‌هایی که این گرایش فطری را نادیده گرفته‌اند و بنده‌ی هوای نفس و شیطان شده‌اند، از این گرایش غافل شده و سرگرم امور زودگذر دنیا گردیده‌اند.

اخلاص در بندگی و پرستش به این معناست که تمام جهت گیری های زندگی انسان سمت و سوی الهی پیدا کند و همه ی کارها فقط برای رضای او و تقرب به او انجام پذیرد و هوای نفس و شیطان در آن ها راه نداشته باشد. بنابراین، اخلاص در بندگی معنای دیگری از توحید عبادی است و به هر میزان که درجه ی اخلاص انسان بیشتر باشد، مقامش نزد خداوند گرامی تر و درجه اش در بهشت بالاتر است.

توجه کنیم که:

هر عملی از دو جزء تشکیل شده است:

**اول :** نیت، که به آن هدف یا قصد نیز می گوئیم.

**دوم :** شکل و ظاهر عمل.

قصد و نیت به منزله ی روح عمل است و شکل عمل نیز در حکم جسد و کالبد آن روح می باشد. بنابراین، عمل بدون نیت، کالبد بی جانی بیش نیست. از این رو پیامبر اکرم (ص) فرموده است:

## نِيَّةُ الْمُؤْمِنِ خَيْرٌ مِنْ عَمَلِهِ

نیت مؤمن، برتر از عمل اوست.

در انجام هر عمل، هم باید نیت درونی و قلبی انسان الهی باشد و هم باید مطابق با شکلی که خدا فرمان داده است، انجام شود. شرط اول را «حُسن فاعلی» و شرط دوم را «حُسن فعلی» می نامند.

مثلاً کسی که نماز می خواند، هم باید نماز را برای تقرب الهی و رضای او انجام دهد و هم آن را مطابق با دستور خداوند به جا آورد. حسن فاعلی به طور طبیعی حسن فعلی را به دنبال می آورد. یعنی کسی که قلباً با خدای خود خالص است و فقط رضایت او را می جوید، اگر بداند خداوند فرمان داده که عملی مانند نماز باید به شکل خاصی انجام شود، او نیز به همان شکل انجام خواهد داد.

## برنامه ریزی برای اخلاص

برای رسیدن به حقیقت بندگی و اخلاص، برنامه های زیر را می توان درپیش گرفت:

۱- **تقویت روحیه ی حق پذیری** : اولین قدم برای ورود به بندگی و اخلاص « حق پذیری » است. کسی که در مقابل حق تسلیم و خاضع است، به آسانی وارد مسیر بندگی می شود و به سرعت راه موفقیت را می پیماید. افراد حق پذیر، تابع دلیل هستند و وقتی عقل آنان حقیقتی را یافت، به دنبال آن می روند.

## ۲- افزایش معرفت به خداوند:

به هر میزان که معرفت و ایمان ما به خداوند بیشتر شود و او را عمیق تر بشناسیم، انگیزه‌ی ما برای پرستش و بندگی نیز افزایش می‌یابد. دعوت قرآن کریم به تفکر و تعقل در آیات و نشانه‌های الهی به همین مقصود است. بنابراین بر ما لازم است اوقاتی را به تفکر در آیات و نشانه‌های الهی در خلقت اختصاص دهیم و هنگام دیدن هر یک از مخلوقات پیرامون خود سعی کنیم حکمت و قدرت عظیم خالق آن را به یاد آوریم و فراموش نکنیم که:



آفرینش همه تنبیه خداوند دل است

دل ندارد که ندارد به خداوند اقرار

این همه نقش عجب بر در و دیوار وجود

هر که فکرت نکند نقش بود بر دیوار

اما اگر کسی پرده ی غفلت را کنار نزند، هم چنان نابینا

خواهد ماند و از نور روی دوست بهره ای نخواهد برد.

مهر رخسار تو می تابد ز ذرات جهان

هر دو عالم پر ز نور و دیده نابینا چه سود؟

**۳- راز و نیاز با خداوند و کمک خواستن از او : نیایش با خداوند و عرض نیاز به پیشگاه او، محبت خداوند را در قلب تقویت می کند، غفلت را کنار می زند و انسان را از امدادهای او بهره مند می کند. در میان مناجات ها و دعاها، نماز جایگاه ویژه ای دارد. نماز، عبادتی است که خداوند خود به ما آموزش داده و از ما خواسته است که با او این گونه سخن بگوییم. این عبادت، حداقل پنج نوبت در شبانه روز انجام می شود و به طور مداوم ما را به یاد خدا می اندازد و حضور او را در زندگی ما تقویت می کند.**

## ۴- یاد معاد و روز حساب:

یکی از راه های بسیار مؤثر برای تقویت عبودیت و اخلاص، توجه به این حقیقت است که همه ی ما حیات جاودانه ای در پیش داریم که کیفیت و چگونگی آن در همین جهان و به دست خود ما تعیین می شود. کیست که پیوسته به یاد معاد و زیبایی های بهشت و عذاب های جهنم باشد، اما خود را برای آن آماده نکند؟

همه ی ما باید به طور مداوم بنگریم که چه چیزی برای فردا آماده کرده ایم و به خود یادآوری کنیم که « ساکنان آتش » با « یاران بهشت » یکسان نیستند و فقط یاران بهشت هستند که نجات می یابند. چه قدر هیجان انگیز و شادی آور است آن زمان که انسانی مخاطب خداوند قرار گیرد و به او گفته شود: « ای نفس به آرامش رسیده، خوشنود و خداپسند به سوی پروردگارت باز گرد، در میان بندگان خودم در آی، و در بهشت خودم داخل شو »

## ۵- انجام عمل صالح:

قرآن کریم غالباً عمل صالح را بعد از ایمان معرفی نموده است. زیرا وقتی انسان مسیر حق و حقیقت را شناخت و به آن ایمان آورد، پای در میدان عمل می‌گذارد و از کار و تلاش و مجاهدت باز نمی‌ایستد. عمل صالح، انسان را پرورش می‌دهد و وجودش را خالص می‌سازد. خداوند نیز ادامه‌ی مسیر را به او نشان می‌دهد و او را بیشتر هدایت می‌کند.

## میوه های درخت اخلاص

اولین ثمره ی اخلاص، عدم نفوذ شیطان در انسان و یأس او از فرد با اخلاص است. به تدریج که انسان رشته های اخلاص را محکم می کند، توانایی شیطان در وسوسه کردن کم می شود تا جایی که به هیچ وجه نمی تواند در وی تأثیر بگذارد.

ثمره ی دیگر اخلاص در پرستش، دستیابی به معرفت و اندیشه های محکم و استوار است. وقتی حکمت، که همان دانش متین و محکم است، در اختیار انسان قرار گرفت، سبب می شود که فرد بتواند آگاهانه و درست تصمیم بگیرد و دچار سرگردانی نشود.



پیامبر اکرم (ص) می فرماید:

هر کس بتواند چهل روز کارهای خود را خالصانه برای خدا انجام دهد، چشمه های حکمت و معرفت از دل و زبانش جاری خواهد شد.

ثمره ی دیگر اخلاص، احساس اطمینان و آرامش روانی، زندگی سالم و به دور از فساد، احساس لذت واقعی از زندگی خود، نجات از دغدغه ها و اضطرابها و کسب زیبایی های معنوی در عین بهره‌مندی مطلوب از لذت های دنیاست.

آن چه گفتیم، میوه های اولیه ی درخت اخلاص و عبودیت  
است. برخی از میوه های آن در ذهن ما نمی گنجد، مگر آن  
وقت که راه های عالی بندگی را بیماییم و آن میوه های  
وصف ناشدنی را بچینیم.  
پیامبر اکرم (ص) فرمود:  
خداوند فرزندان آدم (ع) را این گونه ندا می دهد:

يَا بَنِي آدَمَ

ای فرزندان آدم،

أَنَا غَنِيٌّ لَّا أَفْتَقِرُ

من بی نیازی هستم که نیازمند

نمی شوم

أَطِيعُنِي فِي مَا أَمَرْتُكَ

مرا در آن چه به تو امر کرده ام

اطاعت کن

أَجْعَلُكَ غَنِيًّا لَّا تَفْتَقِرُ

تا تو را آن چنان بی نیاز کنم که

نیازمند نشوی

يا بَنِي آدَمَ

ای فرزند آدم،

أَنَا حَيٌّ لَا أَمُوتُ

من زنده ای هستم که نمی میرم

أَطِيعِي فِيمَا أَمَرْتُكَ

مرا در آن چه به تو امر کرده ام

اطاعت کن

أَجْعَلُكَ حَيًّا لَا تَمُوتُ

تا تو را زندگی ای بخشم که

نمیری

يَا بَنِي آدَمَ

ای فرزند آدم،

أَنَا أَقُولُ لِلشَّيْءِ كُنْ فَيَكُونُ

من به هر چه می‌گویم «باش»،  
می‌شود

أَطِيعَنِي فِيمَا أَمَرْتُكَ

مرا در آن چه به تو امر کرده‌ام  
اطاعت کن

أَجْعَلُكَ

تا تو را چنان قرار دهم

تَقُولُ لِلشَّيْءِ كُنْ فَيَكُونُ

که به هر چیز بگویی «باش»،  
بشود.

بالاترین میوه ی اخلاص در بندگی، دیدار محبوب حقیقی و

تقرب به پیشگاه کسی است که بنا به تعبیر امیرمؤمنان

نهایت آرزوی عارفان، دوست دل های صادقان، ولی مؤمنان

و معبود عالمیان است.

کافی است به زندگی زیبا و پر از جمال رسول خدا (ص) ،  
امیر المؤمنین (ع) ، فاطمه زهرا (س) و دیگر پیشوایان خود  
نظر بيفکنیم و ببینیم که چگونه این همه خوبی و زیبایی و  
آن مقام قرب و نزدیکی به محبوب را از راه بندگی به دست  
آورده اند.

بندگی کن تا که سلطانت کنند  
تن رها کن تا همه جانت کنند ...

۱- پیام آیات شریفه‌ی «یا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ...» و «لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ...» به ترتیب بیانگر ..... و ..... که از لوازم برنامه ریزی برای ..... است، می باشد.

(سراسری ریاضی ۹۱)

- (۱) راز و نیاز با خداوند - افزایش معرفت به خداوند - ایمان  
(۲) یاد معاد و روز حساب - افزایش معرفت به خداوند -

اخلاص

- (۳) راز و نیاز با خدا - تقویت روحیه‌ی حق‌پذیری - ایمان  
(۴) یاد معاد و روز حساب - تقویت روحیه‌ی حق‌پذیری -

اخلاص

گزینه «۴» صحیح است



۲- « تقویت روحیه‌ی حق‌پذیری » یکی از برنامه‌های مورد توجه برای وصول به حقیقت ..... است که پیام آیه‌ی شریفه‌ی ..... مفید این معنی است. (سراسری تجربی ۹۱)

(۱) خلوص در اعتقاد - لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ

السَّعِيرِ

(۲) اخلاص در بندگی - لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي

أَصْحَابِ السَّعِيرِ

۳) اخلاص در بندگی - وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ

اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ

۴) خلوص در اعتقاد - وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ

اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ

گزینه «۲» صحیح است

۳- با توجه به آیه ی « قُلْ إِنَّمَا أَعْظُمُ بِوَاحِدَةٍ... » خداوند مردم را تنها به یک چیز اندرز می دهد و آن ..... است و لازمه ی اولین قدم در این امر، آمدن ..... به دنبال ..... است.

(سراسری هنر ۹۱)

(۱) تفکر در معرفت الله - حُسن فاعلی - حُسن فعلی

(۲) تفکر در معرفت الله - حُسن فعلی - حُسن فاعلی

(۳) قیام برای خداوند - حُسن فاعلی - حُسن فعلی

(۴) قیام برای خداوند - حُسن فعلی - حُسن فاعلی

گزینه «۴» صحیح است

۴- مؤثرترین راه تقویت عبودیت و اخلاص، ..... است که  
خطاب ..... را به دنبال دارد.

(سراسری خارج از کشور ۹۰)

(۱) یاد معاد و روز حساب - اَلَمْ اَعْهَدْ اِلَيْكُمْ يَا بَنِي اٰدَمَ اَنْ لَا  
تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ

(۲) انجام عمل صالح - اَلَمْ اَعْهَدْ اِلَيْكُمْ يَا بَنِي اٰدَمَ اَنْ لَا تَعْبُدُوا  
الشَّيْطَانَ

(۳) انجام عمل صالح - يا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ

رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً

(۴) یاد معاد و روز حساب - يا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ

رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً

گزینه «۴» صحیح است

۵- بیت « بندگی کن تا که سلطانت کنند / تن رها کن تا

همه جانت کنند » با کدام آیه ی شریفه هم مفهوم نیست؟

(سراسری تجربی ۹۰)

(۱) إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ فَاعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ

(۲) وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ

(۳) أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ

(۴) كَذَلِكَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ السُّوءَ وَالْفَحْشَاءَ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا

گزینه «۲» صحیح است

الْمُخْلِصِينَ

۶- آیه ی شریفه ی «كَذَلِكَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ السُّوءَ

وَالْفَحْشَاءَ...» حاکی از ..... می باشد و هشدار می باشد که

انسان که راه نجات، ..... است. (سراسری انسانی ۹۰)

(۱) نجات انسان شایسته از وسوسه های شیطانی - عدم

متابعت از وسوسه ها

(۲) نجات انسان شایسته از وسوسه های شیطانی -

آراستگی به اخلاص

۳) تأثیر گذاری زشت کاری در منحرف شدن از صراط

مستقیم - عدم متابعت از وسوسه ها

۴) تأثیر گذاری زشت کاری در منحرف شدن از صراط

مستقیم - آراستگی به اخلاص

گزینه «۲» صحیح است



۷- اخلاص در بندگی به معنی ..... است و اولین ثمره ی اخلاص ..... است و حضرت یوسف (ع) که به درجات بالای اخلاص رسیده بود، خداوند در این مورد می فرماید:

(۱) اعتقاد خالص به خدا داشتن - عدم نفوذ شیطان و مأیوس شدن او از انسان مخلص - «كَذَلِكَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ السُّوءَ وَالْفَحْشَاءَ»

(۲) اعتقاد خالص به خدا داشتن - احساس اطمینان و آرامش روحی و نجات از اضطراب ها - «قُلْ إِنَّمَا أَعْظُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ»  
(سراسری زبان ۹۰ با کمی تغییر)

(۳) پرستش خدای یگانه - عدم نفوذ شیطان و مایوس شدن او از انسان مخلص - «كَذَلِكَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ السُّوءَ وَالْفَحْشَاءَ»

(۴) پرستش خدای یگانه - احساس اطمینان و آرامش روحی و نجات از اضطراب ها - «قُلْ إِنَّمَا أَعْظُمُ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ»

گزینه «۳» صحیح است



گروه آموزشی دانش نوین

 @irandaneshnovin

 @iran\_danesh\_novin

برای دانلود بقیه جزوات، با کلیک روی لینک های زیر به سایت یا کانال ما در تلگرام و سروش سر بزنید:

[www.idnovin.com](http://www.idnovin.com)

<https://telegram.me/irandaneshnovin>

[http://sapp.ir/iran\\_danesh\\_novin](http://sapp.ir/iran_danesh_novin)

# دین و زندگی

جلسه چهاردهم

« درس سوم »  
« حقیقت بندگی »

إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَ رَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ

۱- توحید در ربوبیت « رَبِّي وَ رَبُّكُمْ »

۲- توحید عبادی « فَاعْبُدُوهُ وَ صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ »

۳- توحید عبادی میوه و نتیجه (معلول) توحید در ربوبیت

است.

اتَّخَذُوا أَحْبَابَهُمْ وَرُهْبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَالْمَسِيحَ  
ابْنَ مَرْيَمَ وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلَهًا وَاحِدًا لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ  
سُبْحَانَهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ

۱- گرفتن اربابی غیر از خدا شرک عبادی است.

۲- تنزیه خداوند از شرک « سُبْحَانَهُ... »

۳- تمام ابعاد توحید « لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ »

۴- توحید عبادی « لِيَعْبُدُوا إِلَهًا وَاحِدًا »

وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا  
الطَّاغُوتَ

۱- توحید عبادی در بعد فردی و اجتماعی «اعْبُدُوا اللَّهَ»

۲- نهی از شرک عبادی در بعد اجتماعی «وَاجْتَنِبُوا

الطَّاغُوتَ»

۳- هدف بعثت انبیاء عبادت الهی و نفی طاغوت است.



وَمَنْ يُسَلِّمْ وَجْهَهُ إِلَى اللَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ  
بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى

۱- توحید عبادی در بُعد فردی « يُسَلِّم - مُحْسِنٌ »

۲- لازمه تمسک به دست آویز محکم الهی « الْعُرْوَةِ الْوُثْقَى »

انجام کارهای نیک است.

۳- هدفداری و حکمت الهی «إِلَى اللَّهِ»

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

توحید عبادی «الْحَمْدُ» توحید ربوبیت «رَبِّ الْعَالَمِينَ»

إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ

توحید عبادی

## توحید در عبادت

پس از شناخت خداوند به عنوان تنها خالق و آفریننده‌ی جهان و تنها سرچشمه‌ی خوبی‌ها و زیبایی‌ها و آگاهی به این که او تنها مالک، سرپرست، اداره‌کننده و تنها تکیه‌گاه و پشتیبان جهان است، در می‌یابیم که تنها وجود شایسته‌ی پرستش و اطاعت، یعنی تنها معبود واقعی انسان‌ها خداست.

اطاعت از هر شخص دیگری اگر براساس اطاعت از خداوند نباشد، نابجا و غلط است. بنابراین اطاعت از رسول گرامی او و اطاعت جانشینان آن حضرت لازمه‌ی توحید است. زیرا حکم و فرمان الهی از طریق رسول خدا (ص) و جانشینان بزرگوار آن حضرت به مردم می‌رسد و بدون تبعیت و اطاعت از آنان، اطاعت از خداوند ممکن نیست. پس توحید در عبادت آن است که فقط خدای یگانه را پرستش کنیم، تسلیم فرمان های او باشیم و کارهای خود را فقط به قصد اطاعت از او و برای کسب رضایت او انجام دهیم.

## ابعاد توحید عبادی:

### الف) بُعد فردی:

انسان موحد کسی است که فقط خدا را پرستد و از او اطاعت نماید. او می کوشد کشش ها و تمایلات درونی و تصمیم ها و فعالیت های خود را به گونه ای سامان دهد که در یک هماهنگی مناسب، سمت و سوی خدایی بگیرند و بر محور بندگی او باشند. چنین فردی در انتخاب همسر، انتخاب شغل، انتخاب دوست، در تحصیل، گردش، ورزش و مجموعه‌ی برنامه‌ریزی های خود، خدا و رضایت او را در نظر دارد.

او به میزانی که در این جهت پیش می رود، امیال و غرایز خود مانند میل جنسی، میل به قدرت و میل به ثروت را تنظیم و کنترل می نماید و گرایش های برتر، مانند حقیقت طلبی، عدالت خواهی، نوع دوستی و احسان و جوانمردی در رفتار او ظهور بیشتری می یابد. چنین انسانی دارای شخصیتی یگانه و یکپارچه در جهت عبودیت و پرستش خدا می شود. در مقابل، انسان مشرک به جای تبعیت از خداوند و کسب رضایت او، از هوای نفس خود یا دیگران اطاعت می کند و کارهایش را برای رسیدن به خواسته های نفسانی و یا خوشامد دیگران انجام می دهد.

از آن جا که انسان مشرک تحت سلطه‌ی تمایلات و خواسته‌های نفسانی خود و دیگران قرار دارد، فردی است چند شخصیتی با جهت‌گیری‌های متفرق و سمت و سوهای پراکنده و در خدمت معبودهای گوناگون که هر کدام او را به سویی می‌کشند و آرامشش را سلب می‌کنند.

## ب) بُعد اجتماعی:

بُعد دیگر توحید در عبادت، بُعد اجتماعی آن است که به معنای یگانه و یکپارچه شدن نظام اجتماعی در جهت خداوند و اطاعت همه جانبه از اوست. جامعه از افراد گوناگون و نهادها و سازمان های مختلف تشکیل شده است. اگر این افراد بکوشند که در روابط خود با یکدیگر، به جای خواست ها و تمایلات خود، فرمان الهی را حاکم کنند و از پذیرش فرمان طاغوت ها و ظالمان و ستمگران سرباز زنند و مناسبات سیاسی و اقتصادی و روابط فرهنگی را منطبق بر احکام الهی و در جهت رضای او تنظیم نمایند، بُعد اجتماعی توحید عبادی تحقق می یابد.



میان بُعد فردی و اجتماعی توحید تشابه و تناسب وجود دارد. همان طور که اگر کسی در مسیر توحید عملی گام بردارد، به شخصیتی متوازن، متعادل و زیبا می رسد، در جامعه ای نیز که در مسیر توحید حرکت می کند، نه تنها ستمگران بر مردم حاکم نمی شوند، بلکه روابط فرهنگی و مناسبات اقتصادی نیز به تعادل، توازن، هماهنگی و انسجام می رسد و به جامعه ای زیبا تبدیل می شود و عدالت اجتماعی در همه ی ابعاد آن واقعیت می یابد.

در مقابل، اگر هر یک از افراد جامعه، خواست ها و تمایلات دنیایی خود را دنبال کنند و فقط منافع خود را محور فعالیت های اجتماعی قرار دهند و اهل ایثار و تعاون و خیر رساندن به دیگران نباشند، تفرقه و تضاد جامعه را فرا می گیرد و امکان رشد و تعالی از بین می رود. همواره در چنین جامعه ای انسان های ستمگر و مستکبر، قدرت اجتماعی و سیاسی را به دست می آورند و انسان های دیگر را در خدمت امیال خود به کار می گیرند. در این گونه جوامع سخنی از حاکمیت خداوند و فرمان های او نیست، بلکه سخن از حاکمیت طاغوت و دستورهای اوست.

## دژ مستحکم خداوند

کلمه‌ی «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»، کلمه‌ی توحید مهم‌ترین شعار اسلام و جامع همه‌ی ابعاد و اقسام توحید و نفی هرگونه شرک است. توجه به این شعار و تفکر در آن بسیار ارزشمند و موجب فلاح و رستگاری است. از همین‌رو، پیشوایان ما توصیه کرده‌اند که این کلمه را در طول روز تکرار کنیم تا حقیقت آن در وجود ما نفوذ یابد و با جان ما عجین شود. در ندای اذان که دعوت مسلمانان به نماز است، این عبارت چندین بار تکرار می‌شود و برای آن پاداش‌های بزرگی ذکر کرده‌اند؛

پیامبر اکرم (ص) فرموده اند:

« بهای بهشت **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ** است. »

هرچه انسان به درک بالاتر و ایمان قوی تری نسبت به این عبارت برسد، بیشتر از گناه در حضور خداوند و سرپیچی از راهنمایی های او دوری می کند. به همین جهت این کلمه دژی است که انسان را از گناه حفظ می کند و به مراتب بالاتری از زیبایی ها و کمال ها می رساند اولین سخن رسول خدا در دعوت مردم به اسلام این بود که:

قولوا

بگوئید

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ

خدایی جز خدای یگانه نیست

تُفْلِحُوا

تا رستگار شوید

همچنین ایشان درباره‌ی این کلمه فرمود:

«نه من و نه گویندگان قبل از من کلمه‌ای پر محتوا همانند

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» نگفته‌ایم.»

این عبارت کوتاه که در حدّ یک کلمه است، از دو بخش تشکیل یافته، یکی نفی معبود (لا اله)، مانند بت‌های ساختگی و طاغوت‌ها و دیگری (الا الله) اثبات خدا به‌عنوان تنها کسی که سزاوار پرستش و اطاعت است؛ از این رو پیامبر فرمود: این کلمه دژی است که انسان را از شرک در عقیده و عمل حفظ می‌کند. به همین جهت خداوند این کلمه را « دژ مستحکم خود » نامیده است:

كَلِمَةٌ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ

کلمه « معبودی جز الله نیست. »

حِصْنِي

دژ مستحکم من است.

فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي

پس هر کس داخل دژ من شود

أَمِنَ مِنْ عَذَابِي

از عذاب من در امان است.

## توحید و شرک در جهان امروز

توحید، محور و روح زندگی دینی و شرک، محور و روح زندگی ضد دینی است. اکنون که مراتب و ابعاد توحید و شرک را شناخته‌ایم، می‌خواهیم ببینیم که زندگی انسان عصر حاضر تا چه اندازه توحیدی است و کدام مرتبه از توحید مورد غفلت قرار گرفته است. اغلب مردم دنیا قبول دارند که خالق جهان، خدای یگانه است و همین خدا جهان را تدبیر و اداره می‌کند، با این حال، وقتی به زندگی انسان عصر جدید می‌نگریم، با مواردی روبه‌رو می‌شویم که با این پذیرش هم خوانی ندارد؛ از جمله این‌که:



۱- بسیاری از انسان‌ها چنان به امور دنیوی سرگرم شده‌اند که خدا را فراموش کرده و خداوند در قلب آنها جایگاهی ندارد. زرق و برق و زینت دنیا و لذات و شهوات چنان در دلشان فزونی یافته که جایی برای خلوت انس با خدا و درک معنویت نیایش با پروردگار باقی نگذارده است. گویی هوی و هوس و آنچه و آن کس که آنان را به هوس‌هایشان می‌رساند، بُت و معبودشان شده و آن‌ها را می‌پرستند،

به گونه‌ای که از ابزارهای جدید، مانند سینما، تلویزیون، ماهواره و اینترنت و سایر رسانه‌ها برای رسیدن به این لذات دنیایی بهره می‌برند و یکسره از خدا و آخرت غافل شده‌اند. معرفت به خداوند، زمانی میوه‌ی خود را می‌دهد که از مرحله‌ی شناخت ذهنی به مرحله‌ی ایمان قلبی برسد و در قلب تثبیت شود. یعنی انسان به چشم قلب ببیند که خداوند در کوچک‌ترین حوادث عالم نیز حضور دارد و چرخ خلقت با تدبیر خداوند می‌گردد و این بت‌ها مانع رسیدن انسان به ایمان است.

۲- با این که نمونه‌هایی از پرستش بت‌های سنگی و چوبی هم اکنون نیز در کشورهایمانند ژاپن و هند دیده می‌شود، اما دنیای امروز گرفتار شرک و بت پرستی پیچیده‌تر و خطرناک‌تری شده است. اگر بت پرستان عصر جاهلیت ۳۶۰ بت می‌پرستیدند، امروزه بسیاری از انسان‌ها هزاران بت برای خود تراشیده و می‌پرستند. راستی، بت‌های بزرگ روزگار ما چه هستند؟

قرآن کریم معیار ثابت شرک و بت پرستی را به ما ارائه نموده و تطبیق این معیارها بر زندگی فردی و اجتماعی را بر عهدهی خودمان قرار داده است. اطاعت از ارباب هایی جز خداوند، پذیرش سرپرستانی جز او، بندگی کسانی جز او و بالاخره خارج کردن دین خداوند از برنامه های زندگی و تقلید از کسانی که در جهت مخالف دین حرکت می کنند، شرک و بت پرستی است. ریشهی بت پرستی و شرک جدید آن است که برخی از انسان ها در عین قبول داشتن خداوند، دین و دستورات آن را در متن زندگی خود وارد نمی کنند و تمایلات دنیایی و نفسانی خود را اصل قرار می دهند.

۱- از دقت در کدام آیه « نتیجه ی توحید نظری » که نفی اطاعت از غیر خداوند است، به دست می آید؟

(سراسری خارج از کشور ۹۱)

(۱) يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ وَمَا ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ بِعَزِيزٍ

(۲) وَمَنْ يُسَلِّمْ وَجْهَهُ إِلَى اللَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى وَإِلَى اللَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ

(۳) إِنَّ اللَّهَ يُمَسِّكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَلَئِن زَالَتَا إِنْ

أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ

(۴) ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي

هِيَ أَحْسَنُ

گزینه «۲» صحیح است

۲- پیام دو آیه ی «اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لِيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ

الْقِيَامَةِ» و «فتوکل الی اللہ» به ترتیب بیانگر کدام موضوع

می باشد؟ (سراسری ریاضی ۹۱)

(۱) توحید در خالقیت، ربوبیت و عبادی - معاد جسمانی و

روحانی انسان - توحید عبادی

(۲) توحید در خالقیت، ربوبیت و عبادی - ضرورت معاد

براساس عدل الهی - توحید عبادی

۳) توحید عبادی - معاد روحانی و جسمانی انسان -

توحید در خالقیت، ربوبیت و عبادی

۴) توحید عبادی - ضرورت معاد براساس عدل الهی -

توحید در خالقیت، ربوبیت و عبادی

گزینه «۱» صحیح است



۳- پیام آیات شریفه ی «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» و «وَإِنَّ

اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ» به ترتیب بیانگر کدام بعد از

ابعاد توحید است؟ (سراسری ریاضی ۹۱)

(۱) ربوبی - عبادی - عبادی - ربوبی

(۲) عبادی - ربوبی - عبادی - ربوبی

(۳) ربوبی - ربوبی - عبادی - عبادی

(۴) عبادی - ربوبی - ربوبی - عبادی گزینه «۴» صحیح است

۴- پیام کدام آیه، حاوی دریافت نتیجه و بازتاب آشنایی با توحید در خالقیت و توحید ربوبی است؟

(سراسری ریاضی ۹۱ با کمی تغییر)

(۱) وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلَهًا وَاحِدًا لَّا إِلَهَ إِلَّا هُوَ

(۲) إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبِّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ

(۳) اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهَبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ

(۴) وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ

گزینه «۲» صحیح است

۵- از دقت در آیه‌ی شریفه‌ی «اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهْبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَالْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلَهًا وَاحِدًا لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ سُبْحَانَهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ» مفهوم ..... دریافت می‌گردد. (سراسری ریاضی ۹۱ با تغییر)

- (۱) آگاهی بخشی به موحدان در نمودن راه‌های آفت خیز ایمان سوز و رفتار آمدن به شرک در خالقیت
- (۲) بر حذر داشتن اطاعت کنندگان ارباب و رهبان از افتادن در گرداب شرک ربوبی

۳) تنزیه ذات باری تعالی از شرک عبادی اجتماعی گریبان گیر

اطاعت کنندگان ارباب و رهبان

۴) منزله دانستن ذات باری تعالی و هشدار دادن به پیروان

آخرین وحی الهی در جهت محفوظ ماندن از شرک

گزینه «۳» صحیح است

۶- آیات شریفه ی «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» و «إِنْ أَرَادَنِي

اللَّهُ بِضُرٍّ» به ترتیب بیانگر کدام بعد از ابعاد توحید است؟

(سراسری تجربی ۹۱ با کمی تغییر)

(۱) ربوبی - ربوبی - عبادی

(۲) عبادی - عبادی - ربوبی

(۳) عبادی - ربوبی - ربوبی

(۴) ربوبی - عبادی - عبادی

گزینه «۳» صحیح است

۷- پیام کدام آیه، حاوی مراتب ربوبی و عبادی توحید است؟

(سراسری تجربی ۹۱ با کمی تغییر)

(۱) إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَ رَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ

(۲) اتَّخَذُوا أَحْبَابَهُمْ وَرُهْبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ

(۳) وَ لَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ

(۴) وَمَنْ يُسَلِّمْ وَجْهَهُ إِلَى اللَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى

گزینه «۱» صحیح است

۸- از دقت در کدام آیه به ترتیب به «یگانگی خدا» و توحید در «خالقیت» و «عبادت» پی می‌بریم؟

(سراسری انسانی ۹۱ با تغییر)

(۱) خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ - قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ - اعْبُدْ رَبَّكَ

(۲) اللَّهُ الصَّمَدُ - اعْبُدْ رَبَّكَ - خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ

(۳) قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ - اعْبُدْ رَبَّكَ - خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ

(۴) قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ - خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ - اعْبُدْ رَبَّكَ

گزینه «۴» صحیح است

۹- اطاعت از رسول گرامی اسلام (ص) و اطاعت از جانشینان  
آن حضرت بیانگر توحید ..... است که ..... توحید .....  
می باشد و پیام های آیه ی شریفه ی ..... حاکی از آن است.  
(سراسری هنر ۹۱ با تغییر)

(۱) عبادی - نتیجه ی - ربوبی - **إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَ رَبُّكُمْ فَأَعْبُدُوهُ هَذَا  
صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ**

(۲) ربوبی - نتیجه ی - عبادی - **إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَ رَبُّكُمْ فَأَعْبُدُوهُ  
هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ**



(۳) ربوبی - مقدمه ی - عبادی - وَ لَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولاً

أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ

(۴) عبادی - مقدمه ی - ربوبی - وَ لَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولاً

أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ

گزینه «۱» صحیح است

۱۰- آیات شریفه‌ی «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» اطاعت از رسول گرامی خداوند و

اطاعت از جانشینان آن حضرت، لازمه‌ی ..... است، زیرا: .....

(سراسری زبان ۹۱ با تغییر)

(۱) توحید - شناخت خداوند و تنها مؤثر و مرید مستقل

دانستن او، مقدمه‌ی عمل در راستای فرمان او است.

(۲) نفی شرک - شناخت خداوند و تنها مؤثر و مرید مستقل

دانستن او، مقدمه‌ی عمل در راستای فرمان او است.

۳) نفی شرک – حکم و فرمان الهی از طریق آنان به ما می‌رسد و بدون اطاعت از آنان ، اطاعت از خداوند ممکن نیست.

۴) توحید – حکم و فرمان الهی از طریق آنان به ما می‌رسد و بدون اطاعت از آنان ، اطاعت از خداوند ممکن نیست.

گزینه «۴» صحیح است

« درس چهارم »

« در مسیر اخلاص »

قُلْ إِنَّمَا أَعْظُمُ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَثْنَى وَفُرَادَى ثُمَّ تَتَفَكَّرُوا

۱- موعظه وظيفه پیامبران است.

۲- مهم ترین موعظه پیامبران قیام برای خدا (اخلاص) است.

۳- توحید عبادی (حسن فاعلی)

إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ فَاعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ

۱- هدایت تشریحی «الْكِتَابَ»

۲- توحید عبادی «فَاعْبُدِ - مُخْلِصًا» = اخلاص در بندگی

أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ  
عَدُوٌّ مُّبِينٌ. وَأَنْ اعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ

۱- عهد خداوند یا انسان شامل:

(الف) «أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ»

(ب) «أَنْ اعْبُدُونِي»

۲- این آیه خطاب به انسان‌هایی است که گرایش فطری

انسان به خدا را نادیده گرفته و بندهی هوای نفس‌اند.

كَذَلِكَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ السُّوءَ وَالْفَحْشَاءَ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا  
الْمُخْلِصِينَ

۱- اولین ثمره درخت اخلاص عدم نفوذ شیطان است.

۲- اخلاص حضرت یوسف (ع)



وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ  
الْمُحْسِنِينَ

۱- انجام عمل صالح ( برنامه ریزی برای اخلاص )

۲- توفیق الهی «لَنَهْدِيَنَّهُمْ» = امداد خاص

۳- اخلاص «فِينَا»

۴- توحید عبادی

..... لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ

۱- تقویت روحیه حق‌پذیری (برنامه ریزی برای اخلاص).

۲- عدم تفکر علت دوزخی شدن است.

۳- اولین قدم برای ورود به بندگی و اخلاص حق‌پذیری

است.

## أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي

۱- راز و نیاز با خداوند و کمک خواستن از او (برنامه‌ریزی

برای اخلاص)

۲- هدف نماز یاد خداست.

۳- توحید عبادی

## اخلاص در بندگی

انسان، همواره بر سر دو راهی بندگی خداوند یا بندگی هوای نفس و شیطان قرار دارد و زندگی صحنه‌ی انتخاب یکی از این دو راه است. خداوند از ما می‌خواهد از عبادت شیطان دور شویم و به بندگی خدا در آییم. خداوند، گرایش به پرستش خود را در خلقت ما قرار داده و به وسیله‌ی پیامبران الهی و کتابهای آسمانی ما را به سوی آن راهنمایی نموده است. انسان‌هایی که این گرایش فطری را نادیده گرفته‌اند و بنده‌ی هوای نفس و شیطان شده‌اند، از این گرایش غافل شده و سرگرم امور زودگذر دنیا گردیده‌اند.

اخلاص در بندگی و پرستش به این معناست که تمام جهت گیری های زندگی انسان سمت و سوی الهی پیدا کند و همه ی کارها فقط برای رضای او و تقرب به او انجام پذیرد و هوای نفس و شیطان در آن ها راه نداشته باشد. بنابراین، اخلاص در بندگی معنای دیگری از توحید عبادی است و به هر میزان که درجه ی اخلاص انسان بیشتر باشد، مقامش نزد خداوند گرامی تر و درجه اش در بهشت بالاتر است.

توجه کنیم که:

هر عملی از دو جزء تشکیل شده است:

**اول :** نیت، که به آن هدف یا قصد نیز می گوئیم.

**دوم :** شکل و ظاهر عمل.

قصد و نیت به منزله ی روح عمل است و شکل عمل نیز در حکم جسد و کالبد آن روح می باشد. بنابراین، عمل بدون نیت، کالبد بی جانی بیش نیست. از این رو پیامبر اکرم (ص) فرموده است:

## نِيَّةُ الْمُؤْمِنِ خَيْرٌ مِنْ عَمَلِهِ

نیت مؤمن، برتر از عمل اوست.

در انجام هر عمل، هم باید نیت درونی و قلبی انسان الهی باشد و هم باید مطابق با شکلی که خدا فرمان داده است، انجام شود. شرط اول را «حُسن فاعلی» و شرط دوم را «حُسن فعلی» می نامند.

مثلاً کسی که نماز می خواند، هم باید نماز را برای تقرب الهی و رضای او انجام دهد و هم آن را مطابق با دستور خداوند به جا آورد. حسن فاعلی به طور طبیعی حسن فعلی را به دنبال می آورد. یعنی کسی که قلباً با خدای خود خالص است و فقط رضایت او را می جوید، اگر بداند خداوند فرمان داده که عملی مانند نماز باید به شکل خاصی انجام شود، او نیز به همان شکل انجام خواهد داد.



## برنامه ریزی برای اخلاص

برای رسیدن به حقیقت بندگی و اخلاص، برنامه های زیر را می توان درپیش گرفت:

۱- **تقویت روحیه ی حق پذیری** : اولین قدم برای ورود به بندگی و اخلاص « حق پذیری » است. کسی که در مقابل حق تسلیم و خاضع است، به آسانی وارد مسیر بندگی می شود و به سرعت راه موفقیت را می پیماید. افراد حق پذیر، تابع دلیل هستند و وقتی عقل آنان حقیقتی را یافت، به دنبال آن می روند.

## ۲- افزایش معرفت به خداوند:

به هر میزان که معرفت و ایمان ما به خداوند بیشتر شود و او را عمیق تر بشناسیم، انگیزه‌ی ما برای پرستش و بندگی نیز افزایش می‌یابد. دعوت قرآن کریم به تفکر و تعقل در آیات و نشانه‌های الهی به همین مقصود است. بنابراین بر ما لازم است اوقاتی را به تفکر در آیات و نشانه‌های الهی در خلقت اختصاص دهیم و هنگام دیدن هر یک از مخلوقات پیرامون خود سعی کنیم حکمت و قدرت عظیم خالق آن را به یاد آوریم و فراموش نکنیم که:

آفرینش همه تنبیه خداوند دل است

دل ندارد که ندارد به خداوند اقرار

این همه نقش عجب بر در و دیوار وجود

هر که فکرت نکند نقش بود بر دیوار

اما اگر کسی پرده ی غفلت را کنار نزند، هم چنان نابینا

خواهد ماند و از نور روی دوست بهره ای نخواهد برد.

مهر رخسار تو می تابد ز ذرات جهان

هر دو عالم پر ز نور و دیده نابینا چه سود؟

**۳- راز و نیاز با خداوند و کمک خواستن از او : نیایش با خداوند و عرض نیاز به پیشگاه او، محبت خداوند را در قلب تقویت می کند، غفلت را کنار می زند و انسان را از امدادهای او بهره مند می کند. در میان مناجات ها و دعاها، نماز جایگاه ویژه ای دارد. نماز، عبادتی است که خداوند خود به ما آموزش داده و از ما خواسته است که با او این گونه سخن بگوییم. این عبادت، حداقل پنج نوبت در شبانه روز انجام می شود و به طور مداوم ما را به یاد خدا می اندازد و حضور او را در زندگی ما تقویت می کند.**

## ۴- یاد معاد و روز حساب:

یکی از راه های بسیار مؤثر برای تقویت عبودیت و اخلاص، توجه به این حقیقت است که همه ی ما حیات جاودانه ای در پیش داریم که کیفیت و چگونگی آن در همین جهان و به دست خود ما تعیین می شود. کیست که پیوسته به یاد معاد و زیبایی های بهشت و عذاب های جهنم باشد، اما خود را برای آن آماده نکند؟

همه ی ما باید به طور مداوم بنگریم که چه چیزی برای فردا آماده کرده ایم و به خود یادآوری کنیم که « ساکنان آتش » با « یاران بهشت » یکسان نیستند و فقط یاران بهشت هستند که نجات می یابند. چه قدر هیجان انگیز و شادی آور است آن زمان که انسانی مخاطب خداوند قرار گیرد و به او گفته شود: « ای نفس به آرامش رسیده، خشنود و خداپسند به سوی پروردگارت باز گرد، در میان بندگان خودم در آی، و در بهشت خودم داخل شو »

## ۵- انجام عمل صالح:

قرآن کریم غالباً عمل صالح را بعد از ایمان معرفی نموده است. زیرا وقتی انسان مسیر حق و حقیقت را شناخت و به آن ایمان آورد، پای در میدان عمل می‌گذارد و از کار و تلاش و مجاهدت باز نمی‌ایستد. عمل صالح، انسان را پرورش می‌دهد و وجودش را خالص می‌سازد. خداوند نیز ادامه‌ی مسیر را به او نشان می‌دهد و او را بیشتر هدایت می‌کند.



## میوه های درخت اخلاص

اولین ثمره ی اخلاص، عدم نفوذ شیطان در انسان و یأس او از فرد با اخلاص است. به تدریج که انسان رشته های اخلاص را محکم می کند، توانایی شیطان در وسوسه کردن کم می شود تا جایی که به هیچ وجه نمی تواند در وی تأثیر بگذارد.

ثمره ی دیگر اخلاص در پرستش، دستیابی به معرفت و اندیشه های محکم و استوار است. وقتی حکمت، که همان دانش متین و محکم است، در اختیار انسان قرار گرفت، سبب می شود که فرد بتواند آگاهانه و درست تصمیم بگیرد و دچار سرگردانی نشود.

پیامبر اکرم (ص) می فرماید:

هر کس بتواند چهل روز کارهای خود را خالصانه برای خدا انجام دهد، چشمه های حکمت و معرفت از دل و زبانش جاری خواهد شد.

ثمره ی دیگر اخلاص، احساس اطمینان و آرامش روانی، زندگی سالم و به دور از فساد، احساس لذت واقعی از زندگی خود، نجات از دغدغه ها و اضطرابها و کسب زیبایی های معنوی در عین بهره‌مندی مطلوب از لذت های دنیاست.

آن چه گفتیم، میوه های اولیه ی درخت اخلاص و عبودیت  
است. برخی از میوه های آن در ذهن ما نمی گنجد، مگر آن  
وقت که راه های عالی بندگی را بیماییم و آن میوه های  
وصف ناشدنی را بچینیم.  
پیامبر اکرم (ص) فرمود:  
خداوند فرزندان آدم (ع) را این گونه ندا می دهد:

يَا بَنِي آدَمَ

ای فرزندان آدم،

أَنَا غَنِيٌّ لَّا أَفْتَقِرُ

من بی نیازی هستم که نیازمند

نمی شوم

أَطِيعِي فِي مَا أَمَرْتُكَ

مرا در آن چه به تو امر کرده ام

اطاعت کن

أَجْعَلُكَ غَنِيًّا لَّا تَفْتَقِرُ

تا تو را آن چنان بی نیاز کنم که

نیازمند نشوی

يا بَنِي آدَمَ

ای فرزند آدم،

أَنَا حَيٌّ لَا أَمُوتُ

من زنده ای هستم که نمی میرم

أَطِيعِي فِيمَا أَمَرْتُكَ

مرا در آن چه به تو امر کرده ام

اطاعت کن

أَجْعَلُكَ حَيًّا لَا تَمُوتُ

تا تو را زندگی ای بخشم که

نمیری

يَا بَنِي آدَمَ

ای فرزند آدم،

أَنَا أَقُولُ لِلشَّيْءِ كُنْ فَيَكُونُ

من به هر چه می‌گویم «باش»،  
می‌شود

أَطِيعَنِي فِيمَا أَمَرْتُكَ

مرا در آن چه به تو امر کرده‌ام  
اطاعت کن

أَجْعَلُكَ

تا تو را چنان قرار دهم

تَقُولُ لِلشَّيْءِ كُنْ فَيَكُونُ

که به هر چیز بگویی «باش»،  
بشود.

بالاترین میوه ی اخلاص در بندگی، دیدار محبوب حقیقی و

تقرب به پیشگاه کسی است که بنا به تعبیر امیرمؤمنان

نهایت آرزوی عارفان، دوست دل های صادقان، ولی مؤمنان

و معبود عالمیان است.



کافی است به زندگی زیبا و پر از جمال رسول خدا (ص) ،  
امیر المؤمنین (ع) ، فاطمه زهرا (س) و دیگر پیشوایان خود  
نظر بيفکنیم و ببینیم که چگونه این همه خوبی و زیبایی و  
آن مقام قرب و نزدیکی به محبوب را از راه بندگی به دست  
آورده اند.

بندگی کن تا که سلطانت کنند  
تن رها کن تا همه جانت کنند ...

۱- پیام آیات شریفه‌ی «یا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ...» و «لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ...» به ترتیب بیانگر ..... و ..... که از لوازم برنامه ریزی برای ..... است، می باشد.

(سراسری ریاضی ۹۱)

- (۱) راز و نیاز با خداوند - افزایش معرفت به خداوند - ایمان  
(۲) یاد معاد و روز حساب - افزایش معرفت به خداوند -

اخلاص

- (۳) راز و نیاز با خدا - تقویت روحیه‌ی حق‌پذیری - ایمان  
(۴) یاد معاد و روز حساب - تقویت روحیه‌ی حق‌پذیری -

اخلاص

گزینه «۴» صحیح است

۲- « تقویت روحیه‌ی حق‌پذیری » یکی از برنامه‌های مورد توجه برای وصول به حقیقت ..... است که پیام آیه‌ی شریفه‌ی ..... مفید این معنی است. (سراسری تجربی ۹۱)

(۱) خلوص در اعتقاد - لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ

السَّعِيرِ

(۲) اخلاص در بندگی - لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي

أَصْحَابِ السَّعِيرِ

(۳) اخلاص در بندگی - وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ

اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ

(۴) خلوص در اعتقاد - وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ

اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ

گزینه «۲» صحیح است

۳- با توجه به آیه ی « قُلْ إِنَّمَا أَعْظُمُ بِوَاحِدَةٍ... » خداوند مردم را تنها به یک چیز اندرز می دهد و آن ..... است و لازمه ی اولین قدم در این امر، آمدن ..... به دنبال ..... است.  
(سراسری هنر ۹۱)

(۱) تفکر در معرفت الله - حُسن فاعلی - حُسن فعلی

(۲) تفکر در معرفت الله - حُسن فعلی - حُسن فاعلی

(۳) قیام برای خداوند - حُسن فاعلی - حُسن فعلی

(۴) قیام برای خداوند - حُسن فعلی - حُسن فاعلی

گزینه «۴» صحیح است

۴- مؤثرترین راه تقویت عبودیت و اخلاص، ..... است که  
خطاب ..... را به دنبال دارد.

(سراسری خارج از کشور ۹۰)

(۱) یاد معاد و روز حساب - اَلَمْ اَعْهَدْ اِلَيْكُمْ يَا بَنِي اٰدَمَ اَنْ لَا  
تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ

(۲) انجام عمل صالح - اَلَمْ اَعْهَدْ اِلَيْكُمْ يَا بَنِي اٰدَمَ اَنْ لَا تَعْبُدُوا  
الشَّيْطَانَ

(۳) انجام عمل صالح - يا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ

راضيةً مرضيةً

(۴) یاد معاد و روز حساب - يا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ

رَبِّكِ راضيةً مرضيةً

گزینه «۴» صحیح است

۵- بیت « بندگی کن تا که سلطانت کنند / تن رها کن تا

همه جانت کنند » با کدام آیه ی شریفه هم مفهوم نیست؟

(سراسری تجربی ۹۰)

(۱) إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ فَاعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ

(۲) وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ

(۳) أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ

(۴) كَذَلِكَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ السُّوءَ وَالْفَحْشَاءَ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا

گزینه «۲» صحیح است

الْمُخْلِصِينَ



۶- آیه ی شریفه ی «كَذَلِكَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ السُّوءَ

وَالْفَحْشَاءَ...» حاکی از ..... می باشد و هشدار می باشد که

انسان که راه نجات، ..... است. (سراسری انسانی ۹۰)

(۱) نجات انسان شایسته از وسوسه های شیطانی - عدم

متابعت از وسوسه ها

(۲) نجات انسان شایسته از وسوسه های شیطانی -

آراستگی به اخلاص

۳) تأثیر گذاری زشت کاری در منحرف شدن از صراط

مستقیم - عدم متابعت از وسوسه ها

۴) تأثیر گذاری زشت کاری در منحرف شدن از صراط

مستقیم - آراستگی به اخلاص

گزینه «۲» صحیح است

۷- اخلاص در بندگی به معنی ..... است و اولین ثمره ی اخلاص ..... است و حضرت یوسف (ع) که به درجات بالای اخلاص رسیده بود، خداوند در این مورد می فرماید:

(۱) اعتقاد خالص به خدا داشتن - عدم نفوذ شیطان و مأیوس شدن او از انسان مخلص - «كَذَلِكَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ السُّوءَ وَالْفَحْشَاءَ»

(۲) اعتقاد خالص به خدا داشتن - احساس اطمینان و آرامش روحی و نجات از اضطراب ها - «قُلْ إِنَّمَا أَعْظُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ»  
(سراسری زبان ۹۰ با کمی تغییر)

(۳) پرستش خدای یگانه - عدم نفوذ شیطان و مایوس شدن او از انسان مخلص - «كَذَلِكَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ السُّوءَ وَالْفَحْشَاءَ»

(۴) پرستش خدای یگانه - احساس اطمینان و آرامش روحی و نجات از اضطراب ها - «قُلْ إِنَّمَا أَعْظُمُ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ»

گزینه «۳» صحیح است

# دین و زندگی

جلسه پانزدهم

« درس پنجم »

« قدرت پرواز »

إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا

۱- اختیار انسان

۲- هدایت تشریحی

۳- توحید در ربوبیت « هَدَيْنَاهُ »

۴- سنت امداد « إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا »

قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرُ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ عَمِيَ  
فَعَلَيْهَا وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ

۱- هدایت الهی «بَصَائِرُ» = توحید در ربوبیت.

۲- اختیار انسان.

۳- انسان می تواند راه خود را انتخاب کند و سرنوشت  
خودش را رقم بزند.

۴- هر کس مسئول انجام کارهای خویش است.



إِنَّ اللَّهَ يُمَسِّكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَلَئِن زَالَتَا إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِّن بَعْدِهِ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا

۱- نظام حاکم بر جهان از آن خداست و اوست که آسمان و زمین را نگه می دارد.

۲- ایمان به خداوند حکیم و نظام حکیمانه او.

۳- ارتباط معنایی با شعر «قطره ای کز جویباری می رود ...»

۴- درک صحیح از نظام حاکم بر جهان خلقت، زمینه ساز شکوفایی اختیار است.

إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ

۱- قضای الهی « خَلَقْنَاهُ » و توحید در خالقیت

۲- هر قضای الهی بر یک تقدیر تکیه دارد و بر اساس آن

انجام می پذیرد.

۳- با آیه « خَلَقَ فَسَوَّى ... » ارتباط معنایی دارد.

هُوَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ فَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُن فَيَكُونُ

۱- قضای الهی « يُحْيِي وَيُمِيتُ – قَضَىٰ – كُن فَيَكُونُ »

۲- مقضی به قضای الهی ( هر کاری در عالم به حکم و اراده اوست. )

۳- آفریدن و زنده کردن و میراندن کار خداست.

۴- ارتباط معنایی با آیه ی « **إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ ...** »

۵- توحید در خالقیت

اللَّهُ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمْ الْبَحْرَ لِتَجْرِيَ الْفُلُكُ فِيهِ بِأَمْرِهِ وَ  
لِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

۱- تسخیر دریا معلول شناخت تقدیرات الهی است.

۲- عبارت « بِأَمْرِهِ » اشاره به قضای الهی دارد.

۳- انسان می تواند روزی خود را از دریا یا تسخیر دریا و

کشتی رانی به دست آورد. « لِتَجْرِيَ الْفُلُكُ - لِتَبْتَغُوا مِنْ

فَضْلِهِ »

لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ

۱- خداوند مسیر حرکت خورشید و ماه را مقدر کرده است.

۲- عدم برخورد خورشید و ماه « لَا الشَّمْسُ ... » = تقدیر

الهی

۳- پیشی نگرفتن شب بر روز = عوض نشدن جای شب و روز

« لَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ » = تقدیر الهی

۴- مدار سیارات « كَلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ »

۵- این ویژگی مقدر به تقدیر الهی است.

۶- اعجاز محتوایی قرآن = تازگی و شادابی

## اختیار، حقیقتی وجدانی و مشهود و بدیهی

تفاوتی اساسی میان آتش که می سوزاند، آب که جاری می شود، گیاه که می روید و حیوان که راه می رود، با انسان وجود دارد. هیچ یک از این مخلوقات، قدرت انتخاب یک عمل خاص از میان چندین رفتار ممکن را ندارند و این فقط انسان است که همواره در برابر چندین کار و چندین راه مختلف قرار می گیرد و از آن ها یکی را برمی گزیند. توانایی انتخاب و گزینش ناشی از اختیار است.

اختیار که به معنای توانایی بر انجام و ترک یک کار است،  
یک حقیقت وجدانی است و هر کس آن را در خود می یابد  
و می بیند که شبانه روز در حال تصمیم گرفتن برای انجام  
یک کار یا ترک آن است. حتی کسی که آن را در سخن یا  
بحث انکار می کند، در عمل از قدرت اختیار خود بهره  
می برد. مولوی این حقیقت را در قالب یک مثال این گونه  
یادآوری می کند:

آن یکی بر رفت بالای درخت  
می فشاند او میوه را دزدانه سخت ...

با وجود روشن بودنِ اختیار، نشانه های فراوان آن را همواره در خود مشاهده می کنیم، از جمله:

**۱- تفکر و تصمیم:** در ساعات متفاوت شبانه روز تصمیم هایی می گیریم و برای این تصمیم ها ابتدا اندیشه می کنیم و جوانب آن را با سبک و سنگین کردن می سنجیم. گاهی نیز دچار تردید می شویم که از میان چند راه و چند کار، کدام یک را انتخاب کنیم. دست آخر، پس از بررسی های لازم، یکی از آن راه ها را برمی گزینیم و وارد آن می شویم:

**این که فردا این کنم یا آن کنم**

**خود دلیل اختیار است ای صنم**



**۲- احساس رضایت یا پشیمانی :** هرگاه در کار خود موفق شویم، احساسی از رضایت و خرسندی از خود، وجود ما را فرا می گیرد. این احساس رضایت نشانه ی آن است که آن کار را از خود و نتیجه ی اراده و تصمیم عاقلانه ی خود می دانیم. گاه نیز در کاری مرتکب اشتباه می شویم و بر اثر این اشتباه به خود یا دیگری زیان وارد می شود. در این هنگام احساس ندامت و پشیمانی به سراغمان می آید و این بدان معناست که آن اشتباه، به اراده و اختیار ما بوده است.

گر نبودی اختیار این شرم چیست  
این دریغ و خجلت و آزرم چیست؟  
و آن پشیمانی که خوردی زان بدی  
ز اختیار خویش گشتی مهتدی

**۳- مسئولیت پذیری:** هر کدام از ما خودمان را مسئول  
کارهایی می دانیم که انجام می دهیم. به همین جهت است  
که اگر کار ما درست و نیکو بود مورد تشویق قرار می گیریم  
و اگر کار زشت و نادرست از ما سرزند تنبیه و کیفر  
می شویم.

عهدها و پیمان ها نیز بر همین اساس استوار شده اند و اگر کسی پیمان شکنی کند و مسئولیت خود را انجام ندهد، وی را مستحق مجازات می شمرند.

هیچ گویی سنگ را فردا بیا

ور نیایی من دهم بد را سزا؟

هیچ عاقل مرکلوخی را زند ؟

هیچ با سنگی عتابی کس کند؟

## فواید توجه ما به اختیار

گرچه قدرت اختیار با ساختار انسان سرشته شده و وجود آن انکارناپذیر است، اما آن چه اهمیت دارد، نحوه بهره مندی از آن است. قدرت اختیار از این جهت، مانند قدرت تفکر است؛ چه بسیار افرادی که استعداد فکری خارق العاده ای دارند ولی بدان توجه نکرده و آن استعداد را در وجود خود مدفون ساخته اند. و چه بسیار افرادی که استعدادی متوسط داشته اند، اما با همین استعداد متوسط، دروازه های بزرگ علم و دانش را فتح کرده اند.

میان کسی که نعمت اختیار و آزادی خود را شناخته و آن را باور دارد و کسی که شخصیت خود را حقیر، و اختیار خود را به تاراج رفته می پندارد، تفاوت بسیار است. انسانی که اختیار خود را باور کرده و به آن معتقد است، احساس هویت می کند، و از خودباوری بالایی برخوردار است؛ در قبال کارهای خود احساس مسئولیت می کند، تصمیم های اشتباه خود را می پذیرد و در صدد جبران برمی آید.

## پندارهای ویرانگر

هر چند اختیار انسان امری مشهود و انکار ناپذیر است، اما برخی اندیشه های باطل سبب رواج جبرگرایی می شوند. مثلاً کسی که بیندارد که انسان مانند سایر اشیای مادی است، جایی برای اراده و اختیار باقی نمی گذارد. رواج عقیده ی « جبری گری » مانند ویروس فلج، تحرک، سازندگی و نشاط را از فرد و جامعه می گیرد و فرصت را برای زورگویان فراهم می کند .

زورگویان و تجاوزگران به حقوق مردم، قدرت و ثروت به چنگ آورده را موهبت الهی معرفی می کنند و مدعی می شوند این از تقدیر و سرنوشت است که گروهی غرق در نعمت و ثروت، و عده ای در محنت و مشقت باشند. از طرف دیگر، کسانی که از این نعمات الهی محروم شده اند، به خود حق اعتراض نمی دهند و می پندارند مخالفت آنان، اعتراض به خواست الهی و تقدیر است.

پندار ویرانگر دیگر از آن کسانی است که فکر می کنند اختیار به معنای آزادی مطلق، محور قرار دادن خواست های خود بدون توجه به عواقب و نتایج آن، و حتی نادیده گرفتن قانون مندی های حاکم بر جهان خلقت است. اینان، اختیار را برای ارضای میل و هوس های خود می خواهند و توجه نمی کنند که چنین برداشتی از اختیار، نتایج زیانباری برای آنها و جامعه و محیط زندگی آنان خواهد داشت.



## زمینه ساز شکوفایی اختیار

خداوند، قدرت اختیار و اراده را از آن جهت به ما عطا فرموده که با بهره مندی از آن، دروازه های پیشرفت را فتح کنیم و قله های کمال را بپیماییم و در آسمان هستی تا جایی که جز خدا نمی داند، به پیش رویم. زمینه ساز چنین پروازی و دوری از پندارهای نادرست، درک صحیح نظام حاکم بر جهان خلقت است که در اینجا به شرح مختصر آن می پردازیم:

**۱- اعتقاد به خداوند حکیم :** مهمترین گام برای رسیدن به این معرفت، اعتقاد به خداوندی حکیم، عادل و قادر است که با حکمت خود جهان را خلق کرده، و آن را تدبیر و اداره می کند به طوری که همه ی حوادث و رخدادهای جهان، در یک چارچوب ساماندهی شده و قانونمند اتفاق می افتد و اگرچه ما، به علت دانش محدود و ناقص خود از درک عمیق اهداف حکیمانه ی بسیاری از رویدادهای جهان خلقت عاجز هستیم، اما مطمئنیم و اعتقاد داریم که هر حادثه ای دارای هدفی معین می باشد.

## قطره ای کز جویباری می رود

از پی انجام کاری می رود

ایمان به خداوند حکیم و نظام حکیمانه ی او، همچنین این اطمینان را به انسان می بخشد که جهان دارای حافظ و نگاهبانی است که اشتباه در کار او راه ندارد. کشتی جهان ناخدایی دارد که به علت علم و قدرت بی پایان آن ناخدا، به هیچ وجه احتمال غرق شدن و نابودی آن نمی رود و هیچ کسی جز او نیز نمی تواند آن را از نابودی نجات دهد.

**۲- قانونمند بودن جهان :** زندگی در یک جهان قانون مند، این امکان را به ما می دهد که با شناخت و استفاده از قوانین جهان نیازهای خود را برطرف کنیم، استعدادهای خود را به فعلیت برسانیم و پله های کمال را بپیماییم. نام دیگر این قانون مندی و نظم و سامان ، « قضا و قدر الهی » است.

## قضا و قدر و اختیار انسان

« تقدیر » به معنای « اندازه گرفتن » است. « قدر » و « قَدَر » نیز به معنای « اندازه » هستند. « قضا » به معنای « به انجام رساندن، پایان دادن، حکم کردن و حتمیت بخشیدن » است. موجودات جهان، از آن جهت که خداوند متعال حدود، اندازه، ویژگی، موقعیت مکانی و زمانی آنها را تعیین می کند، مقدر به تقدیر الهی هستند؛ و از آن جهت که با حکم و فرمان و اراده ی الهی ایجاد می شوند، مربوط به قضای الهی هستند.

به عبارت دیگر، نقشه ی جهان با همه ی ریزه کاری ها و قانون مندی هایش از آن خداست و اجرا و پیاده کردن آن نیز به وسیله ی خداست. به همین جهت نه در نقشه ی آن نقص و اشتباهی هست و نه در اجرا و پیاده کردن آن. آیا اگر غیر از این بود، ما می توانستیم با اطمینان خاطر کار و فعالیت کنیم و از اختیار خود بهره ای ببریم؟

آبی که با اراده ی خود می نوشیم، به علت اعتماد به همین تقدیر است.

یعنی می دانیم که خداوند آب را با ویژگی ها، اندازه ها و تقدیرها آفریده که سبب رفع تشنگی انسان می شود. اما کسی که این تقدیرها را نبیند و جهان را پراز هرج و مرج بیندارد، آیا واقعاً می تواند از اراده و اختیار خود بهره ببرد؟ برخی چنین پنداشته اند که قضا و قدر الهی با اختیار انسان ناسازگار است و تصور می کنند تقدیر، چیزی ورای قانون مندی و نظم است که وقتی به حادثه ای تعلق گرفت، هر قانونی را لغو و هر نظامی را برهم می زند؛

در حالی که خواهیم دید بدون پذیرش قضا و قدر الهی هیچ  
نظمی برقرار نمی شود و هیچ زمینه ای برای کار اختیاری پدید  
نمی آید.

روزی امیرمؤمنان علی (ع) با جمعی از یاران خود در سایه ی  
دیواری نشسته بودند. امام (ع) ، متوجه کجی و سستی دیوار  
شد. برای این که دیوار روی ایشان و یاران نریزد، از آن جا  
برخاست و زیر سایه ی دیواری دیگر نشست. یکی از یاران به  
آن حضرت گفت:

یا امیرالمؤمنین آیا از قضای الهی می گریزی؟  
امام فرمود: « از قضای الهی به قدر الهی پناه می برم . »



برداشت نابه جای آن شخص، چنین بود که اگر قضای الهی به مرگ انسان تعلق گرفته باشد، چه در سایه ی دیوار کج و سست نشسته باشد چه در سایه ی دیوار مستحکم، دیوار خراب خواهد شد و مرگ خواهد آمد؛ بنابراین حرکت و تغییر مکان وی و تصمیم گیری براساس دستور عقل، بی فایده است. اما امیرمؤمنان با رفتار و گفتار خود، نگرش صحیح از قضا و قدر را نشان داد و به آن شخص (و دیگران) آموخت که اعتقاد به قضا و قدر، نه تنها مانع تحرک و عمل انسان نیست؛ بلکه عامل و زمینه ساز آن است.

زیرا فرو ریختن دیوار کج، یک قانون و قضای الهی است. این قضا متناسب با شرایط و تقدیر خاص آن دیوار، یعنی کجی آن است. اما اگر دیوار، ویژگی دیگری داشته باشد، یعنی اگر محکم باشد، قانون و قضای دیگری را به دنبال خواهد آورد و انسانی که این دو تقدیر و این دو قضا را بشناسد، تصمیم می گیرد و دست به انتخاب مناسب تر می زند.

**رابطه ی اراده ی انسان با اراده ی خداوند یک رابطه ی طولی است.**

اینکه می گوئیم خداوند با حکمت خود، اندازه، ویژگی و نقشه ی پدیده ها را معین می کند و با اراده ی خود محقق می سازد، به این معناست که حوادث جهان و از جمله کارهای انسان تحت تدبیر و اراده ی خداوند و مظهري از قضا و قدر اوست. مسأله این است: چگونه می توان هم به قضا و اراده ی الهی معتقد بود و هم انسان را موجودی مختار دانست؟ آیا می توان گفت که کار انسان، هم به اراده و اختیار او وابسته است و هم به اراده ی خداوند؟

برای پاسخ به این پرسش لازم است با علت هایی که در پیدایش یک پدیده دخالت دارند، آشنا شویم. این علت، بر دو دسته اند:

**۱- علت عرضی :** در پیدایش هر پدیده ممکن است چند عامل به صورت مجموعه و با همکاری یکدیگر دخالت کنند. مثلاً برای رویش یک گل، مجموعه ای چون باغبان، خاک، آب، نور و حرارت دست به دست هم می دهند و با مشارکت یکدیگر گل را پدید می آورند. این گونه علت را « علت عرضی » می گویند.

در این مثال، هر عامل به طور مستقیم نقشی برعهده دارد که با نقش دیگری متفاوت است.

**۲- علل طولی :** گاهی تأثیر چند عامل در پیدایش یک پدیده این گونه است که مثلاً، یک عامل در عامل دیگر اثر می گذارد و آن عامل دوم در عامل سوم تأثیر می کند تا اثر عامل اول را به معلول منتقل کند. برای مثال، وقتی که شما قلم به دست می گیرید و نامه می نویسید، چندین عامل، در طول هم، در انجام این کار دخالت دارند:

**اول،** قلم که با حرکت خود روی صفحه جملات را می نگارد؛

**دوم،** دست شما که قلم را به حرکت درمی آورد؛

**سوم،** سیستم عصبی بدن که موجب حرکت دست شما

می شود؛

**چهارم،** اراده ی شما که مقدم بر سه علت قبلی است؛

**پنجم،** نفس یا روح شما که اراده از او پدید می آید.

کار نوشتن را به هر یک از این عوامل می توان نسبت داد؛ بدین معنا که اگر هر یک از این عوامل نبود، عمل نوشتن ممکن نمی شد، اما هر علتی، به ترتیب، علت بودن خود را از عامل بالاتر می گیرد. قلم می نویسد، اما حرکت آن ناشی از حرکت دست است. حرکت دست به نوبه ی خود محصول کار سیستم عصبی است.

این کار هم ناشی از اراده و اراده هم از نفس شماست. این علتها را « علل طولی » می گویند.

وجود اختیار و اراده در انسان به علت اراده ی الهی و خواست اوست. خداوند اراده کرده است که انسان موجودی مختار و دارای اراده باشد. در فعل اختیاری، تا زمانی که انسان به انجام فعلی اراده نکند، آن فعل انجام نمی گیرد. اما در عین حال، وجود ما، اراده ی ما و عملی که از ما سر می زند، همگی وابسته به اراده ی خداوند است. یعنی اراده ی انسان در طول اراده ی خداست و با آن منافات ندارد.



## اختیار انسان، یک تقدیر الهی

وقتی از تقدیر جهان به وسیله ی خداوند سخن می گوییم، منظورمان فقط تعیین طول، عرض، حجم، مکان و زمان یک موجود نیست. این ها ساده ترین و آشکارترین تقدیرها هستند. تقدیر الهی شامل همه ی ویژگی ها، کیفیت ها و کلیه ی روابط میان موجودات می شود. این که آب در چند درجه بجوشد، تعداد الکترون های هر عنصر چه تعداد باشد، ماه در کدام مدار دور زمین گردش کند، بدن انسان از چه اعضایی تشکیل شود، کار هر عضوی چه باشد، همه و همه از تقدیرات الهی است.

یکی از تقدیرات الهی برای انسان این است، که او دارای اختیار باشد؛ همان طور که مثلاً به آب، ویژگی مایع بودن را داده است، به انسان نیز ویژگی مختار بودن را عطا کرده است. به تعبیر دیگر، خداوند این گونه خواسته که انسان کارهایش را «با اختیار انجام دهد» و کسی نمی تواند از اختیار، که ویژگی ذاتی اوست، فرار کند؛ حتی اگر بخواهد فرار کند، باز هم این یک کار اختیاری خواهد بود، چون همین کار را با خواست و اراده ی خود انجام می دهد.

## محدوده ی اختیار انسان

شاید در نگاه اول، انسان تصور کند، که این قانون مندی ها مانع تحرک و پویایی اوست. اما در نگاهی ژرف تر خواهد دید که خداوند با چه زیبایی رابطه ی میان قدرتِ اختیار انسان و نظام جهان را سامان داده، به گونه ای که نه تنها این نظام سدّ راه او نشود، بلکه زمینه ساز عروج و صعود وی به سوی قله های کمال گردد.

تاریخ علم نشان می دهد که همین نظام قانون مند، به انسان امکان داده است تا دروازه های علم را بگشاید، پهنه ی دریاها را بشکافد، اعماق اقیانوس ها را بجوید و فضای کهکشان ها را در نوردد و ابزارهای گوناگونی برای زندگی خود بسازد. توجه کنیم که ما در چارچوب قوانین حاکم بر هستی حق انتخاب داریم و مثلاً آسمان و دریا در هر شرایطی رام انسان نیست؛ فقط در صورتی رام و مسخر انسان می شوند که آدمی ویژگی ها و قانون مندی های آنها را بشناسد و متناسب با آن ویژگی ها، ابزارهایی مانند هواپیما و کشتی تهیه کند تا بتواند در آسمان ها و دریاها سیر کند.

پس تقدیرات و قانون مندی ها هم لازمه ی کار اختیاری  
انسان و هم جهت دهنده و محدود کننده ی آن است.  
برخی از افراد به همین نکته ی بسیار روشن توجه  
نمی کنند و بدون درک قانون مندی های جهان، برای  
رسیدن به خوشبختی، راه های دلخواه خود را دنبال  
می کنند و بدبختی خود را رقم می زنند.

۱- فروریختن دیوار کج، یک ..... الهی است. این .....  
متناسب با ..... آن دیوار، یعنی کجی آن است. و حضرت  
علی (ع) در پاسخ آن فرد فرمودند: از ..... الهی به .....  
الهی پناه می برم. (سراسری خارج از کشور ۹۱)

(۱) تقدیر - تقدیر - قضای - قضای - قدر

(۲) قانون و قضای - قضا - تقدیر خاص - قضای - قدر

(۳) قانون و قضای - قضا - تقدیر خاص - تقدیر - قضای

(۴) تقدیر - تقدیر - قضای - تقدیر - قضای

گزینه «۲» صحیح است

۲- موجودات جهان از آن جهت که با حکم و فرمان و اراده‌ی الهی حتمیت می‌یابند، ..... هستند که آیه‌ی شریفه‌ی ..... مؤید آن است. (سراسری انسانی ۹۱)

(۱) مقضی به قضای الهی - «لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ ...»

(۲) مقدر به تقدیر الهی - «لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ ...»

۳) مقدر به تقدیر الهی - « اللَّهُ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمْ الْبَحْرَ

لِتَجْرِيَ الْفُلُكُ فِيهِ بِأَمْرِهِ »

۴) مقضی به قضای الهی - « اللَّهُ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمْ الْبَحْرَ

لِتَجْرِيَ الْفُلُكُ فِيهِ بِأَمْرِهِ »

گزینہ «۴» صحیح است



۳- پیام تمام آیات به جز آیه ی شریفه ی ..... حاکی از یک حقیقت است. (سراسری هنر ۹۱ با تغییر)

(۱) «اللَّهُ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمْ الْبَحْرَ لِتَجْرِيَ الْفُلُكُ فِيهِ بِأَمْرِهِ»

(۲) «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا»

(۳) «فَمَنْ اهْتَدَىٰ فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا»

(۴) «قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرُ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ

عَمِيَ فَعَلَيْهَا»

گزینه «۱» صحیح است

۴- عدم نگهبانی خداوند بر انسان، آن گاه به وقوع می پیوندد که ..... و آیه ی شریفه ی ..... حاکی از این حقیقت است.  
(سراسری خارج از کشور ۹۰)

(۱) رهنمودهای الهی به هدایت انسان نینجامد - «إِنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ لِلنَّاسِ بِالْحَقِّ فَمَنِ اهْتَدَىٰ فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا»

(۲) توفیق الهی نصیب انسان نگردد - «إِنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ لِلنَّاسِ بِالْحَقِّ فَمَنِ اهْتَدَىٰ فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا»

۳) رهنمودهای الهی به هدایت انسان نینجامد - « قَدْ جَاءَكُمْ

بَصَائِرٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا »

۴) توفیق الهی نصیب انسان نگردد - « قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرٌ مِنْ

رَبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا »

گزینه «۳» صحیح است

۵- از دقت در آیه ی شریفه ی « اللَّهُ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمْ  
الْبَحْرَ لَتَجْرِي أَلْفُك فِيهِ بِأَمْرِهِ وَ لَتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَ لَعَلَّكُمْ  
تَشْكُرُونَ » مفهوم می گردد که ..... است و ویژگی  
اختیار انسان، ..... الهی است. (سراسری خارج از کشور ۹۰)  
(۱) اراده ی انسان، در طول اراده ی خداوند - مقضی به  
قضای  
(۲) اراده ی انسان، در طول اراده ی خداوند - مقدر به  
تقدیر

۳) اراده‌ی خداوند، متعلق به تکوین و تشریح - مقدر به

تقدیر

۴) اراده‌ی خداوند، متعلق به تکوین و تشریح - مقضی به

قضای

گزینه «۲» صحیح است

۶- اعتقاد به حکیمانه بودن نظام هستی، ایجاب می کند که  
خدای حکیم قادر را « حافظ و نگاهبان عالم وجود » بدانیم  
که این اعتقاد از تدبّر در آیه ی شریفه ی ..... به دست  
می آید و اگر بگوییم: « پیاده کردن قوانین حاکم بر هستی  
به وسیله ی خدا است » مفهوم این جمله آن است که  
حوادث جهان، ..... الهی است. (سراسری ریاضی ۹۰)

(۱) « إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ » - مقضی

به قضای

(۲) « إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ » - مقدر

به تقدیر

(۳) « إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا » - مقدر به

تقدیر

(۴) « إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا » - مقضی به

گزینہ «۴» صحیح است

قضای

۷- توسعه ی فعالیت های اختیاری انسان، ..... معرفت

به ..... الهی است که برخاسته از ..... است.

(سراسری تجربی ۹۰)

(۱) متبوع - تقدیر - حکمت

(۲) متبوع - قضای - اراده

(۳) تابع - تقدیر - حکمت

(۴) تابع - قضای - اراده

گزینه «۳» صحیح است



۸- رابطه ی جاذبه ی موجود میان اشیا از ..... الهی است  
و از ..... خداوند سرچشمه می گیرد که آیه ی شریفه ی  
..... مؤید آن است. (سراسری انسانی ۹۰ با کمی تغییر)

(۱) تقدیر - حکمت - « لا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ »

(۲) تقدیر - اراده ی - « لا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ »

(۳) قضای - حکمت - « إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ »

(۴) قضای - اراده ی - « إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ »

گزینه «۱» صحیح است

۹- بیت « قطره ای کز جویباری می رود / از پی انجام کاری  
می رود » با آیه ی شریفه ی ..... تناسب معنایی دارد  
که برخاسته از ..... الهی و حاکی از ..... خداوند  
است. (سراسری هنر - ۹۰)

(۱) « إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَلَئِن زَالَتَا إِنْ

أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ » - تقدیر - حکمت

(۲) « إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَلَئِن زَالَتَا إِنْ

أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ » - قضای - اراده و خواست

(۳) « لا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ

وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ » - تقدیر - حکمت

(۴) « لا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ

وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ » - قضای - اراده و خواست

گزینه «۱» صحیح است

« درس ششم »

« سنت های خداوند »

قانونمندی و نظام حاکم بر جهان خلقت، تجلی تقدیر الهی و زمینه ساز حرکت و پویایی انسان و به کارگیری اراده و اختیار او می شود.

قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ

۱- در جامعه قانون مندی وجود دارد «سُنَنٌ»

۲- مطالعه تاریخ گذشتگان به منظور مصونیت از عاقبت و

سرنوشت و دروغ گویان

## سنت های الهی :

براساس تقدیر الهی، جهان خلقت دارای قانون مندی است و پدیده های جهان در دایره ی قوانین خاصی حرکت می کنند و مسیر تکاملی را می پیمایند یا بر یکدیگر تأثیر می گذارند. این قوانین، اختصاص به پدیده های طبیعی ندارد و زندگی فردی و اجتماعی انسان ها را هم دربر می گیرد. قرآن کریم از این قوانین با عنوان « سنت های الهی » یاد کرده و انسان ها را به شناخت آنها، به خصوص سنت های مربوط به زندگی انسان ها دعوت نموده است.

شناخت قوانین جهان خلقت سبب آشنایی ما با نشانه های الهی و درک عظمت خالق آنها و نیز بهره مندی از طبیعت می شود. اما شناخت قوانین حاکم بر زندگی انسان ها، موجب تنظیم درست رابطه‌ی انسان با خود، دیگران، جهان خلقت و خداوند می گردد و راه رسیدن به کمال را هموار می کند. برخی از این سنّت ها عبارتند از:

أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ

سنت ابتلاء = آزمایش = امتحان «يُفْتَنُونَ - بلاء»

## امتحان و ابتلاء:

این سنت، مربوط به چگونگی و فرایند رشد و تکامل انسان و عامل ظهور و بروز استعدادهای اوست. هر انسان انتخابگری برای این که نیت و تمایل درونی خود را نشان دهد و نتیجه‌ی آنچه را برگزیده است، آشکارا مشاهده کند، همواره در معرض امتحان و آزمایش است.



نیز کسی که ایمان خود به خداوند و راه هدایت الهی را اعلام می‌کند، وارد آزمایش‌های ویژه و امتحان‌های خاص می‌گردد. همه‌ی انسان‌ها در طول عمر خود در معرض آزمایش‌اند و پیروزی یا شکست در این آزمایش‌ها، سبب جدا شدن انسان‌های خوب از بد و ساخته شدن و تکامل، یا خسران و عقب ماندگی آنها می‌گردد. اگر پیروز شویم به مرحله‌ی بالاتر راه می‌یابیم و با امتحان جدیدتری روبه‌رو می‌شویم. درست مانند دانش‌آموزی که در طول هر سال آزمایش می‌شود تا به کلاس بالاتر راه یابد.

امام صادق (ص) می فرماید:

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُ بِمَنْزِلَةِ كِفَّةِ الْمِيزَانِ كُلَّمَا زِيدَ فِي إِيمَانِهِ زِيدَ فِي بَلَاءِهِ

به راستی که مؤمن به منزله‌ی کفه‌ی ترازوست هر اندازه

ایمانش افزوده شود، امتحانش نیز سنگین تر می‌شود.

كُلَّمَا نُمِدُّ هُوْلَاءِ وَهُوْلَاءِ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَمَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ  
مَحْظُوْرًا

سنت امداد «نُمِدُّ - مَحْظُوْرًا»

**امداد الهی:** در برابر دعوت انبیاء، مردم دو دسته می شوند:  
دسته ای به ندای حقیقت پاسخ مثبت می دهند و هدایت الهی  
را می پذیرند و دسته ای لجاجت ورزیده و در مقابل  
حق می ایستند. سنت الهی این است که هر کس  
با اراده و اختیار خود، راه حق یا باطل را برگزیند،

شرایطی برای او فراهم شود که در مسیری که در پیش گرفته، به پیش رود و سرشت خود را آشکار کند. یعنی خداوند برای هر دو گروه امکانات و لوازم رسیدن به خواسته ها و هدف هایشان را فراهم می کند. در حقیقت، کسی که راه حق را برمی گزیند، مورد لطف خداوند قرار می گیرد و مراتب کمال را می پیماید و افرادی که فقط خواهان دنیا هستند

و برای آن می دوند، آن را به دست می آورند. البته اینان عواقب زیانبار این تصمیم را در آخرت مشاهده خواهند کرد.

بنابراین روی آوردن دنیا و لذت های دنیایی به برخی انسان های گناه کار نشانه ی مورد لطف خدا قرار گرفتن آنان نیست. زیرا از نعمت بی پایان الهی محروم مانده اند.

وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ.

سنت توفیق الهی

**توفیق الهی: امداد خاص** خدای متعال نسبت به آنان که با

**نیت پاک، قدم در راه حق** گذارند، و سعادت جهان آخرت و

رضایت پروردگار را هدف خود قرار دهند « توفیق الهی »

نام دارد.

یعنی همراه با سعی و تلاشی که انسان از خود نشان می دهد، خداوند نیز شرایط و اسباب را چنان فراهم می سازد که وی بتواند آسان تر به مقصد برسد. یکی از جلوه های این توفیق، نصرت و هدایت الهی به دنبال تلاش و مجاهدت است. خداوند، انسان تلاشگر و مجاهد را حمایت می کند، دست او را می گیرد و با پشتیبانی خود به پیش می برد.

در حقیقت، انسانِ حق‌گرا، خود را با نظام حاکم بر جهان که نظامی حق است، هماهنگ کرده و در نتیجه نظام خلقت به او کمک می‌کند و یک قدمش به اندازه‌ی ده‌ها قدم نتیجه می‌دهد. برای مثال، قرآن کریم وعده می‌دهد که بیست نفر یا صد نفر انسان تقوای‌پیشه و شکیب‌بر دویست نفر یا هزار نفر از کفار پیروز می‌شوند.



وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُمَلِّي لَهُمْ خَيْرًا لِّأَنفُسِهِمْ إِنَّمَا نُمَلِّي

لَهُمْ لِيَزِدَادُوا إِثْمًا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ

سنت املاء و امهال «كَفَرُوا - نُمَلِّي - لِيَزِدَادُوا إِثْمًا»

**سنت املاء و امهال:** آنان که راه باطل را برمی‌گزینند و با **حق عناد و دشمنی** می‌ورزند، خداوند به آنها مهلت و فرصت زندگی می‌دهد ولی آنها این فرصت را وسیله‌ی غوطه‌ور شدن در تاریکی‌ها قرار می‌دهند؛ به طوری که اگر در ابتدا اندک امیدی وجود داشت که نور حقی در دل آنها بتابد، به تدریج چنین امیدی بر باد رفته و به شقاوت ابدی گرفتار خواهند شد.

در حقیقت، مهلت ها و امکانات، با اختیار و اراده ی خودشان به صورت بلای الهی جلوه گر شده و باعث می شود که بار گناهان آنان هر روز سنگین و سنگین تر شود. این سنت، که از جمله سنت های حاکم بر زندگی گناه کاران است، سنت « املاء » یا « امهال » نام دارد.

وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ وَأُمْلِي

لَهُمْ إِنْ كَيْدِي مَتِينٌ

سنت استدراج «كَذَّبُوا - سَنَسْتَدْرِجُهُمْ»

## سنت استدراج:

گاهی خداوند علاوه بر مهلت دادن، بر امکانات گمراهان می‌افزاید و آنها با استفاده از همین امکانات، و با اصرار خود بیشتر در فساد فرو می‌روند و قدم به قدم از انسانیت فاصله گرفته، و به تدریج به سوی هلاکت ابدی نزدیک تر می‌شوند. چنین حالت تدریجی در حرکت به سوی عذاب الهی را سنت «استدراج» می‌خوانند.

مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى إِلَّا

مِثْلَهَا وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ

سنت تفاوت در پاداش و کیفر

## تفاوت در پاداش و کیفر :

با آنکه براساس عدل، خداوند باید به همه ی بندگان براساس میزان اعمالشان پاداش یا جزا دهد، اما از آن جا که خداوند با فضل خود با بندگان رفتار می کند، کار نیک را چند برابر و کار بد را فقط به اندازه ی خودش پاداش و جزا می دهد.

وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ

وَالْأَرْضِ وَلَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ

سنت تأثیر نیکی ها و بدی ها در سرنوشت



## تأثیر نیکی یا بدی در سرنوشت:

رهنمودهای پیشوایان دین به ما می آموزند که زندگی ما به شدت تحت تأثیر رفتارهای ماست. به طور مثال، نیکوکاری یا گناه از جمله عوامل مؤثر در طول عمر یا کوتاهی آن هستند.

امام صادق (ع) می فرماید:

مَنْ يَمُوتُ بِالذُّنُوبِ أَكْثَرُ مِمَّنْ يَمُوتُ بِالْأَجَالِ وَ مَنْ يَعِيشُ

بِالْإِحْسَانِ أَكْثَرُ مِمَّنْ يَعِيشُ بِالْأَعْمَارِ

کسانی که به واسطه ی گناه می میرند از کسانی که به

واسطه ی سرآمد عمرشان می میرند، بیشترند.

و کسانی که به سبب نیکوکاری زندگی دراز دارند، از

کسانی که به عمر اصلی زندگی می کنند، بیشترند.

دعا نیز می تواند سبب بسیاری از خوبی ها و مانع بسیاری از بلاها گردد، البته در صورتی که دعا با شرایط واقعی آن انجام شود و چیزی که انسان از خداوند درخواست می کند، در نهایت به ضرر او تمام نشود. این سنت، یک سنت اجتماعی نیز هست. جامعه ای که در مسیر خوبی ها گام بردارد، درهای رحمت الهی را به روی خود می گشاید و جامعه ای که به گناه آلوده شود، به برخی عذاب ها گرفتار خواهد شد.

## چند نکته:

۱- پس از جنگ صفین و در راه بازگشت از جنگ، مردی از امام علی (ع) ، سؤال کرد، آیا رفتن به جنگ بنا بر قضا و قدر الهی بود؟

آن حضرت پاسخ داد: « آری، از هیچ تپه ای بالا نرفتید و در هیچ وادی سرازیر نگشتید ، مگر به قضا و قدر الهی»  
آن مرد پرسید: «پس رنج های ما در این سفر آیا به حساب خدا گذاشته خواهد شد و نباید انتظار پاداشی داشته باشیم؟» (این همان برداشت نادرست از قضا و قدر است که امروزه نیز گاه مشاهده می شود.)

امام (ع)، فرمود: «خداوند به شما سه اجر بزرگ عنایت فرموده، اجر رفتن به جنگ، زیرا با اراده ی خود رفتید؛ اجر حضور در جبهه، زیرا به اراده ی خویش در آن جا حضور داشتید؛ اجر بازگشت از نبرد، زیرا به اراده ی خود بازگشتید و در هیچ یک از این مراحل مجبور نبودید»

سپس امام (ع) ، به برداشت ناصحیح از قضا و قدر که در  
ذهن آن مرد بود، اشاره کرد و فرمود:

« شاید از این که گفتم رفتنتان بنا بر قضا و قدر الهی بود،

گمان کردی قضا و قدر، جبری و حتمی بود؟

اگر اعمال مردم بر این گونه بود، پاداش و مجازات، بیهوده و

باطل می شد. »

۲- یکی از مسائل طرح شده این است که « اگر خدا از قبل سرنوشت و آینده ی مرا می داند تلاش و اراده ی من دیگر نمی تواند نقشی در آینده ام داشته باشد. اگر من تلاشی بکنم، چون در علم خداوند شکست من آمده، تلاشم به جایی نخواهد رسید، و اگر هم علم خداوند بر موفقیتم باشد، نیازی به تلاش ندارم.»



چنین برداشتی از علم الهی، ناشی از قیاس کردن خدای  
متعال با انسان و کارهای اوست، که از لغزش گاه های انسان  
است و قرآن کریم پیوسته در این باره هشدار می دهد.  
در این برداشت، فرض بر این بوده است که خداوند فقط  
پایان و نتیجه ی فرایند را می داند و از خود فرایند و  
حوادث آن آگاه نیست.

علم خداوند منحصر به نتیجه ی پایانی فرایند نیست، بلکه به سلسله ی تصمیم ها و عوامل دیگر مؤثر در آن فرایند نیز متعلق است. در حقیقت، علم خداوند، براساس علم به تمام عوامل و جزئیات است، نه یک پیش بینی صرف درباره ی نتیجه.

۱- آیات شریفه ی: «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا»  
و «قُلْ لَّا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَمَن يَقْتَرِفْ  
حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا» به ترتیب اشاره به کدام سنت های  
الهی دارد. (تألیفی)

(۱) اختیار - تفاوت در پاداش و کیفر

(۲) امداد - تفاوت در پاداش و کیفر

(۳) اختیار - تأثیر نیکی در سرنوشت انسان

(۴) امداد - تأثیر نیکی در سرنوشت انسان

گزینه « ۲ » صحیح است

۲- « افزایش امکانات گمراهان » و آیات شریفه « أَمْلِي لَهُمْ

إِنْ كَيْدِي مَتِينٌ » و « لَكِنْ كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ » به ترتیب اشاره

به کدام سنن الهی دارد؟ (تألیفی)

(۱) املاء - استدراج - تأثیر نیکی و بدی در سرنوشت انسان

(۲) استدراج - املاء - استدراج

(۳) استدراج - استدراج - تأثیر نیکی و بدی در سرنوشت

انسان

(۴) املاء - املاء - استدراج  
گزینه « ۳ » صحیح است

۳- سنت های « توفیق الهی - امداد - استدراج - ابتلاء » به

ترتیب چه سنت هایی هستند؟ (تألیفی)

(۱) عام - خاص - خاص - خاص

(۲) خاص - عام - عام - خاص

(۳) خاص - عام - خاص - خاص

(۴) خاص - عام - خاص - عام

گزینه « ۴ » صحیح است

۴- سنت مربوط به «کسانی که با حق عناد و دشمنی دارند» و «افزایش امکانات گمراهان» و «امداد خاص خداوند» و «دعا کردن» به ترتیب اشاره به کدام سنت های الهی دارد؟ (تألیفی)

(۱) امهال - املاء - ابتلاء - تفاوت در پاداش و کیفر  
(۲) املاء - امهال - توفیق الهی - تأثیر نیک یا بدی در سرنوشت

(۳) امهال - استدراج - توفیق الهی - تأثیر نیکی یا بدی در سرنوشت

(۴) املاء - استدراج - ابتلاء - تفاوت در پاداش و کیفر  
گزینه «۳» صحیح است

۵- کلمات و مفاهیم «نُمَلِي - يُفْتُنُونَ - لِيَزِدَادُوا إِثْمًا - أُمَلِي

- كَذَّبُوا» به ترتیب یاد آور کدام سنت الهی است؟

(تألیفی)

(۱) املاء - ابتلاء - امهال - استدراج - استدراج

(۲) امهال - امتحان - املاء - استدراج - املاء

(۳) استدراج - ابتلاء - استدراج - املاء - املاء

(۴) استدراج - آزمایش - امهال - امهال - استدراج

گزینه «۱» صحیح است

۶- عبارات « لجاجت در برابر دعوت انبیا - عناد و دشمنی با حق - افزودن امکانات گناهکاران - امداد خاص - حمایت کردن از انسان تلاشگر » به ترتیب یادآور کدام یک از سنت های الهی است؟ (تألیفی)

(۱) امداد - املاء - استدراج - توفیق الهی - توفیق الهی

(۲) امداد - امهال - استدراج - توفیق الهی - امداد عام

(۳) املاء - املاء - امهال - امداد - توفیق الهی

(۴) امهال - امهال - استدراج - امداد عام - امداد خاص

گزینه «۱» صحیح است



۷- آیات شریفه « الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ » و « إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا » به ترتیب منادِیگر سنت ..... و ..... و آیه ..... در تقابل با آیه « لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ » می باشد. (تألیفی)

(۱) توفیق الهی - توفیق الهی - نخستین

(۲) توفیق الهی - امداد الهی - نخستین

(۳) امداد الهی - توفیق الهی - اولین

(۴) توفیق الهی - امداد الهی - دومین **گزینه «۲» صحیح است**

۸- آیات شریفه «لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَىٰ وَزِيَادَةٌ وَلَا يَرْهَقُ وُجُوهَهُمْ قَتَرٌ وَلَا ذِلَّةٌ .....» و «ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً .....» به ترتیب اشاره به سنت ..... و ..... دارد. (تألیفی)

(۱) تفاوت در پاداش و کیفر - تأثیر بدی ها در سرنوشت انسان  
(۲) تفاوت در پاداش و کیفر - تأثیر خوبی ها در سرنوشت انسان  
(۳) تأثیر خوبی ها در سرنوشت انسان - تأثیر بدی ها در سرنوشت انسان

(۴) تأثیر خوبی ها در سرنوشت انسان - تفاوت در پاداش و کیفر

گزینه «۱» صحیح است

- ۹- عبارت « عامل ظهور و بروز استعدادهای انسان » و « برگزیدن راه حق یا باطل به اختیار خود » و « پیروزی بیست نفر تقوایپیشه و شکیباً بر دویست نفر » و « دعا که مانع بسیاری از بدی هاست » به ترتیب اشاره به کدام سنت الهی دارد؟ (تألیفی)
- (۱) آزمایش و امتحان - امداد الهی - امداد الهی - تفاوت در پاداش و جزا
- (۲) ابتلاء و آزمایش - امداد الهی - توفیق الهی - تأثیر خوبی ها در سرنوشت انسان
- (۳) توفیق الهی - توفیق الهی - امداد الهی - تأثیر خوبی ها در سرنوشت انسان
- (۴) امتحان و آزمایش - توفیق الهی - توفیق الهی - تفاوت در پاداش و جزا
- گزینه «۲» صحیح است

- ۱۰- حدیث امام صادق (ع) که می فرمایند: « مَنْ يَمُوتُ بِالذُّنُوبِ أَكْثَرُ مِمَّنْ يَمُوتُ بِالْأَجَالِ ..... » مربوط به ..... است و آیه شریفه ..... به آن ارتباط معنایی دارد؟ (تألیفی)
- (۱) تأثیر نیکی یا بدی در سرنوشت - وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِمُ .....
- (۲) تفاوت پاداش و کیفر - مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا.....
- (۳) تأثیر نیکی یا بدی در سرنوشت - مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا.....
- (۴) تفاوت پاداش و کیفر - وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِمُ .....
- گزینه «۱» صحیح است

# دین و زندگی

جلسه شانزدهم

« درس هفتم »

« بازگشت = توبه = »

« انقلاب علیه خوددانی »

خدای متعال به حضرت داود (ع) فرمود:

ای داود، اگر روی گردانان از من چگونگی انتظارم برای  
آنان، مدارایم با آنان و اشتیاق مرا به ترک معصیت هایشان  
می دانستند، بدون شک از شوق آمدن به سوی من  
می مردند و بندبند وجودشان از محبت من از هم  
می گسست.

۱- اگر انسان گناهکار استغفار

کند خدا را آمرزنده می یابد.

۲- مرحله ی اول توبه

« یَسْتَغْفِرُ » .

وَمَنْ يَعْمَلْ سُوءًا

أَوْ يَظْلِمَ نَفْسَهُ

ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ

علت

يَجِدِ اللَّهَ غَفُورًا رَحِيمًا { معلول



۱- تاب (برای انسان به کار

می رود.) بازگشت از گناه به

سوی فرمان برداری از خداوند.

۲- یتوب (برای خدا به کار

می رود.) بازگشت از عقوبت و

عذاب به سوی لطف و آمرزش.

فَمَنْ تَابَ

مِنْ بَعْدِ ظُلْمِهِ

علت

وَ أَصْلَحَ

فَإِنَّ اللَّهَ يُتُوبُ عَلَيْهِ

معلول

إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

۱- توبه و ایمان و عمل صالح باعث تبدیل گناهان به حسنات می شود.

إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا

علت

۲- تکفیر گناهان

۳- ارتباط معنایی با حدیث

« التوبه تطهر القلوب و تغسل

فَأَوْلَئِكَ يُدِلُّ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ

معلول

الذنوب » .

وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا

## انقلاب علیه خود

در میان موجودات پیرامون ما، گیاهان، به میزانی اندک، و حیوان ها، قدری بیشتر، می توانند در برابر موانع بیرونی جهت خود را تغییر دهند و مسیر حرکت را عوض کنند. اما هیچ کدام از این ها توانایی آن را ندارند که علیه خود و تمایلات درونی کاری انجام دهند.

انسان، تنها موجودی است که هم می تواند با گناه به خود ستم کند و هم علیه خواسته های زشت خود قیام کند و انقلاب نماید.

مانند ماجرای بُشر بن حارث معروف به بُشر حافی که در  
زمان خود در زمره اشراف زادگان و عیّاشان بود که با توبه  
در سلک مردان پرهیزگار و خداپرست درآمد.  
وجود ما با گرایش به خدا و محبت به او و گرایش به  
زیبایی ها و کمالات متعالی سرشته است.  
همه ی ما پیوند قلبی میان خود و خدا را احساس می کنیم  
و رشته ی محبّتی را که او بر گردن ما بسته است،  
می یابیم.

« خدایی » شدن آرزوی ما و در کنار او آرام گرفتن مقصد و مأوای ماست. البته گرایش و شوق ما به دیدار خداوند، با اشتیاق او به رستگاری و سعادت ما قابل مقایسه نیست. او با لطف و مهربانی بی پایان خود همه ی ابزارهای رستگاری و کمال را برای ما مهیا ساخته و کوچک ترین همت ما را با پاداش های بزرگ پاسخ می دهد. کافی است ما قدمی به سوی او برداریم تا شتابان به سوی ما آید. او در انتظار ما و مشتاق ملاقات ماست.

## ناسپاسی

با وجود چنین رابطه ای میان خالق و مخلوق، گاهی آدمی حرمت خدای خود را می شکند، گام در مسیر ناسپاسی می گذارد و خود را به گناهان آلوده می کند و از مسیر رستگاری دور می شود. گاهی نیز حرمت شکنی به تدریج افزایش می یابد و دامنه ی گناه آنچنان گسترده می شود که چراغ عقل و فطرت به خاموشی می گراید؛ در این صورت، جهت الهی زندگی عوض می شود و آدمی، پشت به خدا، به سوی که شیطان وسوسه اش می کند، قدم برمی دارد.

اگر انسان هنگامی که اولین گناهان را مرتکب می شود،  
شخصیت آلوده و وحشتناک فردای خود را ببیند، به شدت  
از آن بیزاری می جوید و دوری می کند. اما پس از آن که  
در آن گرفتار آمد و خود را بدان عادت داد، آن تنفر اولیه  
را نیز فراموش می کند. «توجیه» گناه و «عادت» به آن،  
از پرتگاه های خطرناک سقوط در وادی ضلالت است.

میزان تأثیر گناهان یکسان نیست. برخی گناهان تأثیرشان ضعیف، و برخی شدید و شدیدتر است. گناهان بزرگ به سرعت آدمی را از مسیر توحید و اخلاص خارج و گرفتار شیطان و هوس های شیطانی می کند.

دروغ، ظلم به مردم، پذیرش ظلم و پشتیبانی از ظالم، کسب مال حرام، فسادهای اخلاقی، شراب خواری، روابط نامشروع جنسی، تهمت، ترک عبادت هایی چون نماز و روزه از این قبیل گناهان هستند.



برخی از این ها، هم زندگی دنیایی فرد را تباه می کنند، هم در نسل های آینده ی او اثر می گذارند و هم عذاب های شدید اخروی را در پی دارند.

نکته ی تلخ تر و رنج آورتر، غفلت از نگاه خداوند به انسان ها، در هنگام ارتکاب گناه است. آیا می شود در زیر نگاه خدای بینا، دست به گناه آلوده کرد اما ردپایی از شرمساری و خجالت در قلب آدمی ظاهر نشود؟ چگونه جرأت می کنیم و چنین اجازه ای به خود می دهیم؟!

امام صادق (ع) به یکی از یاران خود فرمود:  
چنان از خدا خوف داشته باش که گویی او را می بینی. پس  
اگر تو او را نمی بینی، او تو را می بیند. اگر فکر کنی او تو  
را نمی بیند، کفر ورزیده ای و اگر بدانی که او تو را می بیند  
و در عین حال در مقابل او گناه می کنی، او را خوارترین  
بینندگان به خود قرار داده ای!

## حقیقت توبه

توانایی انقلاب علیه خود که حاصل پشیمانی از گذشته است، به انسان امکان می دهد راه رفته را باز گردد و فرصت های از دست داده را جبران نماید. این موهبت بسیار گرانبهائی است که خداوند به بندگان هدیه کرده و دروازه ی رحمتی است که بر روی بندگان گشوده و نام آن را « توبه » گذاشته است.

توبه یعنی بازگشت و در مورد بندگان به معنای بازگشتن از گناه به سوی فرمان برداری از خداوند است.

البته این کلمه در قرآن کریم برای خداوند هم به کار می رود که در این صورت، به معنای بازگشت لطف و آمرزش الهی به انسان توبه کار است.

## توبه و پاکی

گناه، آلودگی است و توبه، پاک شدن از آلودگی هاست.  
توبه گناهان را از قلب خارج می کند و آن را شست و شو  
می دهد. این عمل را « پیرایش » یا « تخلیه » می گویند.  
امیر مؤمنان (ع) می فرماید:

التَّوْبَةُ تُطَهِّرُ الْقُلُوبَ

توبه دل ها را پاک می کند

و تَغْسِلُ الذُّنُوبَ

و گناهان را می شوید

به همین دلیل است که رسول خدا (ص) می فرماید:

التَّائِبُ مِنَ الذَّنْبِ      کسی که از گناه توبه کرده

كَمَنْ لَا ذَنْبَ لَهُ      مانند کسی است که گناه نکرده است.

## مراحل توبه

توبه صرفاً یک کار ظاهری و لفظی نیست، بلکه تحوّل درونی و قلبی است که آثار گناه را محو می کند. این تحوّل درونی بنابر کلام امام علی (ع) دارای مراحل زیر است:

**مرحله ی اوّل : پشیمانی از گذشته.** پشیمانی حالتی درونی است که شخص را دچار اندوه و حسرت می کند و شیرینی گناه را به تلخی تبدیل می سازد. تا وقتی شیرینی گناه در جان آدمی باقی است و از خاطره ی آن احساس لذت می کند، توبه آغاز نشده است.

آمده است که یکی از پیامبران برای قبول توبه ی فردی از بنی اسرائیل، به درگاه خداوند شفاعت کرد. خدای متعال به او فرمود: « به عزتم سوگند اگر همه ی اهل آسمان ها و زمین برای وی شفاعت کنند، تا زمانی که شیرینی گناه در دلش باقی است، توبه اش را نپذیرم. »

توبه بر لب، سُبْحه بر کف، دل پر از شوق گناه

معصیت را خنده می آید ز استغفار ما



روشن است که اگر انسان، پس از انجام توبه، هنوز از گناه خود خوشش بیاید و از آن احساس لذت کند، در واقع هنوز پشیمان نشده و صرفاً ادعای پشیمانی کرده است. این مرحله ی توبه معمولاً با استغفار همراه است و انسان توبه کار با عبارت هایی مانند « اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ » پشیمانی خود را ابراز می کند.

**مرحله ی دوم : تصمیم بر تکرار نکردن گناه قدم دوم در**

توبه آن است که شخص تائب، تصمیم جدی بر ترک گناه

بگیرد. اظهار ندامت ظاهری و گفتن کلمه ی استغفار، در

حال تکرار مداوم گناه، نه تنها پذیرفته نیست، بلکه

استغفار را بی خاصیت می کند.

اثر بدتر چنین استغفاری در کلام امام رضا (ع) آمده که  
فرموده است:

الْمُسْتَغْفِرُ مِنَ الذَّنْبِ  
و يَفْعَلُهُ  
كَالْمُسْتَهْزِي بِرَبِّهِ  
کسی که از گناه استغفار کند  
و در عین حال، انجامش دهد  
مانند کسی است که پروردگارش را  
مسخره کرده است.

**مرحله ی سوم : جبران حقوق مردم** با این که با دو مرحله ی قبل، عادت به گناه از بین می رود، اما برخی از گناهان را که به حق الناس مربوط بوده، جبران نمی کند. از این رو فرد باید ستمی را که بر مردم کرده جبران نماید و حقوق مادی یا معنوی آنها را در حد توان ادا کند و رضایت صاحبان حق را به دست آورد و اگر به آنان دسترسی ندارد، در حق آنان صدقه دهد و برایشان دعای خیر نماید.

توجه کنیم که حقوق مردم منحصر در حقوق مادی آنها نیست، مردم بر یکدیگر حقوق معنوی هم دارند که بسیار مهم تر از حقوق مادی است. اگر با دروغ، غیبت و تهمت آبروی انسانی ریخته شده، اگر قلب پدر یا مادری بر اثر بی حرمتی فرزندی شکسته شده، اگر با توزیع کتاب یا فیلم گمراه کننده، فساد و تباهی در جامعه گسترش یافته، اگر رفتار ناپسند برخی افراد سبب بدبینی دیگران به دین شده، در واقع حقوق معنوی افراد ضایع شده است و باید فرد توبه کننده با تمام وجود به جبران حقوق از دست رفته بپردازد.

**مرحله ی چهارم : جبران حقوق الهی حق دیگر، حق خداوند**  
بر مردم است که مهم ترین آن، حق اطاعت و بندگی اوست.  
توبه کننده باید بکوشد کوتاهی های خود در پیشگاه خداوند  
را جبران کند، برای مثال، نمازها یا روزه های از دست داده را  
قضا نماید و عبادت های ترک شده را به جا آورد.  
البته خداوند نسبت به بندگان خود مهربان است و اگر ببیند  
که شخص توبه کار حداکثر تلاش خود را کرده و نتوانسته  
همه ی گناهان را جبران کند، بقیه ی موارد را خود جبران و  
او را عفو می کند.

## توبه ی اجتماعی

همان طور که توحید عبادی دو جلوه دارد، جلوه ای در فرد و جلوه ای در جامعه، توبه نیز این گونه است. آن چه تاکنون گفته شد، مربوط به توبه ی فردی بود. اما اگر جامعه ای در برخی از ابعاد از مسیر توحید و اطاعت از خداوند خارج شود، نیازمند بازگشت به مسیر توحید و اصلاح اجتماعی است؛ یعنی نیازمند توبه است.

انحراف های اولیه ی اجتماعی باید در همان مراحل ابتدایی خود اصلاح شوند تا گسترش نیابند و ماندگار نشوند.

ربا خواری، رشوه گرفتن، بی توجهی به عفاف و پاکدامنی،  
ظلم کردن و ظلم پذیری و اطاعت از غیر خدا، از جمله ی  
این بیماری ها و انحراف هاست.

راه اصلاح و معالجه ی جامعه از این بیماری ها انجام دادن  
وظیفه ی امر به معروف و نهی از منکر است. اگر مردم در  
انجام این وظیفه کوتاهی کنند، گناهان اجتماعی، قوی تر و  
محکم تر می شوند و تمام سطوح جامعه را در بر می گیرند.



در واقع اگر مردم در برابر اولین نمودهای گناه حساسیت نشان دهند و در برابر آن بایستند و بکوشند که جامعه را به وضع اعتدال باز گردانند، به آسانی می توانند مانع گسترش آن شوند. اما اگر مردم کوتاهی کنند و اقدامات دلسوزان جامعه به جایی نرسد و به تدریج انحراف از حق ریشه بدواند، اصلاح آن مشکل می شود و تلاش های بزرگ و فعالیت های ایثارگرانه می طلبد؛

تا آن جا که ممکن است نیاز باشد انسان های بزرگی جان و

مال خود را تقدیم کنند تا جامعه را از تباهی مطلق برهانند

و مانع خاموشی کامل نور هدایت شوند. مانند قیام امام

حسین (ع).

## تا چه زمانی برای توبه کردن مهلت داریم؟

پاسخ این سؤال را با ذکر کلامی از امیرمؤمنان آغاز می‌کنیم؛ آن حضرت در پاسخ کسی که از او موعظه‌ای درخواست کرد، فرمود:

از کسانی مباش که بدون عمل دل به آخرت بسته و به واسطه‌ی آرزوی طولانی، توبه را به تأخیر انداخته است؛ درباره‌ی دنیا زاهدانه سخن گوید، اما هم چون دنیا دوستان عمل کند...»

در پاسخ به این سؤال می‌گوییم، گرچه تمام طول عمر ظرف زمان توبه است و تا لحظه‌ی مرگ می‌توان توبه کرد، اما بهترین زمان برای توبه، دورانی است که توبه آسان تر و جبران گذشته راحت تر است. بر این اساس، باید به چند نکته توجه کنیم.

**۱- از آن جا که دوره‌ی جوانی دوره‌ی انعطاف‌پذیری، تحوّل و دگرگونی و دوره‌ی پیری دوره‌ی کم‌شدن انعطاف، تثبیت خوی‌ها و خصلت‌ها است، اگر در دوره‌ی جوانی خصلت‌هایی در انسان پدید آمد، خارج کردن آن خصلت‌ها در پیری بسیار سخت و طاقت‌فرسا خواهد بود.**

خصلت های ناپسندی که در ما پدید می آیند، شبیه طناب هایی هستند که بر پای انسان بسته می شوند یا شبیه تورهایی هستند که آدمی را در دام خود گرفتار می سازند؛ هر قدر که زمان می گذرد، آن طناب ها و تورها محکم تر می شوند و اراده ی آدمی ضعیف تر می گردد و پاره کردن آنها بسیار سخت و گاه نزدیک به محال می شود.

۲- خوش گذرانی در دوره ی جوانی به امید توبه کردن در دور ان پیری، حيله ی خطرناک شیطان است. زیرا:

**اوّلًا،** پیری محصول کشت جوانی است. چند نفر گناه کار سراغ دارید که در پیری توانسته باشند خود را متحول سازند؟ هرکس در پیرامون خود بنگرد می بیند که چنین افرادی بسیار نادر و محدودند.

**ثانیاً،** چه تعداد از آدم های گناه کار به پیری رسیده اند تا فرصت توبه پیدا کنند؟

**ثالثاً،** فریب بزرگ شیطان این است که لذت گناه را برتر از خوشی و لذت اطاعت از فرمان الهی جلوه می دهد. آدم های زیرک و هوشیار، گول این فریب را نمی خورند.

آنان که خوشی و لذت را از راه گناه جست و جو می کنند، در همان حال لذت گناه، با نگرانی های روحی و روانی درگیر می شوند که نمی گذارند لذت گناه کام آنان را شیرین کند. اما چون از حقیقت مطلب غافلند، برای رفع آن رنج های روحی و روانی، خود را سرگرم گناهان بزرگ و بزرگ تر می کنند تا این که سرانجام به طور کامل در منجلاب فساد غرق می شوند و راهی برای بیرون آمدن نمی یابند. اما خداوند برنامه ی زندگی را برای مؤمنان به گونه ای تنظیم کرده که هم از لذت های عالی معنوی برخوردار شوند و هم بی دغدغه ی گناه و به دور از رنج های روانی، از لذت های مادی و طبیعی نیز بهره ببرند.

- ۱- دروغ، ظلم پذیری، غیبت و رباخواری، به ترتیب از گناهان  
..... ، ..... ، ..... می باشد و راه اصلاح و معالجه ی جامعه  
از این بیماری ها انجام ..... است. (سراسری تجربی ۹۱)
- (۱) فردی - اجتماعی - فردی - اجتماعی - توبه ی فردی و  
اجتماعی
- (۲) فردی - اجتماعی - اجتماعی - اجتماعی - توبه ی فردی و  
اجتماعی
- (۳) فردی - اجتماعی - اجتماعی - اجتماعی - امر به معروف و نهی  
از منکر
- (۴) فردی - اجتماعی - فردی - اجتماعی - امر به معروف و نهی  
از منکر
- گزینه «۴» صحیح است



۲- « بازگشت از گناه به سوی فرمان برداری از خداوند » و  
« بازگشت لطف و آمرزش به انسان » به ترتیب حکایت گر  
توبه ی ..... و ..... است که پیام آیه ی شریفه ی  
..... بیانگر آن است. (سراسری انسانی ۹۱)

(۱) خدا - انسان - « فَمَنْ تَابَ مِنْ بَعْدِ ظُلْمِهِ وَ اصْلَحَ فَإِنَّ  
اللَّهَ يَتُوبُ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ »

(۲) انسان - خدا - « فَمَنْ تَابَ مِنْ بَعْدِ ظُلْمِهِ وَ اصْلَحَ فَإِنَّ  
اللَّهَ يَتُوبُ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ »

(۳) انسان - خدا - « مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا

فَأُولَئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ »

(۴) خدا - انسان - « مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا

فَأُولَئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ »

گزینه «۲» صحیح است

۳- شست و شوی گناهان از درون آلوده ی انسان گنه کار، توبه نام دارد که به ..... تعبیر می شود و کمک کننده به چنین تأثیری ..... است و پیام «**الْمُسْتَغْفِرُ مِنَ الذَّنْبِ وَ يَفْعَلُهُ كَالْمُسْتَهْزِءِ بِرَبِّهِ**» این است که یک مرحله از مراحل توبه ..... است. (سراسری ریاضی ۹۰)

- (۱) تخلیه - ایمان و عمل صالح - جبران حقوق مردم
  - (۲) پیرایش - ایمان و عمل صالح - تصمیم بر تکرار نکردن گناه
  - (۳) تخلیه - پشیمانی از گذشته - جبران حقوق مردم
  - (۴) پیرایش - پشیمانی از گذشته - تصمیم بر تکرار نکردن گناه
- گزینه «۲» صحیح است

۴- مفهوم این سخن امام رضا (ع) که فرموده است:

« الْمُسْتَغْفِرُ مِنَ الذَّنْبِ وَ يَفْعَلُهُ كَالْمُسْتَهْزِءِ بِرَبِّهِ » آن جا محقق

می شود که ..... واقعیت نیافته باشد.

(سراسری انسانی ۹۰)

(۱) تصمیم بر تکرار نکردن گناه

(۲) جبران حقوق مردم

(۳) پشیمانی از گذشته ی گناه آلود

(۴) جبران حقوق مسلم خالق متعال

گزینه «۱» صحیح است

۵- اعتقاد به « نحن اقرب اليه من جبل الوريد » و تن به گناه دادن به بیان امام صادق (ع)، خدا را ..... است که لازمه ی آن اعتقاد، ..... می باشد. (سراسری هنر ۹۰)

(۱) خوارترین بینندگان قرار دادن - شوق

(۲) حاضر و ناظر بر امور بندگان ندانستن - خوف

(۳) خوارترین بینندگان قرار دادن - خوف

(۴) حاضر و ناظر بر امور بندگان ندانستن - شوق

گزینه «۳» صحیح است

۶- مفهوم این کلام امام رضا (ع) که فرموده است:  
«المُستَغْفِرُ مِنَ الذَّنْبِ وَ يَفْعَلُهُ كَالْمُسْتَهْزِءِ بِرَبِّهِ» با ..... که  
یکی از شرایط «شویندگی از گناه» می باشد. مناسبت  
دارد که مؤید آن آیه ی شریفه ی ..... می باشد.

(۱) تصمیم بر تکرار نکردن گناه - «الَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ  
عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ»

(۲) پشیمانی همراه با حسرت برطرف کننده ی لذت گناه -  
«الَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ  
سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ»

(سراسری زبان ۹۰)

۳) پشیمانی همراه با حسرت برطرف کننده ی لذت گناه -

« وَمَنْ يَعْمَلْ سُوءًا أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ يَجِدِ اللَّهَ

غَفُورًا رَحِيمًا »

۴) تصمیم بر تکرار نکردن گناه - « وَمَنْ يَعْمَلْ سُوءًا أَوْ

يَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ يَجِدِ اللَّهَ غَفُورًا رَحِيمًا »

گزینه «۱» صحیح است

**۷- گرفتار آمدن جوامع به گناهان و انحراف هایی هم چون رشوه گیری، رباخواری، بی توجهی به عفاف و پاک دامنی نیازمند به توبه ی ..... و درمان بخش آن، عمل به وظیفه ی ..... است که بر دوش ..... نهاده شده است. (سراسری ریاضی ۸۹)**

(۱) اجتماعی - مبارزه با فساد اجتماعی - حاکمان جامعه

(۲) فردی - مبارزه با فساد اجتماعی - حاکمان جامعه

(۳) فردی - نظارت همگانی - عالمان به حلال و حرام

(۴) اجتماعی - نظارت همگانی - عالمان به حلال و حرام

**گزینه «۴» صحیح است**



۸- توجیه گناه و عادت به آن، از ..... و توبه گناهان را از قلب خارج می کند و آن را شست و شو می دهد. این عمل را ..... می گویند. به همین دلیل رسول خدا می فرماید:  
..... (سراسری انسانی ۸۹)

- (۱) پرتگاه های خطرناک سقوط در وادی ضلالت است -  
پیرایش - « التائب من الذنب کمن لا ذنب له »
- (۲) پرتگاه های خطرناک سقوط در وادی ضلالت است -  
تخلیه - « التوبة تطهر القلوب و تغسل الذنوب »

۳) گناهانی است که آدمی را از مسیر توحید خارج می کند

- پیرایش - « التائب من الذنب کمن لا ذنب له »

۴) گناهانی است که آدمی را از مسیر توحید خارج می کند

- تخلیه - « التوبة تطهر القلوب و تغسل الذنوب »

گزینه « ۱ » صحیح است

« درس هشتم »

« پایه های استوار »

گذر از عصر جاهلیت به عصر اسلام نیازمند تغییر در نگرش انسان ها و تحولی بنیادین در شیوه ی زندگی فردی و اجتماعی مردم بود. رسول خدا (ص) این رسالت بزرگ را از شهر مکه آغاز و با کمک یاران صمیمی خود در مدینه، پایه های تمدن اسلامی را چنین بنا نهاد:

**۱- در اولین روز دعوت مردم به رسالت آسمانی خود، در دامنه ی کوه صفا ایستاد و این گونه ندا سر داد:**  
**ای مردم بگوئید معبودی جز «الله» نیست، تا رستگار شوید.**

بدین ترتیب مبارزه ی با شرک، آغاز شد و محور رسالت رسول خدا (ص) قرار گرفت پیامبر اکرم (ص) در کنار دعوت به توحید، افق نگاه انسان ها را از محدوده ی تنگ دنیا فراتر برد، منکرین را با استدلال های محکم و آشکار، با حقیقت معاد آشنا ساخت و با عقاید خرافی پیرامون آن به مبارزه برخاست.

اعتقاد به توحید و آخرت موجب تغییر نگرش یاران و پیروان ایشان نسبت به جهان هستی، و تحول در شیوه ی زندگی آنان گشت. (معیار شماره ی ۱ و ۲)

مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا (علت)

فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

(معلول)

۱- توحید و معاد از معیارهای تمدن اسلامی.

۲- داشتن اجر و پاداش و نداشتن ترس و غم معلول ایمان

به خدا و آخرت است.

۳- شبیه به این آیه در درس ۵ سال دوم آمده است.

۲- رسول خدا (ص) آمده بود تا مردم را از حکومت و ولایت

طاغوت و ستمگران نجات دهد و نظامی اجتماعی بر پایه ی

قوانین الهی بنا کند، به طوری که روابط اجتماعی مردم بر

مبنای دستورات خداوند تنظیم شود و فرمانی جز فرمان

خداوند و کسی که خداوند تعیین کرده است، اطاعت

نگردد. (معیار شماره ی ۳)



يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ  
مِنْكُمْ

۱- آیه اطاعت

۲- در درس ۵ سال سوم این آیه آمده است.

۳- اطاعت از پیامبر و جانشینان او لازمه توحید عبادی  
است.

۳- از دیگر برنامه های مهم پیامبر اکرم (ص)، تبیین جایگاه خانواده، به عنوان کانون رشد و تربیت انسان های با فضیلت، حافظ عفاف و پاکدامنی، و مانع اصلی فساد و نابسامانی های اجتماعی بود. احیای منزلت زن و ارزش های اصیل او از عناصر اصلی این برنامه به شمار می رفت. در آن عصر زن کالایی در کنار سایر کالاها تلقی می شد و از کمترین حقوق، از جمله حق مالکیت برخوردار نبود و تولد دختر در خانواده سرافکنندگی آن خانواده را به دنبال داشت. در شرایطی که زن صرفاً به ابزاری برای هو سرانی های جنسی مرد تبدیل شده بود ،

رسول خدا(ص) با گفتار و رفتار خویش انقلابی عظیم پدید آورد. با گرویدن مردم به اسلام، زن منزلت انسانی خود را کسب کرد و استقلال مالی به دست آورد؛ حضور زن در جامعه با عفاف و پاکدامنی توأم شد، رابطه ی زناشویی به محیط خانواده اختصاص یافت و استفاده ی ابزاری از زن ملغی گردید تا خانواده کانون رشد فضایل اخلاقی، دوستی و مودت گردد و محیط جامعه از فساد و بی بندوباری محفوظ بماند و حریم عفاف و عزت زن حفظ شود. (معیار شماره ی ۴)

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ

بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ

۱- حکیمانه بودن خلقت « وَمِنْ آيَاتِهِ »

۲- یکسانی منزلت زن و مرد « مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا »

۳- این آیه در درس ۱۴، سال سوم آمده است.

۴- از اقدامات مهم رسول خدا (ص) ایجاد نگرشی جدید در جامعه بود که موجب تحوّل در روابط بین ملت ها گردید. تا پیش از آن، پادشاهان، رؤسای قبایل، اشراف و بزرگان، معمولاً روابط خود با دیگران را بیشتر براساس منافع مادی، زیر سلطه درآوردن قبایل و سرزمین های یکدیگر تنظیم می کردند و مردم را در جهت همین اهداف سوق می دادند.

رسول خدا این صف بندی ها و جبهه گیری ها را مردود اعلام کرد و آموخت که دو جبهه ای که واقعاً در مقابل یکدیگر قرار دارند، جبهه ی حق و جبهه ی باطل است. جبهه ی حق، جبهه ی یکتاپرستی، عدالت خواهی، کرامت های اخلاقی و در یک کلام، ولایت الهی است. مؤمنان ولایت الهی را پذیرفته و فرمانبردار خداوند هستند. جبهه ی باطل، جبهه ی مشرکان، ستمگران، مفسدان و به تعبیر دیگر، ولایت طاغوت و شیطان است.

بنابراین موضع گیری، رسول خدا (ص) از مسلمانان می خواهد که با هم کیشان خود در سراسر جهان پیوند برادری برقرار کنند و مانند اعضای یک خانواده از یکدیگر دفاع نمایند، با ظالمان و مفسدان مبارزه کنند و یار ستمدیدگان و مستضعفان باشند. (معیار شماره ی ۵)

مُحَمَّدٌ رَّسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ

۱- جبهه حق و باطل

۲- تولى «رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» تبری «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ»



۵- رسول خدا (ص)، تلاش می نمود انسان هایی تربیت کند که در عین توجه به رستگاری اخروی به عنوان هدف اصلی زندگی، برای رشد و تعالی زندگی دنیوی خود نیز تلاش کنند. افرادی که هم از زیبایی های جهان آفرینش و نعمت های خداوند بهره ی صحیح را می برند و هم با بندگی و راز و نیاز با خداوند متعال و پایبندی به اخلاق، خود را برای تقرب الهی و رستگاری جاودانه آماده می سازند.

انسان هایی که در عین توجه به معنویت و اخلاق، از جامعه کناره گیری نمی کنند و برای عزّت و آسایش مردم می کوشند و این را نیز وسیله ای جهت رستگاری خود قرار می دهند. بنابراین، جامعه ی اسلامی نه تنها با اخلاق ترین و معنوی ترین جامعه، بلکه باید آبادترین جامعه نیز باشد. رسول خدا (ص) افرادی را که به گوشه ی عبادتگاهی پناه می بردند و از مردم کناره گیری کرده، به زندگی خود و

خانواده بی توجه بودند، سخت مورد نكوهش قرار می داد و آنها را از خود نمی دانست. از طرف دیگر، افرادی را نیز که فقط به لذت های دنیایی سرگرم بودند یا فقط به جمع ثروت و کسب قدرت می پرداختند هواپرستانی می شمرد که به لذت اندک دنیا بسنده کرده و از لذات معنوی جاوید آخرت بازمانده اند. (معیار شماره ی ۶)

قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ  
هِيَ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَذَلِكَ  
نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ.

قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَّنَ وَ الْإِثْمَ وَ  
الْبَغْيَ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَ أَنْ تُشْرِكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزِّلْ بِهِ سُلْطَانًا وَ أَنْ  
تَقُولُوا عَلَيَّ اللَّهُ مَا لَا تَعْلَمُونَ.

۱- دیدگاه متعادل نسبت به نعمت های دنیوی و اخروی

۲- اعجاز محتوایی قرآن (جامعیت و همه جانبه بودن

قرآن)

۳- خداوند زینت های جهان را حرام نکرده است بلکه

خداوند گناهان را حرام کرده است.

۴- این دو آیه در درس ۱۲، سال دوم آمده است.

۶- رسول خدا (ص) دعوت خود را در جامعه ای آغاز کرد که نشانه هایی بسیار اندک از تعقل و تفکر و دانایی در آن یافت می شد. زندگی شان سرشار از خرافات و مظاهر جهل بود. گفته اند در میان این مردم فقط هفده نفر بودند که خواندن و نوشتن می دانستند. نبی اسلام (ص) آمد تا این آداب جاهلی را نابود کند و مردم را به سوی زندگی مبتنی بر تفکر و علم سوق دهد.

اولین آیاتی که بر رسول خدا (ص) نازل شد و آغازگر رسالت وی بود، درباره‌ی دانش و آموختن بود. «**اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ**»

دعوت به تفکر، تعقل، تدبر و خردورزی در جای جای این کتاب آسمانی مشاهده می‌شود. نزول تدریجی آیات قرآن کریم و دعوت مکرر این کتاب به خردورزی و دانش از یک طرف و تشویق های دائمی رسول خدا (ص) از طرف دیگر، سدّ جاهلیت و خرافه‌گرایی را شکست و یکی از جاهل‌ترین جوامع آن روز را مشتاق علم ساخت.

در حالی که در بزرگترین کشور متمدن آن روز، ایران، فقط

بخشی از مردم حق آموختن داشتند، رسول خدا (ص) : نه

تنها همه را دعوت به علم آموزی کرد، بلکه فرمود: « طلب

علم بر هر مرد و زن واجب است. » (معیار شماره ی ۷)



قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا  
يَتَذَكَّرُ أُولُوا الْأَلْبَابِ

۱- اهمیت علم و دانش آموزی

۲- عدالت خداوند

۳- اعجاز محتوایی قرآن (تأثیر ناپذیری از عقاید دوران  
جاهلیت)

۴- ارتباط معنایی با آیه «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ»

۷- آن حضرت تلاش کرد جامعه‌ای عدالت محور برپا نماید به طوری که در آن مظلوم به آسانی حق خود را از ظالم بستاند و امکان رشد برای همه‌ی انسان‌ها فراهم باشد، نه اینکه نعمت‌ها و ثروت‌های زمین در انحصار گروهی محدود باشد. ایشان از هر فرصتی برای رفع تبعیض‌های طبقاتی حاکم بر نظام جاهلی و برقراری فرهنگ برابری و مساوات در جامعه، کمال استفاده را می‌نمود و از هیچ تلاشی در این راه فروگذار نمی‌کرد.

یکی از جنبه های عدالت خواهی رسول خدا (ص) مبارزه با تبعیض نژادی و امتیازات اشرافی بود که در همه ی نقاط جهان، به خصوص در امپراتوری های بزرگ آن روز رواج داشت. ایشان همه ی امتیازات اشرافی را لغو کرد و هیچ قومی را بر قوم دیگر برتر ندانست. (معیار شماره ی ۸)

فَلِذَلِكَ فَادُعْ وَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَقُلْ  
آمَنْتُ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ وَأُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمْ اللَّهُ  
رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ ...

۱- این آیه اشاره به قلمرو اول رسالت (دریافت و ابلاغ  
وحی « فَادُعْ » و ولایت ظاهری « لِأَعْدِلَ » دارد.

۲- این آیه در اندیشه و تحقیق درس چهارم، سال سوم  
آمده است.

۱- « برقراری پیوند برادری با هم کیشان خود در سراسر جهان » و « اعلام سلطه ی علمی خداوند بر انسانیت انسان » به ترتیب، پیام دریافتی از کدام آیات است؟  
(سراسری خارج از کشور ۹۱ با کمی تغییر)

(۱) مُحَمَّدٌ رَّسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ - وَنَعَلِمُ مَا تُوسْوَسُ بِهِ نَفْسُهُ  
(۲) وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ - وَنَعَلِمُ مَا تُوسْوَسُ بِهِ نَفْسُهُ

(۳) مُحَمَّدٌ رَّسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ

رُحَمَاءَ بَيْنَهُمْ - إِنَّهُ خَيْرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ

(۴) وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى

النَّاسِ - إِنَّهُ خَيْرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ

گزینه «۱» صحیح است

۲- « نجات انسان و دیدگاه او از محدوده ی تنگ دنیا و مجهز کردن او به استدلال برای اثبات عوالم پس از مرگ و مبارزه با عقاید خرافی » از دقت در پیام کدام آیه استنباط می شود؟ (سراسری ریاضی با تغییر ۹۱)

(۱) وَمَنْ يُسَلِّمْ وَجْهَهُ إِلَى اللَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ  
الْوُثْقَى

(۲) مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ  
رَبِّهِمْ

۳) قُلْ ءَامَنْتُ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ وَأُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمْ اللَّهُ

رَبَّنَا وَرَبِّكُمْ

۴) قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ

أُولُو الْأَلْبَابِ

گزینه «۲» صحیح است



۳- پیامبر گرامی اسلام (ص) در اولین روز دعوت مردم به رسالت آسمانی خود ندا سر داد ..... بدین ترتیب مبارزه ی با شرک آغاز شد، قرآن کریم در این باره می فرماید:  
(سراسری تجربی ۹۱ با تغییر)

(۱) قُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَفْلَحُوا - فَلِذَلِكَ فَادْعُ وَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ  
وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ

(۲) قُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَفْلَحُوا - مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ  
صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ

۳) لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ - فَلِذَلِكَ فَادْعُ وَاسْتَقِمْ

كَمَا أُمِرْتَ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ

۴) لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ - مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ

الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ

گزینه «۲» صحیح است

۴- « استفاده ی ویژه، از نعمت های بدون منت خداوند، در آخرت، مختص مؤمنان است » که این حقیقت از دقت در پیام آیه ی شریفه ی ..... استنباط می شود.

(سراسری زبان ۹۱ با تغییر)

(۱) مَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ عَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ

(۲) قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ

۳) قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ

۴) قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَنَ وَ الْإِثْمَ

وَالْبَغْيَ بِغَيْرِ الْحَقِّ

گزینه «۲» صحیح است

۵- رسول خدا (ص) با گفتار و رفتار خویش انقلابی عظیم

درباره ی ..... پدید آورد و این سخن الهی را ابلاغ کرد:

(سراسری خارج از کشور ۹۰ با تغییر)

(۱) یکسانی منزلت زن و مرد - وَجَعَلَ لَكُم مِّنْ أَزْوَاجِكُمْ بَنِينَ

وَ حَفَدَةً وَرَزَقَكُم مِّنَ الطَّيِّبَاتِ

(۲) تساوی حقوق زن و مرد - وَجَعَلَ لَكُم مِّنْ أَزْوَاجِكُمْ بَنِينَ

وَ حَفَدَةً وَرَزَقَكُم مِّنَ الطَّيِّبَاتِ

۳) یکسانی منزلت زن و مرد - و مِنْ ءَايَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ

أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا

۴) تساوی حقوق زن و مرد - و مِنْ ءَايَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ

أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا

گزینه «۳» صحیح است

۶- پیامبر گرامی اسلام (ص) که پایان بخش منادی گران مبعوث از سوی خداوند بود، محور رسالت خود را بر « مبارزه با شرک» و « رهایی از نگاه به محدوده ی تنگ دنیا » اعلام فرمود که از دقت در آیه ی شریفه ی ..... مفهوم می گردد.  
(سراسری ریاضی ۹۰ با تغییر)

(۱) مَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ

(۲) إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ

(۳) قُلْ إِنَّمَا أَعْظُمُ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَشْنَى وَفُرَادَى

(۴) وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهُوٌ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ

الْحَيَوَانُ

گزینه «۱» صحیح است



۷- رعایت دیدگاه متعادل نسبت به نعمت های دنیوی و اخروی و روی گردانی از گناهان که شکل دهنده به فکر و اندیشه ی برگرفته از قرآن است، به ترتیب پیام کدام آیات است؟  
(سراسری تجربی ۹۰)

۱) اللَّهُ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمْ الْبَحْرَ لِتَجْرِيَ الْفُلُكُ فِيهِ بِأَمْرِهِ وَلِتَبْتَغُوا

مِنْ فَضْلِهِ - قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ

۲) قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ

الرِّزْقِ - قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ

(۳) قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ

الرِّزْقِ - فَمَنْ تَابَ مِنْ بَعْدِ ظُلْمِهِ وَأَصْلَحَ فَإِنَّ اللَّهَ يَتُوبُ عَلَيْهِ

(۴) اللَّهُ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمْ الْبَحْرَ لَتَجْرِيَ الْفُلُكُ فِيهِ بِأَمْرِهِ وَلِتَبْتَغُوا

مِنْ فَضْلِهِ - فَمَنْ تَابَ مِنْ بَعْدِ ظُلْمِهِ وَأَصْلَحَ فَإِنَّ اللَّهَ يَتُوبُ عَلَيْهِ

گزینه «۲» صحیح است



گروه آموزشی دانش نوین

 @irandaneshnovin

 @iran\_danesh\_novin

برای دانلود بقیه جزوات، با کلیک روی لینک های زیر به سایت یا کانال  
ما در تلگرام و سروش سر بزنید:

[www.idnovin.com](http://www.idnovin.com)

<https://telegram.me/irandaneshnovin>

[http://sapp.ir/iran\\_danesh\\_novin](http://sapp.ir/iran_danesh_novin)

# دین و زندگی

جلسه هفدهم

« درس نهم »

« برنامه ای برای فردا »

وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا (علت)

لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ (معلول)

وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا

۱- امت اسلامی باید نمونه و الگو باشد.

۲- خداوند پیامبر را الگو معرفی می کند.

۳- با آیه « كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ... » در درس ۱۴ سال دوم ارتباط

دارد.

وَ مَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا (علت)

فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ (معلول)

۱- پذیرش ولایت الهی علت پیروزی و برتری است.

۲- ارتباط معنایی با آیه «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ

بِالْهُدَى ...» در درس ۱۰ و ۱۱ سال سوم

و قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ  
يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ.

۱- حوزه اول = تقویت توانایی فردی = تقویت ایمان و اراده

۲- توحید عبادی «استعينوا»



ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي

هِيَ أَحْسَنُ ...

۱- حوزه چهارم = حضور مؤثر و فعال در جامعه جهانی

۲- تأکید بر محتوای عقلانی و خردمندانه ی دین

**دو تجربه‌ی موفق:** یکی برچیدن نظام شاهنشاهی، آفریدن انقلاب اسلامی و دیگری پیروزی در دفاع مقدس. این دو تجربه، هم اعتقاد مردم جهان را درباره‌ی تأثیر ایمان به غیب در پیروزی‌های مادی و اثرات مثبت حکومت مبتنی بر دین مبین اسلام افزایش داد و هم آنان را نسبت به نظام ستم پیشه‌ی جهانی آگاه‌تر کرد و برای رسیدن به معنویت و عدالت مشتاق‌تر و تشنه‌تر ساخت و رسیدن به این ارزش‌ها را خواست عمومی بسیاری از ملت‌ها قرار داد.

**برنامه ریزی:** شاید در نگاهی ابتدایی به این هدف بزرگ (تلاش برای جامعه و تمدن آرمانی اسلام) و مقایسه ی آنها با توان و قابلیت های موجود، کسانی باشند که چنین طرحی را یک بلندپروازی بپندارند و رسیدن به آن اهداف را دور از دسترس تلقی کنند. اما این یک تلقی ظاهری و سطحی نگر از توانمندی ذاتی انسان، مردم هوشمند جامعه و جوانان و نوجوانان پاک اندیش ما و ناشی از عدم آشنایی با آموزه های بیدارکننده و حیات بخش اسلام می باشد.

البته می دانیم که این مسئولیت بزرگ و حساس، نیازمند برنامه‌ای است که ما را به آن سطح لازم از توانمندی ارتقا دهد و قدرت لازم برای ایفای نقش در جهان کنونی را به ما ببخشد. علاوه بر این، کسی که آرمانی به این عظمت و بزرگی را برمی‌گزیند، هزینه‌ی آن را هم می‌پردازد و رنج‌ها و مشکلاتش را تحمل می‌کند. ما به این حقیقت معتقدیم که: «حجم تحمل زحمت‌ها و رنج‌ها و فداکاری‌ها و جان‌نثاری‌ها و محرومیت‌ها، مناسب حجم بزرگی مقصود و ارزشمندی و علو رتبه‌ی آن است.»

## حوزهی اوّل: تقویت توانایی های فردی

اوّلین قدم آن است که هریک از ما خود را برای ایفای چنین نقش مهمی آماده کنیم و توانمندی لازم را به دست آوریم. برای رسیدن به این آمادگی، برنامه های زیر پیشنهاد می گردد:

۱- تلاش برای کسب آگاهی دقیق از تمدن اسلامی و تمدن جدید: اجرای هر طرحی برای فردا، بدون آگاهی از موفقیت ها و دستاوردهای دیروز میسر نیست.

گذشته، دربردارنده ی تجربه های فراوان است که عوامل  
پیروزی ها و شکست ها را به ما نشان می دهد و بصیرت و  
روشن بینی ما را بالا می برد. شناخت دنیای جدید نیز  
جهت درک درست واقعیت ها و انتخاب روش های مؤثر،  
ضروری و لازم است.

**۲- تقویت ایمان و اراده:** مشارکت در این اقدام بزرگ نیازمند اعتقاد راسخ به دین، عزت نفس، توکل و اعتماد به خداوند، شجاعت، پایداری، عزم و اراده ی قوی، و طهارت نفسانی است. « قال موسی لقومه ... »

### **حوزه ی دوم: تحکیم بنیان خانواده**

مواظبت و حراست از بنیان خانواده مانع گسترش بسیاری از مشکلات اخلاقی و فرهنگی می شود که هم اکنون تمدن جدید بدان گرفتار شده است. بنابراین لازم است راه های حراست از بنیان خانواده را بیابیم و در جامعه تبلیغ کنیم.

## حوزه‌ی سوم: تقویت بنیان‌های جامعه

حضور فعال در جهان و تأثیرگذاری بر آن، با اقدامات فردی  
پراکنده میسر نیست. هریک از ما، علاوه بر خودسازی  
فردی و به فعلیت رساندن قابلیت‌ها و استعدادهای خود،  
لازم است بکوشد جامعه‌ی خود را به شاخص‌های تمدن  
متعالی اسلام نزدیک کند و به جامعه‌ای اسوه و نمونه برای  
دیگران تبدیل نماید. برای رسیدن به این هدف، اقدامات  
زیر پیشنهاد می‌شود:



۱- همراه کردن دیگران با خود: در قدم اوّل شایسته است بکوشیم این رسالت بزرگ و متعالی را برای دوستان، نزدیکان و افراد جامعه ی خود تبیین کنیم تا آنان نیز به این مسئولیت آگاه شوند و یار و پشتیبان آن گردند. مسلماً هدف های گفته شده، از بزرگ ترین « خیرها » در جهان امروز می باشند، که شایسته است دیگر مردم جامعه را به آنها دعوت کنیم و با خود همراه نماییم.

## ۲- تلاش برای پیشگام شدن در علم و فناوری: پیشرفت

علمی، پایه های استقلال یک ملت را تقویت می کند و مانع تسلط بیگانگان می شود. هر یک از ما باید بکوشیم با همت بلند و پشتکار فراوان، استعداد خود را به کار بگیریم تا به مرتبه ای از قدرت علمی برسیم که توجه دیگر ملت ها را به سوی خود جلب کنیم.

مقام معظم رهبری در این باره این گونه تذکر می دهند: «باید علم را که مایه ی اقتدار ملی است، همه جدی بگیرند و دنبال کنند. کشوری که مردم آن از علم بی بهره باشند، هرگز به حقوق خود دست نخواهد یافت. نمی شود علم را از دیگران گدایی کرد. علم، درون جوش و درون زاست. باید استعدادهاى یک ملت به کار افتد تا یک ملت به معنای حقیقی کلمه، عالم بشود.»

۳- استحکام بخشیدن به نظام اسلامی: استحکام و اقتدار نظام حکومتی یک کشور مهم ترین عامل برای حضور کارآمد در میان افکار عمومی جهان است. یک کشور ضعیف، به طور طبیعی منزوی می شود و همراه و همدلی در دنیا نمی یابد. پس شایسته است نظام اسلامی خود را به مرتبه ای از پیشرفت و تعالی برسانیم که ملت های دیگر به طور عینی و ملموس ثمره ی اندیشه ها و آرمانهای ما را ببینند.

استحکام پایه های اقتصادی و تلاش برای کاهش فقر،  
توسعه ی عدالت در همه ی ابعاد، تقویت اتحاد ملی،  
انسجام اسلامی و مشارکت عمومی و عمل به وظیفه ی  
مقدس امر به معروف و نهی از منکر، از مهم ترین عوامل  
استحکام نظام اسلامی است.

۴- تقویت عزت نفس عمومی: ملتی که به توانایی خود ایمان و باور دارد و عبارت « ما می توانیم » را ، نه صرفاً در لفظ، که در « عمل » بیان می کند، قله های افتخار را به سرعت فتح خواهد کرد. ایمان و باور به اینکه « ما می توانیم » زنده کننده ی تمدن اسلامی و بزرگ ترین نیروی محرکه، برای پیمودن راه و گذر از گردنه های سخت آن است.

آن خودباوری که پیامبر گرامی اسلام در یاران اندک خود  
به وجود آورد، سبب شد در شهر کوچک مدینه امتی  
تربیت شود که برای اصلاح جهان قیام کند و از همان ابتدا  
برای آزادی ستم دیدگان جهان و گسترش توحید در تمام  
دنیا برنامه ریزی نماید.

**حوزه‌ی چهارم: حضور مؤثر و فعال در جامعه‌ی جهانی پیام**  
اسلام، پیامی برای فطرت انسان هاست. هر انسان حقیقت  
طلب و روشن ضمیری که جویای حقیقت باشد، در  
مواجهه‌ی با این پیام، جذب آن می‌شود و تحت تأثیر قرار  
می‌گیرد. آنچه اهمیت دارد، انتخاب روش‌های درست برای  
انتقال این پیام است. به همین منظور، برنامه‌های زیر را  
پیشنهاد می‌کنیم:



۱- تأکید بر محتوای عقلانی و خردمندانه‌ی دین: میان یک پیام و روش تبلیغ آن باید تناسب منطقی و معقول برقرار باشد. از این رو حق را نمی‌توان با روش‌های نادرست به دیگران رساند. خداوند، در قرآن کریم روش‌های تبلیغی مناسب را به پیامبر گرامی‌اش آموزش داده است.

« اذْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ ... »

روش اول: حکمت و استدلال

روش دوم: موعظه و پند نیکو

روش سوم: مجادله یا بحث نیکوتر

لازمه‌ی به کارگیری این روش‌ها، تقویت عقل و خرد و

تأمل خردمندان در اسلام است؛ به طوری که بتوانیم معقول

و خردمندانه از دین الهی دفاع کنیم و پاسخگوی

پرسش‌های جویندگان حقیقت باشیم.

## ۲- استفاده از بهترین و کارآمدترین ابزارها برای رساندن

**پیام:** امروزه ابزارهای رساندن پیام بسیار متنوع و گسترده است. این ابزارها، به همان میزان که می توانند در استخدام حق قرار گیرند، می توانند حامل پیام های باطل باشند و به گمراهی مردم کمک کنند. شبکه ی جهانی اطلاع رسانی (اینترنت) بهترین شاهد این مدعاست. در این میدان، که شاید سخت ترین هموردی حق و باطل در جریان است.

### ۳- مبارزه با ستمگران و تقویت فرهنگ جهاد و شهادت و

**صبر:** می دانیم که یکی از رسالت های اصلی انبیا، مبارزه با ظلم و برقراری عدل در روابط جهانی و گسترش حق و حقیقت بوده است. هر چند که بسیاری از مردم با شنیدن سخن حق دلشان نرم می شود و پذیرای حق و حقیقت و عدالت می باشند، اما باید هوشیار باشیم که همواره گروهی از اهل باطل هستند که نه تنها زیر بار حق و حقیقت نمی روند، بلکه سد راه حق جویی و حق پرستی می باشند و گسترش عدالت، منافع آنها را بر هم می زند و تا همه را تابع خط و مشی خود نکنند و یوغ اسارت بر گردن دیگران نیفکنند، آرام نمی گیرند.

امام خمینی (ره) می فرمایند:

« نکته ی مهمی که همه ی ما باید به آن توجه کنیم و آن را اصل و اساس سیاست خود با بیگانگان قرار دهیم، این است که دشمنان ما و جهان خواران تا کی و تا کجا ما را تحمل می کنند و تا چه مرزی استقلال و آزادی ما را قبول دارند. به یقین، آنان مرزی جز عدول از همه هویت ها و ارزش های معنوی و الهی مان نمی شناسند. به گفته ی قرآن کریم [دشمنان] هرگز دست از مقاتله و ستیز با شما بر نمی دارند مگر اینکه شما را از دین تان برگردانند. ما چه بخواهیم و چه نخواهیم صهیونیست ها و آمریکا و شوروی در تعقیبمان خواهند بود تا هویت دینی و شرافت مکتبی مان را لکه دار نمایند. »

بدین ترتیب، اگر واقع بینانه نگاه کنیم، درمی یابیم که دعوت به حق و عدالت را نباید منحصر به صحبت و شعار کرد، بلکه برای تحقق سخن حق باید قیام نمود و موانع حق و حق پرستی را در کل جهان زدود و این میسر نمی شود مگر با جهاد و آمادگی برای شهادت در راه خدا، که همان راه حق و حقیقت است و تحمل همه ی سختی های این راه.

نمونه‌ی بارز حق ستیزی و زورگویی در عرصه جهانی، اقدامات صهیونیست‌ها در فلسطین اشغالی است. بنابراین، با شناخت دقیق فرصت‌ها، مردم دنیا را باید نسبت به شرایط سخت و ظالمانه‌ای که در آن قرار گرفته‌ایم، آگاه کنیم و با زنده کردن روحیه‌ی جهاد و مبارزه، به تقویت جبهه‌ی عدالت خواهان بپردازیم. با اقتدا به امام خمینی (ره) عزت و کرامت ذاتی انسان‌ها را بدان‌ها یادآوری کنیم، روحیه‌ی خودباختگی و ترس را از ملت‌ها بزداییم و آنها را به سوی استقامت و مبارزه‌ی معقول و عزتمند هدایت کنیم.

- ۱- از دقت در آیهی شریفه‌ی « وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا » مفهوم می‌گردد که .... (سراسری خارج از کشور ۹۱ با کمی تغییر)
- ۱) خروج از حدّ اعتدال و گرایش به افراط یا تفریط، شایسته‌ی انسان نیست.
- ۲) لزوم وصول به مقام الگویی برای دیگر امت‌ها، حرکت در جاده‌ی «اعتدال» است.
- ۳) مشیت خداوند، اقتضای اسوه شدن پیامبر (ص) برای مؤمنان و موحدان را فراهم ساخت.
- ۴) هماهنگی با اصل حاکم بر هستی که «عدل» است، مورد انتظار خدا و رسول خدا (ص) از مؤمنان است. گزینه «۲» صحیح است



۲- اگر بگوییم « پیام اسلام، پیامی برای فطرت انسان ها است » این عبارت بیانگر کدام وظیفه ی ما برای تشکیل تمدن بزرگ جهانی امام عصر (عج) است؟ و تأکید بر محتوای عقلانی و خردمندانه ی دین، از دقت در پیام کدام آیه استنباط می شود؟ (سراسری تجربی ۹۱ با کمی تغییر)

(۱) تقویت بنیان های جامعه - ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ  
وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ

(۲) تقویت بنیان های جامعه - قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ  
وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ  
لِلْمُتَّقِينَ

(۳) حضور مؤثر و فعال در جامعه ی جهانی - اذْعُ إِلَى سَبِيلِ

رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ

(۴) حضور مؤثر و فعال در جامعه ی جهانی - قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ

اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ

وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ

گزینه «۳» صحیح است

۳- از دقت در آیه ی شریفه ی « قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ  
وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ  
لِلْمُتَّقِينَ » مفهوم می گردد که..... (سراسری هنر ۹۱)

- ۱) تمام پیامبران الهی، انسان را به سمت و سوی یک هدف که بروز جنبه ی بندگی او است، سوق داده اند.
- ۲) خودباختگی در برابر قدرت ها، با استعانت از خداوند و «صبر و تقوی» تبدیل به خود باوری می شود.

۳) توجه به اهداف بلند، انسان را با حجم تحمّل زحمت ها و رنج ها و فداکاری ها و جان نثاری ها و محرومیت ها، روبه رو می کند.

۴) محقق شدن اهداف متعالی انسانی در گرو اعتقاد راسخ به دین، عزت نفس، عزم و اراده ی قوی و طهارت نفسانی است.

گزینه «۴» صحیح است

۴- پیام اسلام، پیامی برای ..... است و تأکید بر محتوای عقلانی و خردمندانه ی دین از آیه ی ..... مفهوم می گردد. (سراسری ریاضی ۹۰)

(۱) آزادی خواهان - هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينِ الْحَقِّ ...

(۲) فطرت انسان ها - هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينِ الْحَقِّ ...

(۳) آزادی خواهان - ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ

الْحَسَنَةِ ...

(۴) فطرت انسان ها - ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ

الْحَسَنَةِ ...

گزینه «۴» صحیح است

۵- «مقام الگویی پذیرندگان دعوت آخرین پیامبر» و «مأموریت به عمل مبتنی بر عدل» به ترتیب، پیام کدام آیه است؟ (سراسری تجربی ۹۰ با تغییر)

(۱) «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ» - «وَقُلْ آمَنْتُ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ وَأُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمْ»

(۲) «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا» - «قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلِي وَفِرَادَى»

(۳) « وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ » - « قُلْ إِنَّمَا أَعْظَمُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلِي وَفُرَادَى »

(۴) « وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا » - « وَقُلْ آمَنْتُ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ وَأُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمْ »

گزینه «۴» صحیح است



۶- با تدبیر در آیه‌ی شریفه‌ی « وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا

لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ ... » کدام پیام مستفاد

نمی‌گردد؟ (سراسری خارج از کشور ۸۸)

(۱) اسوه‌ی حقیقی و برتر مسلمان رسول خداست که شاهد و گواه بر امت اسلامی است.

(۲) قرآن از ما مسلمانان می‌خواهد که امت معتدل باشیم به طوری که سایر ملت‌ها از مسلمانان تأسی کنند.

- ۳) جامعه‌ی واقعی اسلامی آن جامعه‌ای است که بتواند در عصر خود الگو باشد و راه میانه‌ی زندگی را نشان دهد.
- ۴) اگر امتی ولایت خداوند و پیامبر گرامی اسلام (ص) را در عمل بپذیرد همواره در جهان پیروز و سربلند خواهد بود.

گزینه «۴» صحیح است

۷- با توجه به رهنمود بنیان گذار جمهوری اسلامی (ره) اصل و

اساس سیاست این نظام مقدّس با بیگانگان، توجه به این مسأله

است که: (سراسری خارج از کشور ۸۸)

۱) با حفظ عزّت و اقتدار، ارتباط با آنان را دنبال کنیم.

۲) ارتباط خود را با آنان بر مبنای اصول عدالت محور اسلامی،

استوار کنیم.

۳) آنان، مرزی جز عدول از همه‌ی هویت‌ها و ارزش‌های  
معنوی الهی ما، نمی‌شناسند.

۴) آنان را ولی سرپرست خود قرار ندهیم تا پاسداری از  
استقلال و هویت خویش را به انجام برسانیم.

گزینه «۳» صحیح است

۸- برای رساندن جامعه به شاخص های تمدن متعالی

اسلام، کدام اقدامات ضروری است؟ (سراسری ریاضی ۸۸)

(۱) همراه کردن دیگران با خود - تلاش برای پیشگام شدن

در علم و فناوری - تقویت عزت نفس عمومی

(۲) تقویت ایمان و اراده - تلاش برای پیشگام شدن در علم

و فناوری - تقویت عزت نفس عمومی

۳) تقویت ایمان و اراده - تلاش برای کسب آگاهی دقیق از

تمدن اسلامی - استحکام بخشیدن به نظام اسلامی

۴) همراه کردن دیگران با خود - تلاش برای کسب آگاهی

دقیق از تمدن اسلامی - استحکام بخشیدن به نظام

اسلامی

گزینه «۱» صحیح است

۹- از دقت در آیه‌ی شریفه‌ی « وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا » مفهوم می‌گردد که لازمه‌ی الگو شدن مسلمانان ..... و ..... می‌باشد.

(سراسری تجربی ۸۸)

- ۱) مصونیت از افراط و تفریط - الگوگیری از پیامبر (ص)
  - ۲) مجهز بودن به اعتقاد راستین - الگوگیری از پیامبر (ص)
  - ۳) مصونیت از افراط و تفریط - سرسپردگی در برابر پیام خداوند
  - ۴) مجهز بودن به اعتقاد راستین - سرسپردگی در برابر پیام خداوند
- گزینه «۱» صحیح است

۱۰- آیه‌ی شریفه‌ی « قُلْ إِنَّمَا أَعْظُمُ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ

مَثْنِي وَفُرَادِي ثُمَّ تَتَفَكَّرُوا » بیانگر کدام موضوع در تقویت

بنیان‌های جامعه‌ی خود است؟ (سراسری تجربی ۸۸)

(۱) تقویت ایمان و اراده

(۲) همراه کردن دیگران با خود

(۳) تقویت عزت نفس عمومی

(۴) استحکام بخشیدن به نظام اسلامی

گزینه «۲» صحیح است



۱۱- با توجه به آیه ی شریفه « ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ

وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بَالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ ... » لازمه ی

به کارگیری این روش ها، ..... است. (سراسری انسانی ۸۸)

(۱) تقویت ایمان و اراده و عزت نفس عمومی

(۲) استفاده از بهترین و کارآمدترین ابزارها

(۳) تقویت عقل و خرد و تأمل خردمندان در اسلام

(۴) همراه کردن دیگران با خود در تقویت بنیان جامعه

گزینه «۳» صحیح است

۱۲- پاسداری از تمدن متعالی اسلام، ایجاب می کند که :  
« بر محتوای عقلانی و خردمندانه ی دین » تأکید کنیم. این  
مفهوم از توجه در کدام آیه به دست می آید؟

(سراسری هنر ۸۸ با تغییر)

(۱) وَ مَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ  
الْغَالِبُونَ

(۲) اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَ اصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ

۳) اذْعُ إِلَيَّ سَبِيلَ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ

بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ

۴) وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ

وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا

گزینه «۳» صحیح است

« درس دهم »

« زندگی در دنیای امروز »

عمل به احکام و راهنمایی خداوند، در دنیای پیچیده ی امروز، تنها شیوه ی مطمئن زندگی و روش قابل اعتماد در مواجهه ی با مسأله هاست. در دنیایی که برترین معیارها و ارزش ها و مقدس ترین حقیقت ها تخریب می شوند، بسیاری از باطل ها را حق و حق ها را باطل جلوه می دهند، سهل انگاری در عمل و بی توجهی به احکام خداوند، قرار دادن خود بر لبه ی پرتگاهی است که سقوط به وادی های هولناک گمراهی و سرگردانی را در پی خواهد داشت. خداوند همین خطر را به ما هشدار می دهد و می فرماید:

أَفَمَنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهُ      آیا آن کس که بنیاد [کار] خود را

عَلَى تَقْوَى مِنَ اللَّهِ

بر پایه ی تقوا و خشنودی خدا نهاده

وَرِضْوَانٍ

بهتر است

خَيْرٌ

أَمْ مَنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهُ      یا کسی که بنای خود را پی ریزی کرده

عَلَيَّ شَفَا جُرْفٍ هَارٍ

بر لب پرتگاهی مشرف به سقوط

فَأَنْهَارَ بِهِ فِي نَارِ جَهَنَّمَ

و با آن در آتش دوزخ فرو  
می افتد؟

وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ

و خداوند گروه بیدادگران را  
هدایت نمی کند.

چرا برخی این راه یقینی را نادیده می گیرند و به این در و آن در می زنند و فرصت های زندگی را از دست می دهند؟  
قبل از بیان برخی از احکام ضروری، توجه به دو نکته لازم است:

**۱- هر یک از احکام و دستورات خداوند، دارای علت خاصی است. اگر خداوند مهربان ما را به انجام کاری فرمان داده، حتماً آن کار به نفع ما بوده است. و اگر از کاری منع کرده حتماً آن کار به ضرر ماست، گرچه ما از انجام آن خیلی خوشمان نیاید.**



قرآن کریم می فرماید: چه بسیار چیزهایی که شما آنها را خوش نمی دارید، درحالی که برای شما خوب است و خداوند به آنها فرمان داده و چه بسیار چیزهایی که دوست می دارید و آنها برای شما بد است و خداوند آنها را منع فرموده است. زیرا خداست که بر هر چیزی آگاه است ولی شما این گونه نیستید.

۲- ممکن است ما انسان ها علت برخی از احکام را درک نکنیم، به خصوص وقتی که ببینیم برخی از جوامع امروزی برخلاف آن احکام عمل می کنند. در این قبیل موارد باید به عقل و خرد خود مراجعه و توجه کنیم که علم ما نسبت به علم و حکمت خداوند، بسیار ناچیز است و بنای زندگی بر پایه ی علم خداوند است که خوشبختی و سعادت را به ارمغان می آورد.

## برخی از احکام زندگی در دنیای امروز الف) ورزش و بازی

۱- بازی، ورزش و بازی های ورزشی که برای نشاط، سلامتی و تقویت جسم و روح انجام می شود، اگر به قصد آمادگی بیشتر برای انجام وظایف الهی باشد، مستحب است و پاداش اخروی دارد.

۲- کسانی که برای تقویت رابطه ی صمیمانه میان خویشان و همسایگان و سلامت اخلاقی افراد خانواده در بازی ها و ورزش های دسته جمعی پیش قدم می شوند، از پاداش اخروی بهره مند خواهند شد.

**۳- شرط بندی، از امور زیان آور روحي و اجتماعي است و انجام آنها، حتی در بازی ها و ورزشهای معمولی، حرام می باشد.**

**۴- قمار حرام است و بازی با وسایل و ابزارهایی که در جامعه به عنوان ابزار قمار شناخته شده اند، اگرچه به قصد قمار نباشد، حرام است. شرکت در مجالس قمار نیز حرام می باشد. یکی از دلایل حرمت می تواند این باشد که زشتی قمار در اذهان باقی بماند و زمینه ی پیدایش قمار در جامعه فراهم نشود.**

**۵- دادن جایزه توسط سازمان ها، نهادها و افراد به ورزشکاران جایز است و اگر کسانی این جوایز را به این نیت بدهند که افراد جامعه به ورزش و بازی های مفید رو آورند و سلامتی جسم و جان خود را افزایش دهند، کار نیکی کرده اند و از پاداش اخروی برخوردار خواهند بود.**

**۶- اگر ورزش و بازی های ورزشی برای دور شدن افراد جامعه از فساد و بی بندوباری های دنیای کنونی ضرورت یابد، فراهم کردن امکانات آن واجب کفایی است.**

**۷- بازی با ابزار قمار از طریق کامپیوتر، مانند بازی با همان ابزار است و حرام می باشد.**

## ب) فرهنگ و ارتباطات

۱- تولید فیلم های سینمایی و تلویزیونی، مستند علمی، تاریخی و اجتماعی که به نیت اعتلای فرهنگ اسلامی و تربیت دینی باشد، مستحب است و در شرایط ضروری، واجب کفایی است.

۲- تولید سایت ها در شبکه ی اینترنت به منظور اشاعه ی فرهنگ و معارف اسلامی و مقابله با اندیشه های کفرآمیز و ابتذال اخلاقی، مستحب است و افرادی که توانایی علمی، فنی و مالی آن را دارند، باید به تولید آن مبادرت ورزند.

۳- تولید، توزیع و تبلیغ، فیلم‌ها، لوح‌های فشرده،  
نوارهای کاست، مجلات، روزنامه‌ها، کتابها و انواع آثار  
هنری به منظور گسترش فرهنگ و معارف اسلامی و مبارزه  
با تهاجم فرهنگی و ابتذال اخلاقی، از مصادیق مهم عمل  
صالح و از واجبات کفایی و دارای پاداش اخروی بزرگ  
است.

۴- تولید، توزیع و تبلیغ، فیلم ها، لوح های فشرده و سایر رسانه ها که دربردارنده ی تصاویر یا متونی که موجب انحراف و فساد می شوند و یا دربردارنده ی موسیقی مطرب و مناسب با مجالس لهو و گناه باشند، از گناهان بزرگ شمرده می شود و خرید و فروش آنها حرام است. همچنین، تماشا کردن و گوش دادن به آنها نیز حرام است.



۵- ابزارهای دریافت شبکه های ماهواره ای و رسانه اینترنت، از این جهت که صرفاً وسیله ای برای دریافت برنامه های مختلف تلویزیونی و ارتباط هستند، که هم برنامه های حلال دارند و هم حرام، حکم ابزار مشترک را دارند. بنابراین، خرید و فروش و نگهداری آن برای امور حرام، حرام و برای امور حلال، جایز است.

ولی چون این ابزار زمینه‌ی دریافت برنامه‌های حرام را برای خود و اطرافیان خود کاملاً فراهم می‌کند و گاهی نگهداری آن مفاسد دیگری را نیز دربر دارد، خرید و نگهداری آنها حرام است؛ مگر برای کسی که به خودش مطمئن است که استفاده‌ی حرام نمی‌کند و نگهداری آن در خانه، مفسده‌ای را به دنبال ندارد.

البته در این قبیل موارد، قوانین دولت جمهوری اسلامی ایران که مصالح کلی جامعه را در نظر دارد، اولویت دارد و لازم الاجرا است.

۶- موسیقی لهنوی و مطرب که مناسب با مجالس عیش و نوش باشد، حرام محسوب می شود و فرقی نمی کند که موسیقی کلاسیک باشد یا غیرکلاسیک. این گونه موسیقی ها به سبب ویژگی هایی که دارند، انسان را از خداوند متعال و فضائل اخلاقی دور نموده و به سمت بی بندوباری و گناه سوق می دهند.

۷- به کارگیری آلات موسیقی برای نواختن موسیقی غیرلهوی، اگر برای اجرای سرودهای انقلابی و یا برای اجرای برنامه های فرهنگی مفید باشد، اشکال ندارد، به شرط این که مستلزم مفاسد دیگری نباشد.

۸- شرکت در جشن های شادی، مانند جشن عروسی، در صورتی که مستلزم گوش دادن به غنا و موسیقی مطرب و یا هر عمل حرام دیگری نباشد، اشکال ندارد؛ همچنین فیلم برداری مردان از مجالس مردان و زنان از مجالس زنان جایز است اما فیلم برداری مردان از زنانی که رعایت حجاب کامل را نمی کنند، حرام است.

۹- اگر مؤلف یا ناشر یا تولیدکننده ی فیلم، نوار و لوح فشرده قید کرده باشد که چاپ یا تکثیر آن، بدون اجازه ی صاحبش ممنوع است، لازم است حقوق صاحبان آن مراعات شود.

## ج) روابط با بیگانگان

۱- اگر خرید کالاهای وارداتی از کشورهای غیراسلامی و استفاده از آنها باعث تقویت دولت های کافر و استعمارگر که دشمن اسلام و مسلمین هستند، شود و یا قدرت مالی آنها را برای هجوم به سرزمین های اسلامی یا مسلمین در سراسر عالم، تقویت نماید، واجب است که مسلمانان از خرید و به کارگیری و استفاده از آنها اجتناب کنند.

۲- هر نوع تجارتي که به نفع دولت غاصب صهيونيستي که

دشمن اسلام و مسلمين است، تمام شود، حرام است. وارد

کردن و ترويج کالاهای آنان که از ساخت و فروش آن سود

می برند، حرام است.

اگر اين قبيل کالا در فروشگاه های کشورهای اسلامی

باشد، خريد آنها بر مسلمانان حرام است.

۳- خرید و پوشیدن لباس هایی که توسط دولت های استعماری تولید شده اند، اگر مستلزم ترویج فرهنگ غیراسلامی دشمن باشد و باعث تقویت اقتصاد آنان برای استعمار و استثمار سرزمین های اسلامی شود، یا منجر به وارد شدن ضرر اقتصادی به دولت اسلامی گردد، حرام است.

۴- معمولاً مدهایی که در غرب پیدا می شود، دربردارنده ی پیامی منفی یا ترویج دهنده ی یک گروه غیراخلاقی است. به طور کلی، تقلید از مدهایی که شبیه شدن به دشمنان اسلام و ترویج فرهنگ آنها را به دنبال دارد، حرام است.

۱- سهل انگاری در عمل و بی توجهی به احکام الهی، قرار دادن خود در لبه ی پرتگاهی است که سقوط به وادی های هولناک گمراهی و سرگردانی در پی خواهد داشت این موضوع در کدام عبارت قرآنی تجلی دارد؟ (تألیفی)

(۱) « أَفَمَنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهُ عَلَىٰ تَقْوَىٰ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٍ خَيْرٌ »

(۲) « وَ مَنْ يَنْقَلِبْ عَلَىٰ عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا »

(۳) « فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ »

(۴) « أَمْ مَنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهُ عَلَىٰ شَفَا جُرُفٍ هَارٍ »

گزینه «۴» صحیح است



- ۲- کدام گزینه درباره احکام ورزش صحیح نیست؟ (تألیفی)
- (۱) بازی و ورزش اگر به قصد آمادگی بیشتر برای انجام وظایف الهی باشد، مستحب است.
- (۲) شرط بندی حتی در بازی ها و ورزش های معمولی، حرام است.
- (۳) بازی با وسایل و ابزارهایی که در جامعه به عنوان ابزار قمار شناخته شده اند اگر چه به قصد قمار نباشد، مکروه است.
- (۴) فراهم آوردن امکانات ورزشی برای دور شدن جامعه از فساد و بی بند و باری واجب کفایی است.
- گزینه «۳» صحیح است

۳- تولید فیلم های سینمایی و تلویزیونی، مستند علمی، تاریخی و اجتماعی که به نیت اعتلای فرهنگ اسلامی و تربیت دینی باشد ..... است و در شرایط ..... ، ..... است. ( تألیفی )

(۱) واجب - خاص - واجب کفایی

(۲) مستحب - ضروری - واجب کفایی

(۳) واجب - خاص - واجب عینی

(۴) مستحب - ضروری - واجب عینی

گزینه «۲» صحیح است

۴- تولید و توزیع و تبلیغ فیلم ها و لوح های فشرده و غیره به منظور گسترش فرهنگ و معارف اسلامی و مبارزه با تهاجم فرهنگی و ابتذال اخلاقی از مصادیق ..... و از واجبات ..... و دارای ..... است. ( تألیفی )

(۱) ایمان قوی - کفایی - اجر عظیم الهی

(۲) عمل صالح - عینی - پاداش اخروی بزرگ

(۳) ایمان قوی - عینی - اجر عظیم الهی

(۴) عمل صالح - کفایی - پاداش اخروی بزرگ

گزینه «۴» صحیح است

۵- تولید و توزیع و تبلیغ فیلم ها، لوح های فشرده و غیره که موجب انحراف و فساد می شوند، از ..... شمرده می شود و خرید و فروش آن ها ..... است و تماشا کردن و گوش دادن به آن ها ..... دارد. ( تألیفی )

(۱) گناهان کبیره - حرام - حرمت

(۲) مصادیق گناه - مکروه - حرمت

(۳) مصادیق گناه - مکروه - کراهت

(۴) گناهان کبیره - حرام - کراهت

گزینه «۱» صحیح است

**۶- ابزارهای دریافت شبکه های ماهواره ای و رسانه اینترنت از این جهت که صرفاً وسیله ای برای دریافت برنامه های مختلف تلویزیونی و ارتباط هستند حکم ..... را دارند یعنی ..... است. ( تألیفی )**

**(۱) ابزار مشترک - یعنی خرید و فروش و نگهداری برای امور حرام، حرام و برای امور حلال، جایز است.**

**(۲) حرام - یعنی خرید و فروش و نگهداری در هر صورتی حرام است و جایز نیست.**

۳) ابزار مشترک - یعنی خرید و فروش و نگهداری آن در هر صورتی حرام است و جایز نیست.

۴) حرام - یعنی خرید و فروش و نگهداری برای امور حرام، حرام و برای امور حلال، جایز است.

گزینه «۱» صحیح است

۷- موسیقی ..... که متناسب با مجالس ..... باشد  
محسوب می شود و فرقی نمی کند که موسیقی .....  
باشد. ( تالیفی )

(۱) مطرب - عیش و نوش - حرام - کلاسیک یا غیر کلاسیک

(۲) لهوی - طرب - مکروه - سرود انقلابی یا غیر انقلابی

(۳) مطرب - طرب - حرام - سرود انقلابی یا غیر انقلابی

(۴) لهوی - عیش و نوش - مکروه - کلاسیک یا غیر کلاسیک  
گزینه «۱» صحیح است

۸- هر نوع تجارتي كه به نفع دولت ..... تمام شود  
..... است و سود بردن از آن ..... است و خريد آن  
كالاها توسط مسلمانان ..... است. ( تأليفي )

(۱) غربي - حرام - حرام - مكروه

(۲) صهيونيستي - حرام - حرام - حرام

(۳) صهيونيستي - حرام - حرام - مكروه

(۴) غربي - حرام - حرام - حرام

گزينه «۲» صحيح است



**۹- تنها شیوهی مطمئن زندگی و روش قابل اعتماد در مواجهه با مسأله ها در دنیا پیچیده امروز ..... است و ..... قرار دادن خود بر لبه‌ی پرتگاهی است که ..... در پی خواهد داشت. ( تالیفی )**

(۱) عمل به احکام و راهنمایی خداوند - سهل انگاری در عمل و بی توجهی به احکام خداوند - سقوط به وادی هولناک گمراهی

(۲) عدم سهل انگاری در عمل و بی توجهی به احکام خداوند - سهل انگاری در عمل و بی توجهی به احکام خداوند - سقوط در دامان حوادث

۳) عمل به احکام و راهنمایی خداوند - در نظر گرفتن سود و زیان خود در احکام الهی - سقوط به وادی هولناک گمراهی

۴) عدم سهل انگاری در عمل و بی توجهی به احکام خداوند - در نظر گرفتن سود و زیان خود در احکام الهی - سقوط در دامان حوادث

گزینه «۱» صحیح است

۱۰- شرط بندی از ..... است و انجام آن ها در بازی ها و ورزش های معمولی ..... می باشد. ( تألیفی )

(۱) امور زیان آور روحی و اجتماعی - جایز

(۲) امور زیان آور روحی و اجتماعی - حرام

(۳) انواع قمارها - مکروه

(۴) انواع قمارها - حرام

گزینه «۲» صحیح است